

نبرد خلق

ویژه مطالعه روی کامپیوتر، تلفن دستی و ای پاد

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

شماره ۲۳۲، سه شنبه ۱ اسفند ۱۳۹۱ (۱۹ فوریه ۲۰۱۳)

سردبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، جعفر پویه، لیلا جدیدی، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: لیلا جدیدی، منصور امان، زینت میرهاشمی، آناهیتا اردوان، جعفر پویه، مهدی سامع

شماره ویژه بزرگداشت حماسه سیاهکل و اجلاس شورای عالی سازمان

در این شماره می خوانید:

- * هفتمین اجلاس شورای عالی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران برگزار شد.
- * کمیته مرکزی منتخب شورای عالی سازمان اجلاس خود را برگزار کرد... ص ۲.
- * گزارش همایش گرامیداشت چهل و دومین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل... ص ۳
- * تسلیت به مناسبت درگذشت خانم ملیحه بیرنگ (مادر پرتوی) ... ص ۷
- * پیام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
- * به مناسبت چهل و دومین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل... ص ۸
- * نوزده بهمن، جنبش فدایی و وظایف ما در شرایط کنونی - جعفر پویه... ص ۱۰
- * پیام جمعی از دانشجویان کمونیست... ص ۱۷
- * پیام از قطعه ۳۳ در ۱۹ بهمن ۱۳۹۱ تهران، به مراسم بزرگداشت حماسه سیاهکل در کلن... ص ۱۸
- * پیام "شورش"، از جانب جمعی از فعالان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در مازندران... ص ۱۸
- * پیام جمعی از جوانان هوادار... ص ۱۹
- * حمله تروریستی به زندان موسوم به لیبرتی محکوم است... ص ۲۰
- * حمله جنایتکارانه موشکی به لیبرتی به دستور خامنه ای در هماهنگی با حکومت عراق... ص ۲۰
- * دلنوشته ای از پریا، دختر زندانی سیاسی صالح کهندل... ص ۲۴
- * تداوم - ربابه جوزقی... ص ۲۵
- * برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در بهمن ۱۳۹۱ - زینت میرهاشمی... ص ۲۶
- * شرایط کنونی و وظایف ما
- * گزارش سیاسی سخنگوی سازمان به هفتمین اجلاس شورای عالی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران... ص ۳۴
- * فراسوی خبرها... ص ۵۳
- * شهدای فدایی در اسفند ماه... ص ۵۹
- * انتشارات تصویری... ص ۵۹

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

هفتمین اجلاس شورای عالی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران برگزار شد. کمیته مرکزی منتخب شورای عالی سازمان اجلاس خود را برگزار کرد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران طی روزهای ۲۳، ۲۴ و ۲۵ بهمن (برابر با ۱۱، ۱۲ و ۱۳ فوریه ۲۰۱۳) هفتمین اجلاس شورای عالی خود را با حضور مسئولان، کادرها و اعضای سازمان با یک دقیقه سکوت به احترام و در بزرگداشت یاد و خاطره شهدا و زندانیان جنبش پیشتاز فدایی و به یاد همه ی شهدا و جانبازان راه آزادی مردم ایران آغاز کرد. قبل از ورود به دستور کار اجلاس، شرکت کنندگان در شورای عالی تصمیم گرفتند که در محکومیت تهاجم تروریستی به زندان موسوم به لیبرتی اطلاعیه ای منتشر کنند.

با تهیه و تصویب این اطلاعیه شورا عالی دستور اجلاس که از طرف دبیرخانه سازمان پیشنهاد شده بود را مورد بحث قرار داد و به شرح زیر تصویب رساند.

- * بحث و بررسی گزارش سیاسی سخنگوی سازمان در مورد تحولات سیاسی
- * گزارش بخشهای مختلف تشکیلات و بررسی نقاط قوت و ضعف و نیز مشکلات و نارسائیهای هر بخش
- * انتخاب کمیته مرکزی سازمان

در نخستین بخش، سخنگوی سازمان، گزارش سیاسی خود را که به مجموعه رویدادهای کشور، چالشهای حکومت و تجزیه و تحلیل شرایط کنونی، قیامهای بهار عربی، جنبشهای برآشفتگان و اشغال وال ستريت و وظایف ما اختصاص داشت را ارائه داد. شورای عالی سازمان پس از گفت و گو و تبادل گسترده آراء، گزارش سخنگوی سازمان را به تصویب رساند. پیرامون مضامین این سند طی ۳۵ سمینار ماهانه سازمان نیز بحث و تبادل نظر شده بود و متن این گزارش یک ماه قبل از برگزاری اجلاس در اختیار رفقای تشکیلات قرار گرفته بود.

متن کامل این گزارش در شماره ۳۳۲ ماهنامه نبرد خلق که در اول اسفند امسال منتشر خواهد شد، درج می شود.

در دومین بخش اجلاس شورای عالی، گزارش فعالیت نهادها و ارگانهای سازمان در فاصله دو نشست توسط مسئولان مربوطه ارائه و مورد بررسی قرار گرفت. در همین رابطه، توجه اکید شرکت کنندگان بر فعالیت در داخل ایران و فعالیتهای تبلیغاتی و روشنگرانه بود. نشست با تفکیک موضوعی نقاط قوت و ضعف در جنبه های گوناگون فعالیت بیرونی سازمان، راهکارهای تقویت و ارتقا کوششهای تشکیلاتی را به بحث گذاشت و مفاد اجرایی آن را جمع بندی کرد.

آخرین بند دستور کار اجلاس، انتخاب کمیته مرکزی سازمان بود. شورای عالی مصوبه ششمین اجلاس خود را که ناظر بر گسترش این نهاد بود را دوباره تأیید و اعضای کمیته مرکزی را با رای گیری مخفی و بر معیار نصف به اضافه یک برگزید. نشست شورای عالی سازمان طی ۳ روز کار فشرده با سرود انترناسیونال به کار خود پایان داد.

کمیته مرکزی منتخب شورای عالی، در نخستین جلسه خود که بی درنگ پس از پایان نشست برگزار گردید، پیرامون قرارهای شورای عالی تصمیماتی اتخاذ کرد و رفیق مهدی سامع را به عنوان سخنگوی سازمان، و اعضای هیات دبیران نبرد خلق، مسئول دبیرخانه و مسئولان ارگانهای تشکیلاتی و اجرایی را منصوب کرد.

دبیرخانه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

پنجشنبه ۲۶ بهمن ۱۳۹۱ برابر با ۱۴ فوریه ۲۰۱۳

گزارش همایش گرامیداشت چهل و دومین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل



از ساعت چهار و نیم بعد از ظهر روز شنبه ۲۱ بهمن ۱۳۹۰ برابر با ۹ فوریه ۲۰۱۳، مراسم بزرگداشت چهل و دومین سالگرد رستاخیز سیاهکل در کلن (آلمان) با شرکت ایرانیان آزادیخواه برگزار شد .



فرنگیس بایقره

در ابتدای برنامه رفیق فرنگیس بایقره از جانب سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، به حضار خوش آمد گفت و برای احترام به شهدای جنبش پیشتاز فدایی و همه شهدای راه آزادی یک دقیقه سکوت اعلام کرد .

پس از آن نماهنگی با نام "آزادی" و نماهنگ دیگری از ساخته های سیمای آزادی پخش شد.

سپس رفقا آناهیتا اردوان و کامران عالمی

نژاد ۴ پیام رسیده به مراسم را به اطلاع

شرکت کنندگان رساندند که با استقبال حضار روبرو شد. متن این چهار

پیام در پایان این گزارش خواهد آمد .

رفیق لیلا جدیدی قسمت بعدی برنامه را با خواندن بخشهایی از پیام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به همین مناسبت آغاز کرد و سپس از رفیق جعفر پویه دعوت کرد که سخنرانی خود را شروع کند. رفیق جعفر پویه در سخنرانی خود به شرایطی که منجر به شکل گیری چریکهای فدایی خلق شد پرداخت و در بررسی



کامران عالمی نژاد آناهیتا اردوان

عملکرد جنبش فدایی و پایه های نظری آن نتیجه گرفت که مبارزه ضد دیکتاتوری و تحقق انقلاب دمکراتیک در شرایط کنونی در اساس، از همان قانونمندیهای پیروی می کند که بر اساس آن جنبش فدایی شکل گرفت .

متن کامل سخنرانی رفیق جعفر پویه در شماره ۳۳۲ ماهنامه نبرد خلق که در اول اسفند امسال منتشر خواهد شد، درج می شود.

پس از پایان سخنرانی، رفیق سحر یکی از سروده های زنده یاد احمد شاملو را خواند و پس از آن حضار را به صرف چای و قهوه دعوت کرد.

پس از آنتراکت، رفیق سحر ادامه برنامه را به شرح زیر به اطلاع



حضار رساند:

"در ابتدا، برنامه موسیقی هنرمند انقلابی و چپ، رفیق گیسو شاکری اجرا می شود و پس از آن نوبت بحث و گفت و گو با شرکت رفقا جعفر پویه، زینت میرهاشمی و لیلا جدیدی است و در پایان، رفیق فریدون از کارگاه هنر، برنامه اجرا خواهد کرد".
پس از برنامه هنری رفیق گیسو که با استقبال پرشور روبرو شد، لیلا جدیدی، زینت میرهاشمی و جعفر پویه برنامه بحث و گفتگو را آغاز کردند. در این بخش تعدادی از حضار به طرح سوال و یا رایحه نظر پرداختند .





لیلا جدیدی همچنین اعلام کرد که یک زندانی سیاسی رها شده از زندان، یکی از آثار هنری خود را به این مراسم تقدیم کرده و همچنین یکی از هنرمندان مترقی، تصویر کنده کاری شده ای از زنده یاد احمد شاملو را به این برنامه تقدیم داشته است. از جانب شورای ملی مقاومت ایران نیز دسته گل زیبایی به مراسم اهدا شده بود.



بخش سوم برنامه به کارگاه هنر ایران اختصاص داشت. رفیق فریدون رضانی با اجرای ترانه سرودهای فراموش نشدنی، یاد و خاطره حماسه آفرینان جنبش پیشتاز فدایی را گرمی داشت .
همایش چهلمین و دومین سالگرد رستاخیز و حماسه سیاهکل با سرود انترناسیونال با اجرای رفیق فریدون رضانی و همراهی پرشور حضار به پایان رسید.
قابل ذکر است که از تمامی این برنامه فیلمبرداری شده و در آینده منتشر خواهد شد.



دبیرخانه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
دوشنبه ۳۰ بهمن ۱۳۹۱ - ۱۸ فوریه ۲۰۱۳

تسلیت به مناسبت درگذشت خانم ملیحه بیرنگ (مادر پرتوی)

سن



تنها

با تاسف بسیار روز جمعه ۲۹ دی ۱۳۹۱ خانم ملیحه بیرنگ (مادر پرتوی) در ۹۶ سالگی در تهران درگذشت. خانم ملیحه رهبری زنی مبارز و جسور و مادر رفیق مبارز محمد علی پرتوی بود. در دوران رژیم گذشته که زنده یاد رفیق محمد علی پرتوی در ارتباط با سازمان چریکهای فدایی خلق ایران دستگیر شده بود، مادر پرتوی در کنار دیگر مادران و خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی فعالیت می کرد.

مادر پرتوی فرزند آقای علی بیرنگ ملقب به کاظم اف، که در کتب مربوط به انقلاب مشروطیت از وی یاد می شود، بود. زنده یاد رفیق محمد علی پرتوی فرزند پسر این مادر جسور در سالهای دهه ۶۰ به دست مزدوران استبداد مذهبی حاکم بر ایران به شهادت رسید. نازلی، فرزند دختر مادر پرتوی نیز سالها در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی تحت آزار و شکنجه قرار داشت.

از جانب خودم و از جانب رفقایم در سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، درگذشت خانم ملیحه بیرنگ را به خانواده این مادر مبارز و به ویژه به نازلی پرتوی و به همه آزادیخواهان ایران تسلیت می گویم. یادش هرگز فراموش نخواهد شد.

مهدی سامع

دوشنبه ۲ بهمن ۱۳۹۱ - ۲۱ ژانویه ۲۰۱۳

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز،

دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com



پیام سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران به مناسبت چهل و دومین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل

«تاریخ توالی فصول نیست. توالی چشم اندازهای بی بازگشت است.»
امیرپرویز پویان

تاریخ معاصر ایران سرشار از رویدادهایی است که تاثیر شگرف بر روند سیاسی اجتماعی جامعه داشته است. این رویدادها گاهی برای مردم پیروزی‌های نسبی به همراه داشته و زمانی نیز شکست‌های سختی برای جنبش آزادیخواهی مردم دربرداشته است. کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ به علت آن که با واکنش مناسب نیروهای سیاسی آن دوره روبرو نشد، شکستی تلخ همراه با دورانی از سکون و خفقان برای مردم و جامعه به وجود آورد. ۱۷ سال بعد در شامگاه ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۹ یک گروه از جوانان انقلابی با اقدام جسورانه خود به آن کودتای ننگین پاسخ دادند و بدین ترتیب تاریخ سیاسی ایران وارد دوران جدیدی شد. گروه پیشتاز و انقلابی که در ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۹ به پاسگاه ژاندارمری شهرک سیاهکل در استان گیلان حمله بردند، جنبش نوینی را پایه گذاری کردند که تا قیام بهمن سال ۱۳۵۷ شگفت‌انگیزترین حماسه‌ها را در تاریخ جنبش آزادیبخش مردم ایران به ثبت رساند. بدین ترتیب در آن روز تاریخی و با عملیاتی از نظر نظامی کوچک قطب بندی سیاسی جدیدی بین آزادی و دیکتاتوری در جامعه شکل گرفت که سرانجام به قیام ۲۱ بهمن سال ۱۳۵۷ و سرنگونی دیکتاتوری شاه منجر شد. حماسه و رستاخیز سیاهکل خیزش آزادیخواهانه جوانانی بود که در سر شور رهایی داشتند و قلبهایشان برای مردم به بند کشیده ایران می تپید. این نیروهای اندک که هزینه اقدام خود را با فدا کردن جانشان پذیرا شدند پس از مدتی کوتاه به تاثیرگذارترین نیرو در صحنه سیاسی کشور تبدیل شدند و در آستانه قیام بهمن سال ۱۳۵۷ به پرنفوذترین جنبش سیاسی کشور پس از نیروهای پیرامون خمینی فرا رویدند.

حماسه سیاهکل پاسخی به کودتای ۲۸ مرداد و اقدامی برای غلبه بر دو «مطلق» یعنی قدرت مطلق شاه و ضعف مطلق مردم بود. فدایی شهید رفیق امیر پرویز پویان با خلاقیت بی نظیر این دو مطلق را در مقابل همگان قرار داد و حماسه آفرینان سیاهکل با عمل خود برای درهم شکستن این دو مطلق که ذهن و جان مردم ایران را فرسوده کرده بود، دست به عمل زدند. با این عملیات جنبش نوین و پیشتاز چریک‌های فدایی پس از سالها کار تدارکاتی اعلام موجودیت کرد و در فراز و نشیبهای سخت و با وجود برخی کمبودها، نارساییها و خطاها به حیات رزمنده و مداخله گر خود تا قیام بهمن که به یک سازمان توده ای با پایگاه گسترده تبدیل شد، ادامه داد.

رژیم شاه در واکنش به رستاخیز سیاهکل، به سرکوب بی محابا متوسل شد. رفقا مهدی اسحاقی و محمد رحیم سمایی طی عملیات پس از ۱۹ بهمن به شهادت رسیدند و رفقا غفور حسن پور اصیل، علی اکبر صفایی فراهانی، احمد فرهودی، جلیل انفرادی، محمدعلی محدث قندچی، ناصر سیف دلیل صفایی، هادی بنده خدا لنگرودی، شعاع الدین مشیدی، اسکندر رحیمی، محمدهادی فاضلی، عباس دانش بهزادی و هوشنگ نیری در بیدادگاههای نظامی ارتش شاه به اعدام محکوم و در روز ۲۶ اسفند همان سال به جوخه های اعدام سپرده شدند.

رفیق پویان در مقاله ای در ستایش زنده یاد صمد بهرنگی نوشت: «چگونه بودن را دانستن، از آگاهی به چرا بودن برمی خیزد.» واقعیت این است که اولین دسته از شهدای قهرمان فدایی چون به «چرا بودن» آگاهی داشتند، «چگونه بودن» را در مبارزه

پیگیر آموختند و نشان دادند که برای عملی کردن ادعاهای خود نه به «شریعت سازی تئوریک» نیاز دارند و نه به تایید این یا آن «قطب» داخلی یا جهانی و فقط لازم است که هزینه ادعاها پرداخت شود. از آن زمان که پرچم مبارزه با دیکتاتوری و برای رهایی به وسیله رزمندگان دلیر فدایی برافراشته شد تا اکنون که در هر گوشه و کنار ایران تحت حاکمیت استبداد مذهبی، زنان و مردان بیشمار راه مبارزه پیگیر با استبداد و ستم را ادامه می دهند، نظریه پردازان فرومایه با سرهمبندی مثنی اراجیف بزرگ شده تحت عنوان عوامفریبانه «خشونت گریزی» درصددند تا پیکار تاریخی مردم ایران برای آزادی را به مسیر سازشهای ننگین با خودکامگان و ستمگران سوق داده و از همین منظر رستاخیز سیاهکل به طور خاص و پیکارهای بی امان پیشتازان فدایی را به طور عام عملی «نابخردانه و بی حاصل» جلوه دهند. این نظریه پردازان که خشونت حاکمان را حق «قانونی» آنها قلمداد می کنند، حتی به مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر که «شوریدن علیه بیدادگری و ستمکاری» را «به عنوان آخرین تدبیر» که «ناگزیر» است ارزش گذاری می کند، وفادار نیستند. مگر پیشتازان فدایی چیزی به جز این می گفتند که وقتی همه راهها برای مبارزه مسالمت آمیز بسته شده و دیکتاتوری حتی به قوانین خود هم عمل نمی کند، مبارزه مسلحانه که به بیان این اعلامیه «شوریدن علیه بیدادگری و ستمکاری» است، ناگزیر و یا ضروری است؟

اگر رژیم شاه مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر را که امضا کرده بود، اجرا می کرد جامعه ما هرگز شاهد چنان مبارزه پیگیر و سرنوشت ساز و همزمان پر هزینه ای نمی شد. اکنون هم که استبداد مذهبی همه راههای مبارزه مسالمت آمیز را مسدود کرده و هر حرکتی برای خواسته های انسانی را بی رحمانه سرکوب می کند، شوریدن علیه این رژیم سفاک به امری ناگزیر تبدیل شده است. جوهر حرفهایی که امروز جوانان انقلابی همچون زنده یاد ستار بهشتی بیان می کنند همان است که پیشتازان مبارزه انقلابی در سالهای ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۷ می گفتند. ستار بهشتی گفت: «ما را بگیرید، ببندید، شکنجه دهید، احکام زندان و اعدام صادر کنید. دیگر هراسی بر دل نیست، اصلا قرار نیست که هراسی مانده باشد! یکبار آزاده مردن بهتر از صدها سال با خفت زندگی کردن است. مردم ایران هرروز روزی صدها بار، از خفت فقر، فحشا، اعتیاد، فلاکت می میرند. یک بار مردانه مردن بهتر از صد سال در خفت زیستن است.

سیصد گل سرخ و یک گل نصرانی،

ما را ز سر بریده می ترسانی؟

ابروی کشیده تو را سنجیدیم،

شمشیر نشان دادی و برقش دیدیم

تا ظن نبری که ما به خود لرزیدیم،

گر ما ز سر بریده می ترسیدیم،

در کوچه عاشقان نمی گردیدیم

در مجلس عاشقان نمی رقصیدیم،

ما پا در این میدان نهادیم، یا قفس ظلم را می شکنیم یا از قفس تن رهایی می یابیم.»

و چنین است که شهادت ستار بهشتی هم به حماسه تبدیل و در تاریخ ثبت می شود.

به همان گونه که ما بارها گفته ایم، واقعتهای سخت همواره بر رویاهای سراب گونه غلبه می کند و ناگزیرها با آگاهی و جسارت گریزها را به سایه می راند.

این اولین و مهمترین درس حماسه سیاهکل است که تا وقتی استبداد، ستمگری و تبعیض وجود داشته باشد به قوت خود باقی خواهد ماند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در سالگرد انقلاب بهمن ۱۳۵۷ و در آغاز چهل و سومین سال حیات خود یاد و خاطره همه ی زنان و مردان جنبش پیشتاز فدایی که طی چهل و دو سال گذشته در پیکارهای بی امان در پای چوبه های دار و در رزمهای خیابانی و منطقه ای با ستمگران و در راه هدفهای سترگ جنبش نوین کمونیستی ایران جان باختند را گرامی می دارد. ما به تمامی زنان و مردان ایران زمین که برای آزادی، دموکراسی، نابودی ستم جنسی، مذهبی و ملی، صلح و پیشرفت، عدالت و جدایی دین از دولت مبارزه می کنند و به زندانیان سیاسی و عقیدتی درود می فرستیم و خاطره تمامی کسانی که در راه تحقق خواستههای ترقیخواهانه مردم ایران جان بر سر پیمان گذاشتند را گرامی می داریم.

ما از خواست کارگران برای حق اعتصاب و حق ایجاد تشکلهای مستقل کارگری و نظارت سازمان بین المللی کار بر رعایت حقوق کارگران ایران حمایت کرده و همبستگی خود را با مبارزه کارگران و مزدبگیران اعلام می کنیم. ما خواهان اقدام بیدرنگ بین المللی برای بازدید از زندانهای ولایت خامنه ای و ملاقات با زندانیان سیاسی هستیم. ما خواستار آزادی تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی و برچیدن مجازاتهای وحشیانه سنگسار، قصاص، قطع اعضای بدن و اعدام در ایران هستیم.

ما کارگران، مزدبگیران، کارمندان، معلمان، دانشجویان، دانش آموزان، زنان، جوانان و روشنفکران میهن را به تحریم گسترده انتخابات فرمایشی ریاست جمهوری اسلامی که قرار است در خرداد ماه سال آینده برگزار شود و اتحاد و مبارزه برای ایجاد جبهه همبستگی به منظور سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه و ایجاد یک جمهوری سکولار، دموکراتیک و مستقل فرا می خوانیم.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
دو شنبه ۱۶ بهمن ۱۳۹۱ (۴ فوریه ۲۰۱۳)

نوزده بهمن، جنبش فدایی و وظایف ما در شرایط کنونی*

جعفر پویه

سلام، درود فراوان مرا به پاس حضورتان در این مراسم و مکان بپذیرید. سالگرد بنیانگذاری سازمان پر افتخار چریکهای فدایی خلق ایران را به کادرها، اعضا، هواداران و دوستداران سازمان، همچنین به فعالان جنبش کمونیستی ایران، به همه ی تلاشگران راه آزادی، دموکراسی و سوسیالیسم شاد باش می گویم.

چهل و دو سال از حماسه تاریخ ساز ۱۹ بهمن در سیاهکل می گذرد. در این چهار دهه سازمان چریکهای فدایی خلق با فراز و فرودهای بسیاری رو برو بوده است. مبارزه رویاروی و بی امان در سالهای اول هر چند خسارات جانی جبران ناپذیری بر این جنبش وارد کرد، اما باعث عمق یابی ریشه های آن گردید و در جامعه استبداد زده ما فدایی پای سفت کرد. تهور، شجاعت و دلآوری چریک فدایی، بارقه امیدی شد برای مردمی که در چنگال عمده های استبداد حاکم اسیر بودند. شجاعت فدایی و ضربه آن به آرامش گورستانی دست پخت پادو های امپریالیسم جهانی که با تکیه بر تجارب سرکوب و اسلحه های آنان در کشور ما حاکم کرده بودند، خط بطلانی بود بر افسانه شکست ناپذیری این جزیره آرامش.

خیانت تاریخی حزب توده و دنباله روهای سوسیالیسم واقع موجود، کشف عناصری از راه رشد غیر سرمایه داری در برنامه اصل چهار ترومن که به اصلاحات ارضی شاه معروف بود، چپ ایران را با شکستی استراتژیک رو برو کرد. برای عبور از این دره بی اعتمادی و یاسی که این عمل خائنانه مرتکب شده بود، تنها راهی که برای نیروی جوان و پر شهامت تازه نفس باقی ماند،

اثبات غلط بودن درک قدرت مطلق بودن شاه، و قابل شکست بودن سد اختناق حاکم بود. به همین دلیل با تدارکی همه جانبه ابتدا با عنصر ترس مستولی بر جامعه و جریانهای موجود و سرگردان تصویه حساب کرد. جوانان غرور آفرین تازه نفس به درستی دریافتند که برای عبور از این گردنه سخت، راهی جز اتکاء به نیروی خود ندارند. چشم امید به هیچ نیروی خارجی نباید داشت و باید استقلال در تئوری و عمل را سرلوحه خود قرار داد.

تدبیر و تدبیر چریکهای فدایی به "ضرورت مبارزه مسلحانه و رد تئوری بقا" رسید. این پاسخی درخور به آنانی بود که توجیه بی عملی و کرنش در برابر عمده های استبداد را راز بقای خود می خواندند و این چنین زلت و زبونی خود را تئوریزه کرده و عملن از نظر سیاسی به مرده ای متحرک تبدیل شده بودند.

فدایی، جُبن و زبونی ورشکستگان را با ضرورت مبارزه مسلحانه، و ماندن و حفظ نیرو به هر قیمت را با رد تئوری بقا و به استقبال خطر رفتن، پاسخ داده و همه ی توجیه های بی شرمانه آنان را پشت سر نهادند. اینگونه عمل انقلابی با پذیرش همه ریسکها و پرداخت هزینه هایش جایگزین حرافیهای پوچ و جلسات خلسه آور شد. بوی باروت و گوگرد جانشین عطر و اودکلنهای وارداتی گردید. و خانه های تیمی به کافه و تریا و کلوپهای شبانه ارجحیت پیدا کرد.

نوزده بهمن نشانه استقلال تئوری و عمل جنبش فدایی است که در تاریخ مبارزاتی مردم ایران همچون دُرّ شاهوار می درخشد و برپا کنندگانش اسطوره هایی شدند که برای همیشه بر تارک تاریخ این میهن استوار و پابرجا خواهند ماند.

اجازه بدهید نگاهی کوتاه به شرایط آن زمان جامعه بیندازیم. کودتای ۲۸ مرداد از یک طرف علیه دولت ملی مصدق و از سوی دیگر برای منکوب کردن چپ و کمونیستها و نیروهای ترقیخواه ایرانی طراحی شده بود. بی عملی چپ در برابر این کودتا عملن همدستی با آن و کمک به نابودی خود و نیروهای ترقیخواه جامعه ایران معنا می دهد. پس از موفقیت کودتا گران، روز به روز دایره آزادی های سیاسی محدودتر شد، تا جایی که شاه حتا نزدیکان منتقد خود را نیز تحمل نمی کرد و بدون اجازه او و ساواک جهنمی اش هیچ کدام از پیرامونی هایش حتا جرات آب خوردن هم نداشت. حاکم کردن یک آرامش گورستانی و نابودی همه نیروهای سیاسی و فعالان اجتماعی، شاه را متوهم کرد که برای همیشه آنانی که دشمنان خود می نامید را از صفحه روزگار حذف کرده است. به همین دلیل اقدام به برپایی حزب رستاخیز کرد و همان دو حزب بله قربان گو (حزب ایران نوین و حزب مردم) را نیز منحل و در حزب دست ساز خود حل کرد. در شرایطی که هر نیروی سازمان یافته سیاسی و منتقدی به شدیدترین وجه ممکن سرکوب شده بود، هر حرف و سخنی در راستای چاپلوسی و تعریف و تمجید از آنچه در جامعه می گذشت، چیزی بجز آب ریختن به آسیاب استبداد حاکم معنی نمی داد. اما در همین برهه کسانی به زرق و برق بازار بنجل های امپریالیستی که در اثر غارت نفت برپا شده بود، بیش از اندازه بها داده و از آن تعریف و تمجید می کردند. حتا همین امروز نیز بسیاری با بی شرمی به دیکتاتور مدرن و مستبد پیشرو بودن او تاکید دارند.

در چنین حالتی که حتا امپریالیستها نیز از داشتن پادو قدرتمندی به خود می بالیدند و او را تا سرحدّ ژاندارمی منطقه بر کشیده بودند، طبیعی است که شکستن این آرامش گورستانی باید معنای بسیاری داشته باشد. در چنین سکوتی است که پژواک مسلسل فدایی به فرمان فرمانده صفایی فراهانی از فراز جنگلهای سیاهکل عبور کرده و در پهنه فلات ایران آوای فصل تغییر و تولد جریانی نوین را طنین انداز می کند.

دو گروه احمد زاده - پویان و جزنی - ضیا ظریفی به درستی تحلیل کردند که برای شکستن این آرامش، وارد کردن یک ضربه کاری کافی است تا بیداری همگانی را باعث شود. چنین عمل جسورانه ای نیازمند افرادی دلیر و شجاع بود. همان شهامت و شجاعتی که چریک فدایی به آن شهره شد. عنصر فدایی در برابر انبار مهمات رژیم شاهنشاهی، ارتش تا دندان مسلح، ساواک بی رحم و وجدان و دیگر نیروهای سرکوبگر رژیم پهلوی چیزی بجز جان خویش نداشت که آنرا آغشته به عطر دلپذیر تهور و بی باکی با ایمانی راسخ به میانه میدان آورد. یعنی نیاز بود که چریک فدایی چون ققنوس تن به آتش بسپرد تا از خاکستر او نوزادی متولد شود که آزادی و عدالت را سرلوحه خود قرار دهد.

سنت مبارزه جویی، دلیری و تهور قیام تهیدستان، درس تاریخی فدایی از گذشته خونبار میهن خود بود. قیامهای خونباری که هرچند سرکوب شدند و سالهای بسیار سعی کردند تا نامی نیز از آنان نماند. اما فدایی این ناگفته ها را که نسلها پشت هم

سینه به سینه منتقل شده بود را تکیه گاه خود قرار داد و با برآورد درست از موقعیت روز و بهره برداری از سنت مبارزاتی فروستان برای یک زندگی بهتر و انسانی تر، دست به عمل زد. عملی که جانمایه آن شجاعت، شهامت و دلیری بود. یعنی یک تنه در برابر تندر ایستادن، خانه را روشن کردن و در نهایت جان بر سر پیمان خود نهادن، سنت مبارزاتی تهیدستان و فرزندان اعماق است. فرق این سنت با آنانی که برای نگهبانی از وضعیت موجود و حفظ موقعیت و مال و منال با تن پوشی از جنس دروغ دست به هر دغل و ریایی می زنند، از زمین تا آسمان است. همان انگلهایی که برای در یوزگی شان تئوری می بافند و دلیری و شهامت را به سُخره می گیرند، چون در برابر قهرمانان مردم احساس عجز میکنند. اینان شهامت و شجاعت را طلسمی می پندارند که کسانی برای عوض کردن وضعیت خفت بار موجود با آن پای سفت کرده اند. چون خود از آن بی بهره اند، در برابر این تهور و دلیری احساس شرم می کنند و سرافکنده اند.

ساواک و همدستان بین المللی او از این دُرّ شاهوار هراسانند. آنان می دانند پیوستن این عنصر به دریای مردم طوفانی برپا خواهد کرد که نه آنان و نه اربابانشان نخواهند توانست در برابر آن مقاومت کنند. به همین دلیل برای جلوگیری از ارتباط چریک فدایی با مردم و سازماندهی آنان، راه قتل درمانی را پی گرفتند. اینگونه در پیمانی نانوشته، همه چاکران و آستانبوسان امپریالیسم جهانی به سرکردگی شاه کمر به قتل چریکهای فدایی بستند و هر کدام را که یافتند به قتل رساندند. تا اینگونه راه ارتباطی آنان با مردم را ببندند. به زبان دیگر عمل چریک فدایی را غیر توده ای و یا جدا از توده بررسی کردن، همصدا با دم و دستگاه سرکوب شاه و اربابهای او معنا می دهد. کاری که بسیاری کردند و با چشم پوشی دم و دستگاه سرکوب نسبت به آنان، کاغذهای زیادی سیاه کردند تا اثبات کنند که عمل فدایی جدا از توده است و پیوندی با مردم ندارد. یعنی کاری که ساواک و تمام دستگاه سرکوب شاه در عمل انجام دادند را آنها تئوریزه کردند تا مکمل یکدیگر شوند. آنان مکمل همدیگر اند، چه دانسته به این عمل دست زده باشند، چه نادانسته.

همچنانکه این روزها تئوری سازان مبارزه بی خشونت با سر گرفتن تئوری راه گاندی و ماندلا و ... و اباطیلی از این دست که هیچ ربطی نه به ماندلا دارد نه به گاندی، زلت و خفتی را تئوریزه میکنند که به عمر سرکوب و طولانی شدن استبداد حاکم می انجامد.

اما پرسش اساسی اینجاست، آیا سنت مبارزاتی فدایی، آنچه در ۱۹ بهمن ۴۹ در سیاهکل آغاز شد، بکلی مذبوم است؟ اگر نه چرا؟

مذبوم نیست، زیرا همه آنانی که سالها بر علیه مشی فدایی تئوری بافته و تلاش کردند تا حساب خود را با آنان سوا کنند، از ناچاری اقدام به برگزاری بزرگداشت این روز میکنند. یعنی هنوز این سنت مشروعیت زاست. و به همین دلیل منتقدین آن نیز نمی توانند از بهره ای که این بزرگداشت دارد، چشم پوشی کنند. همچنین یاوه های دستگاه دروغ پراکنی رژیم ولایت فقیه و دشمنان قسم خورده مردم ایران، دایم برای بدنام کردن فدایی تلاش می کنند، کتاب چاپ میکنند، سند سازی میکنند، سمینار برگزار میکنند؛ هیچ دلیلی به جز مقبولیت فدایی در عمق جامعه، آنان را وادار به این کاری نمی کند.

اما این مشروعیت و مقبولیت از کجا می آید؟ چه چیزی در این عمل متهورانه نهفته است که پس از بیش از ۴ دهه هنوز درخشان و پر تلاؤ است؟

در این ۴۲ سال هیچ کس حتا دشمنان قسم خورده و دم و دستگاه تبلیغاتی رژیم آخوندی نیز نتوانست کوچکترین سندی برای وابستگی فدایی به خارج کشور دست و پا کند. هرچند تلاش زیادی کردند و حتا تا پای سند سازی پیش رفتند، اما باز هم تیرشان به سنگ خورد.

دیگر اینکه تئوری و عمل چریک فدایی متعلق به خودش بود. فدایی دنباله رو هیچ جریانی نبود. هرچند آثار تئوریک بزرگان و نظریه پردازان سوسیالیسم را راهنمای عمل خود داشت. اما او برداشت خود را از این نظریه ها کرده و با تحلیل خود از اوضاع ایران، دست به عمل زد.

پس عدم وابستگی سیاسی و تشکیلاتی و عدم دنباله روی، مشخصه اول فدایی است. و دوم استقلال تئوریک فدایی که به تولیدات نظری خود متکی بود و در این راه تلاش بسیار کرد. هرچند کمبود هم داشت، اما هرچه بود حاصل تلاش خودش بود.

ممکن است الآن دوستانی بگویند استقلال تئوریک بر استقلال سیاسی ارجح است. اما توجه کنیم که در سالهای جهان دو قطبی و اردو گاهی و خط و خط کشی های آن موقع که لازمه موفقیت را حمایت یکی از دو قطب جهانی می دانستند، ابتدا باید با این طرز تفکر تسویه حساب می شد. یعنی بند ناف ارتزاق و خط گرفتن از دیگران را قطع کرد، سپس به دنبال راه چاره گشت. با تسویه حساب با این طرز تفکر است که از آن پس برای عمل انقلابی نیازمند تئوری انقلابی هستی. چنین نیازی است که سالها رفقا جزئی و ضیا ظریفی را درگیر کرد و سپس جریان مسعود احمدی زاده و پویان نیز از همین مسیر حرکت کردند که تا در نقطه ای به هم وصل شدند. به این دلیل من استقلال سیاسی را در آن سالها بر استقلال تئوریک ارجح کردم تا بتوانم توضیح دهم که چه ضرورتی فدایی را وا داشت تا پس از مدتها بررسی و مطالعه به نتایجی برسد که حاصل آن حماسه سیاهکل و نام پر افتخار فدایی است که تا امروز برای ما همچنان گرامی است. اما باور کنید در آن سالها و در آن کشاکش و تبلیغات جنگ سرد، دل شیر می خواست که راه خود را بروی و دست رد به سینه هر دو سوی این ماجرا بزنی. کاری که تنها از عهده جسارت و شجاعت چریک فدایی بر آمد که دست به آن زد و از ثمره آن اکنون بسیاری بدون آنکه بدانند بهره می برند. حد اقل همین اعاده حیثیت چپ و بازگشت سربلند آن به جامعه ایران، بخشی کوچکی از حاصل آن است.

با این استقلال نظری و کنکاش تئوریک و روی پای خود ایستادن بودن که بر خلاف تئوریهای دهن پرکین که با استناد به متون کلاسیک مارکسیستی، تضاد اصلی جامعه ایران را "تضاد بین کار و سرمایه" برآورد میکرد؛ فدایی تضاد اصلی را "تضاد بین آزادی و دیکتاتوری شاه" برآورد کرده و شکستن دیوار سکوت و خفقان را در دستور خود قرار داد. با این پشتوانه فدایی با چشم پوشی بر بسیاری از دست بستگی های پیش روی اش، برای رسیدن به یک جبهه وسیع از نیروهای مبارز در مقابل دیکتاتوری تلاش می کرد. این حرکت اصولی ترس بزرگ شاه و ارباب هایش را باعث شده بود و به همین دلیل با تمام توان مانع ارتباط فدایی با اجتماع و دیگر نیروهای موجود می شد. کمک دستگاه سرکوب شاه و یا چشم پوشی نسبت به جریانهایی که منتقد پر و پا قرص فدایی بودند و یا با آن خط و خط کشی داشتند و عمل آنان را غیر توده ای برآورد می کردند، به این دلیل بود.

هرچند فدایی همه تلاش خود را در داخل و خارج کشور کرد تا بتواند چنین کاری را به سامان برساند، اما موفق نشد. این عدم موفقیت به معنای دست بسته شدن تشکیلات و یا بحران درونی آن نبود. یعنی چنین بحرانی در درون تشکیلات هیچ وقت به مشکلی اساسی بدل نشد و آنرا درگیر کشاکشی از این دست نکرد. البته رهبری قدرتمند رفقای هم چون حمید اشرف را نباید نادیده گرفت. اما با همه این احوال صدمات جبران ناپذیر ساواک و سرکوبگری دستگاه شاه با همکاری ار بابهای بین المللی اش در سالهای بعد از قیام بهمن ۵۷ خود را نشان داد و مشخص شد، سازمان از داشتن رهبری آب دیده و قدرتمند بی بهره شده و بیشترین عناصر سر جنبان فدایی در مبارزه رو یا روی توسط ساواک و اربابهایش به قتل رسیده اند. این کمبود بزرگ کار خود را کرد و آنچه دشمنان فدایی در انتظارش بودند روی داد و سازمان دچار بحران درونی شد و شروع به بهم ریختگی کرد. اما یک خط اصولی در داخل فدایی همچنان به حیات خود ادامه داد و با تحلیل درست، همه تلاش خود را بکار گرفت و با همه دشمنی ها و نامردمی ها پرچم ارغوانی چریک فدایی را برافراشته نگاه داشت. و همچنان بر ادامه این راه اصولی اصرار دارد.

اجازه بدهید نگاهی به اوضاع کنونی بیندازیم تا بتوانیم با توجه به آن موقعیتی که در آن هستیم را بهتر دریابیم. برای اینکار یک نگاه کلی به اوضاع داخلی کشور و اوضاع بین المللی می اندازم تا سپس بتوانیم به شرایط کنونی بیشتر نزدیک شویم.

در داخل کشور رژیم جمهوری اسلامی با دو بحران عمده‌ی منطبق برهم روبروست.

۱- بحران داخلی قدرت که به درگیری بین باندهای رژیم انجامیده و این جریانات به شدت تلاش می‌کنند تا با خارج کردن رقیب خود از دایره قدرت و یا حذف فیزیکی آنها، به تصاحب آن بپردازند. ولایت علی خامنه‌ای پس از جنبش ۸۸ بکلی همان‌ته مانده مشروعیت خود را نیز از دست داده است. به همین دلیل حتا پادوی برکشید او به مسند ریاست جمهوری، یعنی احمدی نژاد نیز تره‌ای برای حرفهای او خرد نمی‌کند. به زبانی ساده تر رژیم جمهوری اسلامی با بحران مشروعیت روبروست و تلاش آن برای بازسازی این مشروعیت به ضد خود تبدیل شده و بکلی در چشم مردم، رهبر و ولایت فقیه آن به باز دارنده اصلی و ضد منافع مردم و مانع و سد اصلی آزادی و ترقی تبدیل شده است.

۲- بحران اقتصادی و ناتوانی از مدیریت این بحران، عملن پایوران رژیم را فشل کرده و تمام ارکان آن در مقابل این موج عظیم درمانده شده‌اند. دیگر کسی گوشش به نظریه "اقتصاد مال خر است" خمینی بدهکار نیست. جهل و شیادی او این روزها بیش از همیشه با دزدی و اختلاسهای عظیم پایوران رژیم هویدا شده است. پیش بردن طرح هدفمندی یارانه‌ها یا همان قطع سوبسید کالاهای اساسی، که پیشنهاد بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول است، این چشم انداز را برای رژیم متصور شده است که شاید به دلیل همین خوش رقصی‌ها، جریانات جهانی همسو با آنها، به کمک شان بیایند و آنها را برای مدتی بیشتر در قدرت حفظ کنند. اما این برنامه به شدت ضد مردمی به تخریب اقتصاد کشور منجر شده و بحران بیکاری و معیشت را دامن زده است. در چنین شرایطی هیچ قدرت خارجی هرچند اگر بخواهد هم نخواهد توانست از رژیم حمایت کند و برای تعدیل این بحران به کمک آن بیاید. به زبان دیگر رژیم در یک بن بست خود ساخته گرفتار شده و دست پای بیشتر در این مرداب به غرق شدن سریعتر آن خواهد انجامید.

اما در عرصه بین‌المللی بحران اتمی رژیم به یک معضل بزرگ تبدیل شده است. پافشاری رژیم بر این بحران برای باج‌خواهی و تلاش آن برای سود جستن از امکانی خطرناک برای تضمین امنیت خود، تا کنون راه بجایی نبرده است. این بحران به همراه دخالت رژیم در کشورهای دیگر منطقه با صدور تروریست و کمک مالی و نظامی به جریانهای بحران زایی همچون حزب الله لبنان، مالکی و مقتدا صدر در عراق، حماس در فلسطین و جریانهای تروریست در افغانستان و جریانهای مشابه در دیگر کشورها... برهم منطبق شده و تحریمهای بین‌المللی را به همراه آورده است. اکنون دیگر درخواست رژیم برای تضمین امنیت خود از جانب آمریکا که روزی خواسته اصلی بود، به کناری رفته و رژیم با بی‌خردی در کلافی از بحران‌های بین‌المللی غرق شده است.

بهار عربی در منطقه نه تنها رژیم ولایت فقیه را که با صرف پول و صدور تروریسم سعی داشت تا خود را تنها جریان مدعی رهبری مسلمانان منطقه به قبولاند، به کناری زده و امروز در این کشاکش رژیم در جبهه مخالف و سرکوبگر مردم قرار گرفته است. این وضعیت نه تنها آنرا در منطقه منزوی کرده بلکه می‌رود تا برعکس همه لاف و گزافهای سردمداران رژیم، ام‌القزای مسلمانان جهان نامیدن تهران، به مرکز سرکوب و ضدیت با ترقی خواهی منطقه تثبیت شود. روگردانی حماس، عدم استقبال مرسی از خواهش و درخواست‌های پشت سرهم رژیم برای یک گوشه چشم، صدای بلند رهبران مردم تونس بر علیه رژیم، و از همه بدتر همکاری با رژیم اسد در سوریه، بحرانی شدن رابطه با ترکیه و کشورهای شمالی و جنوبی و همه و همه گویای موقعیت رژیم در منطقه است. که به بحران بین‌المللی تحریم و بحران اتمی اضافه می‌شود.

موضوع حقوق بشر و سرکوبی مطبوعات، اعدامهای علنی و برپایی چوبه دار در ملا عام، سرکوبی و زندانی کردن فعالان کارگری، فعالان مدنی و حقوق بشری و وکلای دادگستری و ... به جریانی در جهان کنونی دامن زده که عدم مشروعیت رژیم ولایت فقیه در افکار عمومی بین‌المللی را باعث شده است. امروز دیگر در کمتر کشوری است که نمایش مشمئز کننده قتل و کشتار مردم، قطع دست و پا و چوبه دار در ملا عام یا سرکوبی ظالمانه فعالان سیاسی اجتماعی، در تلویزیونها نمایش داده نشود و افکار عمومی آنها با این شیوه ارباب و آدمکشی ضد انسانی آشنا نباشد.

در یک نگاه اجمالی اینگونه می توان گفت که رژیم قادر نبوده بر بحران انقلابی یا غیر قانونی که گریبانش را گرفته فایق بیاید. ناتوانی از حل و فصل علل بحران همچنان آن را چون آتشی زیر خاکستر گذاخته نگه داشته است. برای حل و فصل یا تعدیل این بحران، ضروری است که خامنه ای راه توافق با رقبای خود در داخل و گفتگو و تعامل با جامعه جهانی را پیش بگیرد. اما خامنه ای به خوبی می داند هر گونه عقب نشینی او که لازمه این توافق و تعامل است، به فروپاشی و یا سقوط قدرت اش خواهد انجامید. بنابراین نه تنها از چنین کاری پرهیز می کند، بلکه در داخل راه قبض قدرت و در خارج راه انزوای بیشتر را بر خواهد گزید. در چنین حالتی بحران اقتصادی رو به فزونی خواهد گذاشت و گرانی و بیکاری بیش از اینکه هست خواهد شد؛ در چنین صورتی بحران معیشت کارد را به استخوان اقشار فرو دست خواهد رسانید. به همین دلیل آنچه در چشم انداز پدید خواهد آمد چیزی غیر از قیام تهیدستان و یا شورش همگانی نیست. به جهت نیست که بعضی از سردمداران امنیتی و نظامی رژیم از هم اکنون در مورد بحران معیشت و اعتراض اقشار فرو دست هشدار می دهند و در حال آمده باش و تدارک سرکوبی آن هستند.

خوب در چنین حالتی وظیفه ما چیست، و چه باید کرد؟

قیام ۸۸ به ما ثابت کرد که در صورت غیبت سازمانیافته نیروهای پیشرو در خیابانها، و تسلط بر گفتمان جاری و هدایت آن، جریانهای به ظاهر اصلاح طلب و نیروهای وابسته به باندهایی از رژیم که پوزیشن اپوزیسیونی به خود گرفته اند، بر این امواج سوار خواهند شد. انحراف و یا به شکست کشاندن این قیام و منزوی کردن نیروهای رادیکال آن، خواسته رژیم بود که به ظاهر موفق به آن شده است. اما وجه دیگر این قیام رادیکالیزم قدرتمند جوانان داخل کشور است که مدعیان رهبری قیام ۸۸ را خانه نشین و آنها را از کرده خود نادم و پشیمان کرد. این رادیکالیسم قدرتمند و پر انرژی، نیروی تغییر و بالقوه و آماده برای جریانات پیشرو در دل جامعه هستند که باید برای سازماندهی آنان اقدام کرد.

خوب بگذارید هم اینجا بازگشت کنیم به حماسه نوزده بهمن سیاهکل و شرایط آن دوران؛ فدایی با تحلیل درست از شرایط آن روز، تضاد اصلی را برخلاف مدعیان آن روزگار "تضاد آزادی و دیکتاتوری" بر آورد کرده و دست به عمل زد. فدایی انتظار داشت با شکسته شدن سد خفقان اقدام به سازماندهی توده ای کرده و با کمک جریانهای دیگر یک جبهه وسیع ضد دیکتاتوری سازمان داده و با عقب نشینی رژیم شاه، راه را به سوی دموکراتیزه کردن قدرت باز کند. اما به دلیل سرکوب گسترده و عدم همکاری یا ناتوانی و بدنامی دیگر نیروها این امر ممکن نشد.

امروز هم بر خلاف همه لاف و گزافهای مدعیان سوسیالیسم و دموکراسی و تحلیلهای پر طمطراق که تضاد اصلی را "تضاد کار و سرمایه" می دانند و بر "رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی" با مدّ و تشدید تاکید می کنند، تضاد اصلی جامعه ایران "تضاد بین استبداد ولایت فقیه و آزادی" است.

هرگونه تحلیل دیگری در این میانه به معنی عدم درک درست از رژیم جمهوری اسلامی پس از ۳۴ سال است. از سوی دیگر عده ای زبون با طرح تئوری مبارزه ضد خشونت و پیشنهادهایی همچون مبارزه مدنی و با حداقل خسارت، تخم یاس و را در جامعه پراکنده می کنند. آنها بیش از اینکه نگران خشونت از سوی حاکم بر علیه مردم باشند، دایم به فعالان سیاسی و اجتماعی نصیحت می کنند که در برابر قهر سرکوب راه مدارا و ملایمت پیش گیرند و اینگونه روز بروز ارازل و اوباش سرکوبگر رژیم را در کاری که انجام می دهند، پر رو تر و جسور تر می کنند. مضموم بودن جسارت و تهور و داد سخن دادن در مورد اینکه "وای بر مردمی که نیاز به قهرمان داشته باشد" عملن رشادت و دلاوری جوانان و مردم به جان آمده را تخطئه کرده و آنرا به تمسخر می گیرند. رشادت جوانان علیه سرکوبگران را خشونت گرایی معنا می کنند. این اعمال هیچ معنای دیگری جز کمک به سرکوبگران و آب به آسیاب آنان ریختن ندارد. اینان رشادت تاریخی و دلیری و قهرمانی های فرزندان مردم را خشونت و غیر متمدانه می نامند تا جُبن و زبونی خود را توجیه نمایند. این سم های صفوف مبارزه مردم را

باید چاره کرد. این موربانه های موذی ریشه های تاریخی توانایی ها، دلیری و رشادتهای مردم را باید زدود و حساب آنان را در کنار دست سرکوبگران محاسبه کرد.

اینان از یک طرف و عدم همبستگی در اپوزیسیون ترقیخواه ایرانی، کار را بجایی رسانده است که مدعیان تاج و تخت رژیم گذشته بار دیگر سر بلند کنند و مدعی شوند. به دلیل بعضی از بی پرنسیپها است که باقی مانده های جریانهای خائف گذشته و رهروان راه رشد غیر سرمایه داری، نیز شمایل گردان این فسیلهای رانده شده به زباله دان تاریخ شده اند. چقدر عرق شرم بر چهره چنین کسان و جریانهایی واقعی است را نمی شود باور کرد!

اما هم اینقدر می توان گفت: درک نادرست از تضاد اصلی جامعه ایران و کشاکش هایی در بعضی مواقع بس کودکانه، اپوزیسیون را در حالی قرار داده که شاهد آن هستیم.

به دلیل همین گونه رفتار است که آمریکا و اروپا به خود جرات می دهد تا یکی از قدرتمندترین تشکلهای اپوزیسیون ایران را در زد و بند با رژیم آخوندی در لیست سیاه تروریستی خود قرار دهد. این دست درازی به اپوزیسیون ایران، مدتها حتا بسیاری از نیروهای به ظاهر مخالف رژیم را نیز بر نیاشفت. هرچند بعضی از آنها نیز همدست دار و دسته دوم خردادیهها در این کار بودند. اما پس از مدتها جنگ حقوقی و درگیری در کریدورها و دالانهای قضایی این کشورها، نقاب از چهره بند و بسط برداشته شد. هرچند این کارزار طولانی نیروی بسیاری را که می توانست صرف سازماندهی و مبارزه در کشور شود را در جایی دیگر صرف کرد. اما به همگان نشان داد که در صورت خواستن حتا می توان از دهان اژدها نیز طعمه‌ی ربوده شده را بیرون کشید. اگر این پیروزی می تواند سدها و موانع بسیاری را از پیش پای اپوزیسیون ایرانی بردارد؛ اما وارد کردن ضربه دیگری به ساکنان کمپ اشرف در عراق و تبعید آنان به زندانی در نزدیکی بغداد که از کمترین امکانات رفاهی برخوردار نیست، همین امروز شنیدید که در حمله تروریستی‌ای که به کمپ لیبرتی شد، (کمپی که تنها به پاس آزاد زنان و مردانی که ساکن آن هستند این نام برانزده اش است) شش تن شهید و حدود صد تن به شدت زخمی شده اند. این اتفاقات چه چیزی را نشان می دهد؟ این دد منشی ها چه چیزی را ثابت میکنند؟

بله، همه اینها نشان می دهند که تاوان استقلال و روی پای خود ایستادن هنوز گران است. اگر کسی تا کنون نفهمیده، حالا دیگر باید بفهمد که همه اینها یعنی مستقل بودن، یعنی روی پای خود ایستادن، یعنی دست رد به سینه همه مدعیان رهبری و سردمدارها بودن زدن.

بله تاوان استقلال گران است؛ اما ما چاره ای به جر ایستادن روی پای خود نداریم. به دلایلی بسیار واضح نمی توان چشم امیدی به هیچ جایی داشت. این همان حرف برپا کنندگان حماسه سیاهکل است. بند ناف امید به خارج کشور که قطع شود، ایستادن روی پای خود و وارد شدن به فاز انقلاب، نیازمند تئوری همان موقعیت خاص است. این شبک راهنمای سیاهکل هنوز کار ساز است. جامعه آبدستن حوادث بسیاری است. دست روی گذاشتن و عکس العملی برخورد کردن راه بجایی نمی برد. تضاد اصلی امروز در جامعه ایران تضاد بین مردم و رژیم ولایت فقیه است.

راه چاره کنونی ما گرد آوری همه نیروهای ترقیخواه در یک جبهه وسیع با تاکید بر تضاد اصلی و بر علیه رژیم ولایت فقیه است. هنوز شیوه عمل بدیع برپا کنندگان حماسه سیاهکل کار ساز است. شهامت و شجاعت، دلیری در اندیشه و عمل امروز هم می تواند به کار ما آید. زد و بندهای پشت پرده و سازش و بند و بست و بازیهای تهوع آور برای آنانی که شایسته آن اند. اندیشه پویای فدایی همگان را به صداقت انقلابی فرا می خواند. مشکل اصلی و مانع عمده در راه ترقی و دموکراتیزه کردن کشور، امروز ولایت فقیه است. این مانع عمده را باید قبل از هر چیزی از پیش پای برداشت. با دموکراتیزه کردن جامعه و پلورالیسم آن امکان اظهار وجود برای همه نیروها و جریانات فراهم خواهد شد. در جامعه ای بدون هر گونه سازماندهی و تشکیلات سراسری، با کمترین آموزش، سر دادن شعارهای دهن پرکن سوسیالیسم هم اکنون تنها خاک پاشیدن به چشم مردم و انتظار برای "خود سازمان یابی کارگری" و سپس انقلاب کردن، بی عملی به نفع ولایت فقیه است. نفع این شعارهای بالای سقف را بیش از همه قدرت سرکوبگر می برد. تلاش صد ساله مردم ما برای آزادی و عدالت و جامعه ای دموکراتیک در مراحل اولیه خود فریز شده است. باید این سد را شکست، باید جنبش اجتماعی را از این مرحله عبور داد. باید دیکتاتوری و

استبداد تاریخی را برای همیشه به زباله دان تاریخ فرستاد. بدون این اتفاق، ستمکاران گذشته این استبداد بار دیگر پر رو و طلبکار سربلند خواهند کرد و مدعی خواهند شد. تنها آزادی و دموکراسی می تواند این مرض تاریخی، این استبداد مسلط شده بر روح و روان جامعه را برای همیشه برود و براندازد. درس تاریخی فدایی برای چنین کارستانی امروز هم کارساز است. رژیم جمهوری اسلامی غرق در بحران است. زیر بار کوهی از بحران داخلی و بین المللی دست و پا می زند. ناتوان از تعدیل بحران انقلابی، اپوزیسیون نظاره گر است. باید این بحران انقلابی را به شرایط انقلابی فرا روپاند. تنها در یک همدستی همگانی می توان ترس از سرکوب را از جامعه زدود. النصر بالعرب رژیم را هیچ طلسمی به جز رشادت، دلیری و تهور چاره ساز نیست. باید به قلب حادثه زد. باید همانجایی بود که نیاز است. این امر شدنی نیست مگر با گرد آمدن همه نیروهای صادق، راستین و انقلابی در جبهه ای که مردم را بار دیگر همچون ۱۹ بهمن ۴۹ در سیاهکل امیدوار کند. باید بار دیگر نور امید را با مشعل هایی فروزان به تاریک خانه رژیم جهل و جنایت ولایت فقیه در انداخت. رویاهای ما رنگ حقیقت خواهند یافت، اگر فرزند زمانه خود باشیم. امروز مشکل اساسی ما و مردم ایران ولی فقیه و نظام ستمگر اوست. برای برانداختن این ستم، برای ادامه راه انقلاب مشروطه و به انجام رساندن رسالت آن، برای هم نوایی با صدای رسای فرمانده فراهانی که از سیاهکل می آید تا راه تاریخی او را به انجام رسانیم، فدایی در سالگرد حماسه تاریخ ساز سیاهکل همگان را به همبستگی و همدستی در یک جبهه وسیع فرا می خواند.

باید که دوست بداریم یاران را

باید که چون خزر بخروشیم

باید که قلب ما

سرود و پرچم ما باشد

باید که سرزند

طلیعه خاور

از چشم های ما

باید که در سپیده البرز

نزدیکتر شویم

باید یکی شویم

اینان هراسشان ز یگانگی ماست

سربلند باشید

*متن سخنرانی رفیق جعفر پویه در مراسم بزرگداشت چهل و دومین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل

پیامهای رسیده به مراسم

پیام جمعی از دانشجویان کمونیست

"فقط کسی شایسته ی زندگی و آزادی است که هر روز برای رسیدن به آنها به پیکار می رود" (گوته)

رستاخیز سیاهکل، نمود ذوق سرشار، لذت سرکش و غرور آفرین انسانهایی است که معنای زندگی را کشف کردند و در پی عطر گل سرخ به پیکار برای زندگی و آزادی رفتند.

یاد آنها گرامی و زنده باد مبارزه برای برابری

جمعی از دانشجویان کمونیست

پیام از قطعه ۳۳ در ۱۹ بهمن ۱۳۹۱ تهران به مراسم بزرگداشت حماسه سیاهکل در کلن



چه غریبانه در خاک خفته بودند.. چه مظلومانه
به دنبال نامی آشنا می گشتم که عکس بگیرم
بسیاری از سنگها بی نام و نشان مانده بودند...
اما در پشت آن سکوتِ طوفانی و سهمگین بود...
صداهاى پرصلابتی از زیر خاکهای بی نشانِ سیمانی شده
فریاد می زدند که ما زنده ایم و هرگز نمی میریم
قدرتی یافتیم و گام برداشتم تا باز نگاه کنم
بلکه آشنایی بیابم
ولی موج فریادهای پرخروش و توفنده از یکسو
و اوج غریبی و مظلومیت شان باز دگرگونم کرد
و از چشمانم اشک سرازیر شد
جان و اندیشه ام با شماست .
من و تمام آنها که صدا و فریاد زنده بودن شان را شنیدم.
با دروهای گرم
۳۳ شقایق سرخ

پیام "شورش"، از جانب جمعی از فعالان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در مازندران



پانزده پیک بهار
پانزده تکه ی خورشید
پانزده لاله سرخ
پانزده صخره ی کوه
از دماوند و سهند و سبلان
پانزده موج خزر
پانزده لاله سرخ
پانزده شعله عشق
پانزده رفیق
پانزده چریک
پانزده فدائی
پانزده آذرخش
تاییدند در ظلمت آسمان
شعله زدند بر سرمای شب بهمن

و خاموش شدند در کهکشان آزادی خلق
و سیاهکل خندید و زاده شد
جاودانه شد

حماسه سیاهکل

رسید بهمن و هنوز در خواب بلند یلداییم

آری رسید بهار در زمستان

رسید نوزده بهمن

فصل پرواز

با رستاخیز سیاهکل

و ندای "شورش"

به نام حق و آزاده گی

بهمن آمد و سرمایش ما را برآن داشت که محفل گرم سازیم با یاد حماسه سیاهکل...

رفیقان دلاوری که در ظلمت گسترده بهمن چون آذرخش تابیدند و جرقه بر خرمن خشم فرو خفته خلق زدند

شعله های آتش جنگل و رزم چریکها خلق را بیدار کرد.

با گذشت سالها از حماسه سیاهکل هنوز یاد و خاطره آن فداییان رشید خلق، شادی و امید مسرت بخشی به قلب بیدار ما

چریکهای فدایی خلق می بخشد و راه امروز را به از دیروز می سازد.

بر آنیم که با یاری رفیقان و تکیه بر عزم راسخ و سلاح و ذهن بیدار خود و رهنمون جانبختگان با گامهای استوار به سوی

نابودی امپریالیسم و کاپیتالیسم و نظام فاشیستی جمهوری اسلامی بشتابیم و سوگند یاد می کنیم به خون رفیقان که تا

کامیابی این مهم بیدار بمانیم و از پای ننشینیم.

هوشیارم و بیدارم و در بیداری می جنگم

چریکم و عاشق داس و چکش و تفنگم

تا زنده ام بر عهد خود با سازمان می مانم

رگبار می بندم به ظلمت تا آخرین فشنگم

از جانب جمعی از فعالان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در مازندران شورش"

پیام جمعی از جوانان هوادار

در چهل و دومین سالگرد قیام پیروز سیاهکل،

گرامی و پاینده باد درخشش پرفروغ اختران نوید بخش آزادی .

یاد باد حماسه دلاورانه رادمردانی که امید آفریدند!

امیدی که نمی میرد! پاینده و جاودان است و هر لحظه پایه های

استبداد و دیکتاتوری را در جای جای این دنیا می لرزاند!

دروود بر آنان و زنده باد یاد و خاطره شان به خاطر زنده کردن امید به آزادی، برای روشن کردن چراغ مبارزه در شب تاریک و

استبداد زده ی تاریخ سرزمینمان.

جمعی از جوانان هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

بهمن ۱۳۹۱



حمله تروریستی به زندان موسوم به لیبرتی محکوم است



هفتمین اجلاس شورای عالی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران حمله تروریستی مزدوران خامنه ای به زندان موسوم به لیبرتی را به شدت محکوم می کند. این تهاجم جنایتکارانه که با شلیک دهها موشک و خمپاره از فاصله نزدیک و به وسیله عوامل نیروی تروریستی قدس صورت گرفته، بدون مشارکت و یا حداقل اطلاع دولت عراق و شخص نوری المالکی نمی توانست عملی شود.

حمله وحشیانه به ساکنان لیبرتی منجر به شهادت ۶ مجاهد خلق و مجروح شدن بیش از صد تن شده است.

هفتمین اجلاس شورای عالی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران شهادت این مجاهدان پایدار را به خانواده آنان، به سازمان مجاهدین خلق ایران و به همه آزادیخواهان تسلیت می گوید.

ما مصرانه از دبیرکل سازمان ملل متحد می خواهیم که یک کمیته تحقیق برای بررسی این جنایت ضد بشری تشکیل دهد. ما خواستار آن هستیم که شورای امنیت ملل متحد با یک تصمیم عاجل، دولت عراق را ملزم به رعایت حقوق انسانی ساکنان لیبرتی، به ویژه تامین امنیت آنها نماید.

ما از پایبندان به اعلامیه جهانی حقوق بشر می خواهیم که این جنایت ضد انسانی در مورد ساکنان بی دفاع زندان موسوم به لیبرتی را محکوم کنند.

سکوت پیرامون این عمل وحشیانه به مفهوم رضایت خاموش از آن و در عمل تقویت سیاست سرکوب خونین مخالفان و صدور تروریسم دولتی به شمار می رود. دفاع از حقوق ساکنان لیبرتی دفاع از حقوق بشر و بخشی از مبارزه علیه استبداد مذهبی و تلاش برای آزادی است.

شرکت کنندگان در هفتمین اجلاس شورای عالی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

دوشنبه ۲۳ بهمن ۱۳۹۱ (۱۱ فوریه ۲۰۱۳)

حمله جنایتکارانه موشکی به لیبرتی به دستور خامنه ای در هماهنگی با حکومت عراق

مقاومت ایران اطلاعات جدیدی از درون رژیم ایران درباره حمله جنایتکارانه موشکی به لیبرتی، نحوه تصمیم گیری، هماهنگیها با دولت عراق و چگونگی اجرای طرح عملیاتی بدست آورده که خلاصه آن به شرح زیر است:

۱- تصمیم به حمله در اوایل بهمن ماه در جلسه شورای عالی امنیت رژیم ملایان به دستور شخص خامنه ای اتخاذ گردید. اجرای عملیات و هماهنگی با دولت عراق، به عهده نیروی تروریستی قدس و سفارت رژیم در بغداد گذاشته شد.

۲- حاج یوسف (پاسدار سرتیپ عبدالرضا شهلائی) سرکرده گروههای «جهادی» و «کتاب حزب الله در عراق» در جلساتی با ابومصطفی شیبانی، ابوالا و ابو مهدی مهندس تروریستهای شناخته شده رژیم آخوندی در عراق، حمله را طراحی کرد.

۳- پاسدار شهلائی بیش از دو دهه از سرکردگان نیروی تروریستی قدس بوده است. او آدمکشان و تروریستهای صادراتی به عراق را در پادگان حزب الله در جلیل آباد ورامین آموزش می دهد. وزارت خزانه داری آمریکا در اطلاعیه ۱۱ اکتبر ۲۰۱۱ اعلام کرد «شهلائی یکی از مقامات نیروی قدس سپاه پاسداران است که هماهنگی طرح سوء قصد به جان عادل الجبیر، سفیر عربستان در ایالات متحده، در حین اقامت وی در ایالات متحده، و نیز انجام حملاتی را علیه منافع کشورهای دیگر در داخل ایالات متحده و در کشوری دیگر بر عهده داشت».

۴- هماهنگی حمله موشکی به لیبرتی با حکومت عراق و ارگانهای امنیتی و نظامی ذیربط، از جمله دفتر نظامی نخست وزیر و وزارت کشور، توسط پاسدار دانایی فر سفیر رژیم آخوندی در بغداد و یکی از سرکردگان نیروی قدس و ماموران این نیرو در سفارت انجام شد.

۵- طبق طرح عملیاتی، کلیه امور پشتیبانی از جمله انتقال مهمات و نقل و انتقال تیمها با استفاده از امکانات وزارت کشور و پلیس عراق صورت گرفت. مشخصات داخلی کمپ لیبرتی و مختصات جغرافیایی نقاط تجمع ساکنان، از سوی دفتر نخست وزیری در اختیار پاسدار شهلائی قرار گرفت تا شلیکها حتی المقدور دقیق انجام گیرد.

۶- برخلاف عملیات تروریستی که پشتیبانی دولتی ندارد، هیچ سلاح و یا موشک دست ساز در این عملیات به کار گرفته نشده و همه موشکها فابریک بوده و با لانچرها و سکوها فابریک پرتاب شده است که حمل و نقل آنها امکانات زیادی می طلبد. به همین دلیل و مخصوصاً به خاطر در اختیار داشتن مختصات دقیق جغرافیایی لیبرتی، داخل کمپ برخلاف عملیات تروریستی معمول که خطای شلیک در آنها زیاد است، همه موشکها به داخل محوطه کوچک لیبرتی اصابت کرد.

۷- گروه عمل کننده از جوخه های آدمکشی و ترور «کتائب حزب الله» و ماموران فنی سپاه قدس تشکیل شده بود و با نفرات پشتیبان جمعا ۴۰ نفر بودند. این جوخه های ترور و آدمکشی را رژیم آخوندی بوجود آورده و در هماهنگی با نخست وزیری عراق سوژه های مورد نظر رژیم ایران در عراق را هدف قرار می دهند.

۸- پاسدار شهلائی در گزارشی که پس از این حمله جنایتکارانه به تهران ارسال کرد نوشت، موشکها با استفاده از آمبولانسهای دولتی و با اسکورت دو خودروی پلیس فرودگاه به منطقه شلیک منتقل و در چادرهایی که از شب قبل در محل نصب شده بود پنهان شد.

طبق این گزارش یکی از مشکلات جدی این بود که مردم و آن دسته از نیروهای عراقی که در جریان طرح قرار نداشتند متوجه موضوع بشوند و اجرای عملیات نا ممکن و یا با اخلاص مواجه شود.

۹- مسیر حرکت خودروها و منطقه شلیک کاملاً در زیر دوربینهای مراقبتی فرودگاه بغداد قرار داشت. این دوربینها تا چند کیلومتر اطراف فرودگاه را پوشش می دهند و هر تحرکی را زیر کنترل دارند. دوربینهای فرودگاه جزئیات نقل و انتقالهای موشکها و گروه عملیاتی و خودروهای پلیس و خودروهای حامل موشکها را تماماً ضبط کردند و فیلم آن در دفتر نخست وزیری عراق موجود است.

۱۰- طبق طرح اولیه، قرار بر این بود که عملیات در دو مرحله، توسط دو گروه و از دو نقطه جمعا با ۱۰۰ موشک ۱۰۷ میلیمتری انجام شود. گروه اول همان گروهی است که ۴۰ موشک شلیک کرد و سپس بدون مشکل محل را ترک کرد.

۱۱- گروه دوم، می باید ساعتی پس از حمله اول شلیک ۶۰ موشک دیگر را انجام دهد تا در زمانی که ساکنان لیبرتی بعد از موشک باران اول مشغول نقل و انتقال شهیدان و مجروحان هستند، تلفات هر چه بیشتری از آنها بگیرد.

اما شماری از افراد گروه دوم در حین جابجایی، توسط سربازان و افسران عراقی که در جریان این جنایت تروریستی نبودند دستگیر شدند و اجرای مرحله دوم حمله غیر ممکن گردید. ۶۰ موشک بجا مانده از این گروه متعاقباً توسط نیروهای عراقی رؤیت و جمع آوری گردید. دستگیر شدگان همان روز با مداخله شتابان نخست وزیر عراق آزاد شدند.

۱۲- رژیم آخوندی و دولت عراق برای رد گم کردن و از آنجائی که همه می دانند «کتاب حزب الله» یک گروه تروریستی ساخته و پرداخته رژیم آخوندی است که در هماهنگی با دفتر مالکی عمل می کند به یک صحنه سازی جدید دست زدند و با علم کردن یک گروه خود ساخته جدید تحت عنوان «جیش المختار» تلاش کردند دستهای خونین خود را از این جنایت بشویند و تمیز جلوه دهند. سرکرده موجودیت تروریستی جدید، آخوند واثق البطاط، روز ۹ فوریه مسئولیت حمله به لیبرتی را بعهده گرفت. اما «جیش المختار» اسم دیگری برای همان «کتاب حزب الله» است که توطئه های کثیف و خونین خامنه ای و مالکی را در عراق پیش می برد.

۱۳- جالب این که جیش المختار تنها ۵ روز قبل از حمله موشکی به لیبرتی در روز ۱۶ بهمن اعلان موجودیت و اعلام کرد: «ارتش مختار پشتیبان حکومت مرکزی در جنگ با فساد و مفسدان و رویارویی با سازمانهای تروریستی مانند القاعده و ارتش آزاد است.» (خبرگزاریها و رسانه های عراقی) متعاقباً اعلان این موجودیت از سوی رسانه های آخوندی به ویژه سپاه پاسداران و سایت سرکرده سابق سپاه پاسداران مورد استقبال قرار گرفت.

به گزارش تلویزیون عراقی الرافدین چند ساعت پس از این اعلان موجودیت، گروهی از تروریستهای مالکی تحت نام ارتش مختار در باشگاه صناعه در بغداد یک رژه نظامی برگزار کردند که نیروهای ارتش و پلیس امنیت آنرا تامین می کردند.

۱۴- به نوشته رسانه های معتبر عربی مانند الحیات و الشرق الاوسط و ایلاف، اسم مختار برای این موجودیت تروریستی اشاره سمبلیک به شخص مالکی است. الشرق الاوسط ۱۱ فوریه در این باره نوشت: «ارتش مختار به هدف حمایت دولت عراق برای کنترل امنیتی ایجاد شده است». این روزنامه می افزاید در شعارهایی که اخیراً برای حمایت از مالکی در بغداد توسط گروههای وابسته به او داده می شود مالکی را «مختار زمان» توصیف می کنند. این گروه رهبران مخالف در عراق، مانند عراقیه و سازمان دهندگان تظاهرات ضد مالکی را به تصفیه فیزیکی تهدید کرده است.

۱۵- مالکی در یک اقدام فریبکارانه و مسخره دستور دستگیری آخوند بطاط را صادر کرد اما بنا به گزارش رسانه های عربی از جمله الشرق الاوسط (۱۱ فوریه) و تلویزیون رافدین عراق (۱۰ فوریه) واثق البطاط به همراه ۶ تن از محافظانش از عراق خارج شده و به سوریه رفته اند و ارگانهای امنیتی عراق هم در مرز کاملاً در جریان این تردد بودند و هیچ مشکلی برای آنها ایجاد نکردند.

۱۶- با توجه به همین واقعیتهاست که رژیم آخوندی و حکومت عراق در وحشت از محکومیتهای بین المللی علیه حمله جنایتکارانه به لیبرتی که هر روز بالاتر می گیرد، به فاصله گرفتن از این جنایت و تکذیب نقش و دخالت خود می پردازند. کار به آنجا رسید که حتی پاسدار دانایی فر سفیر ملایان در عراق در روز ۲۳ بهمن در جریان افتتاح «یک مدرسه ایرانی» در کربلا به خبرگزاری کل العراق گفت: «ما حمله به کمپ لیبرتی را محکوم می کنیم و این تلاشی است برای دامن زدن به بحران و ایجاد یک موج تبلیغاتی که هدف از آن متهم کردن ایران در این حادثه است».

اما روز بعد خبرگزاری سپاه پاسداران، اظهارات دانایی فر را پس گرفت و ادعا کرد سخنان سفیر ایران در رسانه های عراقی تحریف شده است. خبرگزاری پاسداران نوشت: «حسن دانایی فر سفیر جمهوری اسلامی ایران در بغداد در گفت و گو با خبرنگار خبرگزاری فارس، حمله اخیر یک گروه ناشناس به کمپ موقت لیبرتی را... مظلوم نمایی این گروهک برای بازگشت به اردوگاه اشرف خواند و اظهارداشت: حمله ای که اخیراً در کمپ لیبرتی صورت گرفت، مشکوک است و ما معتقدیم

عوامل داخلی خود گروهک نفاق در سازماندهی این حمله به منظور مظلوم نمایی در مقابل سازمانهای حقوق بشر، نقش داشته اند».

۱۷- وزارت خارجه ملایان روز سه شنبه ۲۴ بهمن در تهران اعلام کرد «حمله اخیر به کمپ لیبرتی در عراق» مساله ای است که «در داخل خاک عراق رخ داده و هیچ ارتباطی به جمهوری اسلامی ندارد... این اقدامات و مظلوم نماییها برای به تأخیر انداختن اجرای توافق» با سازمان ملل برای انتقال مجاهدین به خارج از عراق است و مجاهدین تلاش می کنند این توافق حاصل نشود.

۱۸- وزارت خارجه عراق نیز زیر ضرب محکومیتهای گسترده بین المللی، درحالی که فراخوانهای جهانی برای بازگشت مجاهدان از لیبرتی به اشرف بالاتر می گیرد، روز دوشنبه ۲۳ بهمن در یک اطلاعیه مملو از دروغ اعلام کرد: «کمپ موقت الحریه مربوطه به اعضاء «مجاهدین خلق» از سوی یک طرف ناشناس در معرض یک اقدام تروریستی قرار گرفت و شنبه شب ۹ فوریه ۲۰۱۳ این کمپ با ۲۵ گلوله خمپاره مورد هدف قرار گرفت». این در حالیست که وزارتخارجه عراق به خوبی می داند آمران جنایت، در فاصله چند صد متری این وزارتخانه در سفارت رژیم و در نخست وزیری عراق نشسته اند. وزارت خارجه عراق درحالی از ۲۵ گلوله خمپاره صحبت می کند که کارشناسان نظامی عراقی بعد از مشاهده محل، تصریح کردند حمله به وسیله موشکهای ۱۰۷ میلیمتری صورت گرفته و آنها ۳۸ محل اصابت موشک را در داخل کمپ لیبرتی مشاهده و شناسایی کردند.

۱۹- وزارت خارجه عراق افزوده است: «مقامات مسئول دولتی برای شناسایی جنایتکارانی که این عمل تروریستی و جنایتکارانه را طراحی و اجرا کردند و برای ارجاع آنها به دادگاه و مجازات عادلانه، انجام تحقیقات فوری را آغاز کردند». وعده تحقیق و محاکمه از جانب حکومت عراق، در مورد جنایتی که خود بیشترین نقش را در آن داشته است، هیچ کودکی را نمی فریبد. تحقیقات درباره جنایت های ۶ و ۷ مرداد ۱۳۸۸ و ۱۹ فروردین ۱۳۹۰ نیز به بوته فراموشی سپرده شده است.

۲۰- با این همه اگر دولت عراق راست می گوید و در این جنایت دست نداشته است:

اولا- به محاصره ۴ سال و نیمه مجاهدان اشرفی پایان دهد و به هیاتهای تحقیق بین المللی و ناظران و خبرنگاران و وکلا اجازه ورود به لیبرتی را بدهد تا از نزدیک آثار جنایت را مشاهده کنند.
ثانیا- با بازگرداندن ساکنان لیبرتی به اشرف، امنیت ساکنان را در مقابل تکرار حملات مشابه در آینده تامین کند.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران

۱۳ فوریه ۲۰۱۳ (۲۵ بهمن ۱۳۹۱)

به رادیو پیشگام در آدرس زیر گوش کنید

www.radiopishgam.com

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com



دلنوشته ای از پریا، دختر زندانی سیاسی صالح کهندل

صالح کهندل زندانی سیاسی زندان رجایی شهر کرج که به اتهام هواداری از سازمان مجاهدین خلق به ۱۰ سال زندان محکوم شده است، با وجود مشکلات حاد جسمی و تشخیص «مشکوک به سرطان خون» از سوی بهداری زندان، از اقدامات درمانی و اعزام به بیمارستان جهت آزمایشات تجویز شده محروم بوده است.

پریا کهندل، دختر این زندانی سیاسی طی نامه‌یی که در اختیار خبرگزاری هرانا قرار گرفته است می‌گوید: «و من این رنگ را دوست می‌دارم چرا که پدرم به من آموخت که چگونه این رنگها را تغییر دهم! او استاد تغییر رنگهای زندگیت چرا که رنگ نگاه من به زندگی را او تغییر داده و می‌دهد». متن کامل این نامه را در زیر می‌خوانید:

من آن سرودم که از پشت میله های مورب زندان برای دیدن لحظه ای از برق امید در چشمان پدرم آواز آسمانها می شوم
آه ای تنگ راهروهای طولانی و پیچ در پیچ... آه ای سیمهایی که غرور کاذب بی‌مقدار خار به شما پیوست، آه ای دیوارهای بلند با یادگاریهای حک شده در دلهايتان. از کسانی که به شما چشم می‌دوختند و می‌دوزند...
مرا می شناسید؟!

من مسافر هفته ای شما هستم، که در زیر سایه تاریک شما بزرگ گشته ام، من همانم که تاریکی راهروها را با شعرها و نوشته های کودکانه ام در ذهن و وجودم نقاشی کردم. من آن مسافرم که در کودکی ام تفریح دويدن در میان گرد و خاکهای سالن ملاقات بوده و خنده‌هایم از برای سخنان اطرافیانم از روی درد، خنده ها و شادیهای مدفون اشک در ظلمات...
من آن صدای مبهم از پشت شیشه های گرد و خاک گرفته گوهردستم!...

من آن سرودم که از پشت میله های مورب زندان برای دیدن لحظه ای از برق امید در چشمان پدرم آواز آسمانها می‌شوم...
من آن... بگذریم... روزها می‌گذرند چه سخت و چه آسان... پیاپی... و من قادر به متوقف کردن آن نیستم، ولی برای تغییرش چرا! من تغییرم، همان که پدر گفت... تغییری از جنس دل کندن، دل بردن، تنهایی و... تغییری تهی از اشک و غم و سرشار از غرور و افتخار... من تغییر اشک به لبخند و تغییر لبخند به رنگ، رنگی با یادگاریها و سوغاتیهای زندان...
و این گونه خاطراتم رنگ زندان گرفت... و من این رنگ را دوست می‌دارم چرا که پدرم به من آموخت که چگونه این رنگها را تغییر دهم!

او استاد تغییر رنگهای زندگیت چرا که رنگ نگاه من به زندگی را او تغییر داده و می‌دهد.
بازی با رنگها... چه جالب... چه سردرگمی زیبایی وقتی که می‌دانی این دنیا پر است از رنگهایی که باید تغییر یابند.
من آن اشکم، اشک مقدس و با ارزشی که از چشمهای هزاران نفر هر روز بروی کف پوشهای بی ارزش زندان می ریزد.
شاید چیزی برای این... این... نمی‌دانم چه نامی برای این نمی‌دانم بگذارم...
شاید چیزی نباشم، ولی می‌دانم که می‌دانی من تغییرم و با تو از پشت میله های زندان این گونه شدم. من صدایم و لبخند،
من نقاشی پدرم در زندان... من صدایم...

صدایی که آواز خواندن را از تو یاد گرفت و برای تو نوشت و تنها برای تو می‌خواند آواز تغییرش را...
آه ای وطنم شاید با کنار آمدن این کلمات از خود بپرسی که من کیستم و از جنس کیستم؟!
من برگرفته از پدرم.

من روزی بوسه اسارت خواهم شد بر دستان پاک آزادی و روزی خنده خواهم شد اشکی از جنس عدالت، همان اشکی که پرم
برای تو بازیهای کودکانه مرا با زندان قسمت کرد.

و روزی پرواز خواهم کرد بر آسمان سرخ زیباترین وطنم ایران...

پری ۱۵ ساله خوش الحان بهاران پدر... ۷ بهمن ۹۱

منبع: سایت هرانا ۱۰ بهمن ۱۳۹۱

تداوم



گذشته سالها از قیام سیاهکل
 بر پا خاستگان از دل جنگل
 بر پا خاستگان در راه نماندند
 شعله ور کردند آتشی از زیر خاکستر خیانت به کارگر
 شکافتند دل سیاهی جنگل را باغرشى چون رعد
 در مقابل توپ و تانک دشمن
 زنده نگه داشتند عزم کارگر
 یکه و تنها در مقابل سرمایه داری
 قهرمانانه ایستادند همچون کوه
 کردند جاودانه آرمانهای خلق در بند
 گشودند بندهای رهائی
 به پرواز در آمدند
 همانند کبوتر صلح رها شده از قفس
 پرواز کردند؛ رها از اسارت
 دشمن می داند، زنده هستند همیشه آنها
 این است درد دشمن
 بعد از زدن تیر در جان فدائیان خلق
 آنها جاودانه اند و از پای نمی نشینند
 سرافراز و جاودانه
 همیشه سبز و بالنده
 فریاد کنید ؛ یک یک نام آنها
 حضور دارند در میان ما آنها
 باید که این خشم فرو خورده
 دوباره سر گشاید
 باید که این پرچم سرخ
 باشد بر افراشته در دست کارگر
 اینک پیام آنها بر ما
 برپا ، برپا ای زحمتکشان، ای خلق ستم دیده
 همراه و همقدم با هم
 همراه با کارگران
 گر برپا نخیزی در این زمان
 رها کجا شوی ز جور سرمایه داران
 کجا، تنها توانی جهانی از نو ساختن
 گر نباشد اتحاد میان کارگران و زحمتکشان

آن زمان که خروشید خلقی
 به سر خواهد آمد شب تیره
 از پس این همه ابر سیاه
 یک فصل تازه تاریخ
 به آغوش می کشیم بهار را
 سرافراز و جاودانه می مانیم
 همیشه سبز و بالنده می مانیم
 همیشه بر افراشته می داریم
 پرچم سرخ رهایی ضد سرمایه داری .

کارگران و مزدبگیران.....

برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در بهمن ۱۳۹۱

گردآوری و تنظیم: زینت میرهاشمی

* تعدادی از رانندگان کامیونهای شهرداری مناطق ده گانه تبریز از روز شنبه ۳۰ دی دست به اعتصاب زدند. به گزارش آذوح علت این اعتصاب قطع بیمه تامین اجتماعی رانندگان کامیونها از طرف شهرداریها و نیز اخراج برخی از رانندگان است.

* کارگران اخراجی شرکت پیمان کاری جهاد نصر در اعتراض به اخراج خود روز یکشنبه ۱ بهمن، در مقابل دفتر مرکزی این شرکت در سنندج دست به تجمع زدند.

به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، در نتیجه این اعتراض، کارفرما ناگزیر شد در جمع کارگران حضور یابد و علت اخراج را نداشتن بودجه و طلبکار بودن ۹ میلیارد تومان از اداره امور آب و اداره راه و ساختمان اعلام کرد.

* کارگران بخش نظیف شهرداری شوشتر روز دوشنبه ۲ بهمن دست از کار کشیده و در واحد موتوری این شهرداری تجمع کردند.

به گزارش خبرگزاری حکومتی فارس، این کارگران ۵۰ روز پیش حقوق اردیبهشت ماه خود را دریافت کرده و به دلیل فشار اقتصادی و عدم پرداخت حقوقهای معوق دست به اعتصاب و اعتراض زدند.

* جمعی از کارگران زن اخراجی کارخانه «پوشش گستر اردکان» بیش از پنج نوبت در محل فرمانداری، دفتر نماینده این شهر در مجلس و دفتر شورای اسلامی شهر اردکان تجمع و تحصن کردند.

به گزارش خبرگزاری حکومتی مهر، روز دوشنبه ۲ بهمن، هشت ماه پیش ۴۵ زن کارگر از یکی از کارخانه های بزرگ اردکان اخراج شدند که اغلب آنها سرپرست خانوار بوده اند اما اکنون بعد از گذشت این مدت از بیکاری آنها، هنوز کسی پاسخگوی مشکلات آنها نیست.

برپایه این گزارش، خدیجه سرافراز از کارگران اخراجی کارخانه پوشش گستر اردکان درباره مشکلات به وجود آمده برای زنان شاغل در این واحد تولیدی اظهار داشت: کارخانه پوشش گستر اردکان در سال ۱۳۸۰ با هدف تولید روکش فابریک صندلی

خودرو و با ایجاد اشتغال برای ۴۰۰ نفر از زنان و مردان اردکانی کار خود را آغاز کرد. این کارخانه در ۲۰ تیرماه امسال تعطیل و ورشکسته اعلام شد.



* کارگران نی بر شرکت نیشکر هفت تپه از روز یکشنبه ۱ بهمن دست از کار کشیدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، ۱۵۰۰ کارگر نی بر شرکت نیشکر هفت تپه در اعتراض به عدم دریافت سه ماه دستمزد و با خواست اجرای طرح طبقه بندی مشاغل دست به اعتصاب زدند و در ادامه این حرکت اعتراضی روز سه شنبه ۳ بهمن این کارگران دست به تجمع در مقابل دفتر مدیریت زدند و خواهان رسیدگی به خواسته‌های خود شدند.

همزمان تعداد زیادی از کارگران فصلی «نی بر» در روز سه شنبه ۳ بهمن در مقابل نهاد ریاست جمهوری تجمع کردند. به گزارش ایلنا، یکی از کارگران حاضر در این تجمع گفت: دو هزار کارگر فصلی کشت صنعت کارون شوشتر که به کار تخصصی بریدن نی اشتغال دارند خواستار اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و همچنین اجرا نشدن بازنشستگی پیش از موعد خود هستند.

کارگران نی بر کشت صنعت کارون شوشتر در زمستان در فضای باز طبیعی در میان گل ولای و در تابستان در گرمای بیش از ۵۰ درجه مشغول به کار هستند.

یکی دیگر از کارگران معترض گفت: کار ما بریدن نی با قمه است که با حوادث زیادی همانند بریدن انگشتان دست، بریدن پا، دیسک کمر و حوادث طبیعی همانند حمله حیوانات وحشی مثل گراز همراه است. این حوادث برای تعداد زیادی از همکارانمان اتفاق افتاده و پس از مصدومیت از کار بیکار شدند و کسی از آنان حمایت نکرده است.

* جمعی از کارگران زن و مرد مخابرات استان خراسان رضوی و خوزستان روز سه شنبه ۳ بهمن در مقابل مجلس رژیم تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارکنان مخابرات استان خوزستان پلاکاردی در دست داشتند که روی آن نوشته شده بود؛ ده ماه است حقوق نگرفته‌ایم. کارکنان استان خراسان رضوی نیز در پلاکاردهایی که در دست داشتند خواستار رسیدگی به وضع اشتغال خود بودند.

* رانندگان شهرداری شوشتر در هفته اول بهمن دست به اعتصاب و تجمع اعتراضی زدند و در مقابل شهرداری تجمع کردند. رانندگان شهرداری شوشتر بیش از دو ماه است حقوق نگرفته و به وضعیت حقوق و مزایا و حق بیمه خود اعتراض دارند.

* کارگران فصلی کشت و صنعت کارون شوشتر در روز چهارشنبه ۴ بهمن برای دومین روز در مقابل ساختمان ریاست جمهوری رژیم تجمع کردند. به گزارش ایلنا در این روز گروه جدیدی از کارگران به آنها پیوستند. کارگران معترض که خود را از شوشتر به تهران رسانده اند، اعلام کردند که: «با این که شب گذشته را با سختی در تهران به صبح رساندیم، در صورت عدم رسیدگی به مشکلاتمان توسط مسئولان ارشد دولتی و دریافت یک جواب قانع کننده، به تجمع خود ادامه می‌دهیم.»

در روز پنجشنبه ۵ بهمن تجمع اعتراضی کارگران نی بر شوشتر وارد سومین روز خود شد. به گزارش ایلنا، تعداد ۵۰۰ تن از مجموع ۲۰۰۰ کارگر فصلی که به کار بریدن نی شکر در مجتمع کشت و صنعت کارون شوشتر اشتغال دارند از بامداد روز سه

شنبه ۳ بهمن با سفر به تهران به اجرای نشدن طبقه بندی مشاغل و بازنشستگی پیش از موعد در مقابل نهاد ریاست جمهوری تجمع کردند.

*صدها تن از کارگران شرکت ساختمان نصب در پالایشگاه آبادان در واکنش به اخراج و بیکارسازیهای گسترده در این شرکت و نیز عدم دریافت حقوق و دستمزدهای معوقه خود، در روز پنجشنبه ۵ بهمن، در مقابل درب اصلی پالایشگاه تجمع کردند و علیه شرایط نابسامان زندگی و معیشت خود به اعتراض برخاستند. به گزارش ویسایت پیام، با شکل گیری این تجمع اعتراضی، شمار زیادی از ماموران نیروی انتظامی رژیم شامل یگانهای ویژه سرکوب و ماموران لباس شخصی با حضور در خیابانها و مسیرهای اطراف پالایشگاه آبادان ضمن ممانعت از هرگونه تردد در آن مسیر، کارگران معترض را مورد هجوم خود قرار دادند و به ضرب و شتم آنان پرداختند. در این میان شمار زیادی از نیروهای رژیم به محل تجمع کارگران گسیل شدند و ضمن دستگیری تعدادی از آنان، کارگران را به زور متفرق نمودند.



*کارگران شرکت ساختمان نصب در پالایشگاه آبادان در روزهای شنبه ۷ و

یکشنبه ۸ بهمن، در اعتراض به اخراج خود، در مقابل درب اصلی پالایشگاه تجمع نمودند. به گزارش سایت پیام، کارگران معترض علاوه بر طرح مطالبات خود مبنی بر بازگشت به کار و پرداخت حقوقهای معوقه، همچنین به حمایت از کارگران بازداشتی این شرکت پرداخته و خواستار آزادی همکاران زندانی خود شدند.

*به گزارش ایلنا، روز شنبه ۷ بهمن حدود ۳۰۰ تن از مجموع ۷۰۰ کارگر «نی بر» نیشکر هفت تپه با سفر به تهران به جمع کارگران نی بر کشت و صنعت کارون شوشتر پیوستند که از بامداد سه شنبه ۳ بهمن در تهران به سر می‌برند و هر روز در مقابل ساختمان نهاد ریاست جمهوری تجمع می‌کنند.

کارگران اخراجی شرکت جهاد نصر کردستان، در روز شنبه ۷ بهمن، جهت پیگیری خواسته‌ها و مطالبات خود در مقابل اداره کار سنج جمع کردند.

به گزارش کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، کارگران تجمع کننده اعلام کردند که روز بعد در مقابل شرکت جهاد نصر تجمع خود را ادامه خواهند داد و تا زمانی که نامه‌ی کتبی اخراج را دریافت نکنند آنجا را ترک نخواهند نمود. لازم به ذکر است که ۱۱۰ نفر از کارگران این شرکت چندی پیش به صورت دسته جمعی و بدون ارائه‌ی نامه رسمی اخراج شدند.

*جمعی از کارگران پیمانکاری شرکت تامین ترابر سبز که زیر نظر راه آهن جمهوری اسلامی ایران فعالیت می‌کند در اعتراض به عدم تسویه حساب شرکت پیمانکاری قبلی (پویش پژوهان صنعت) و عدم پرداخت حقوق خود در دومین ماه شروع به کار شرکت پیمانکاری فعلی، در روز یکشنبه ۸ بهمن، دست به یک اعتراض صنفی زدند.

به گزارش ایلنا، شرکت پویش پژوهان صنعت که پیمانکار قبلی این مجموعه بود هنوز با کارگران تسویه حساب نکرده است. شرکت تامین ترابر سبز که پیمانکار جدید این مجموعه است در دومین ماه شروع به کار خود توان پرداخت حقوق کارگران را ندارد و به مشکل برخورد کرده است.

*حدود ۱۵۰۰ تن از کارگران سابق و فعلی گروه صنعتی انتخاب در پی استمرار ممانعت شرکت «دوو الکترونیک» از باز پرداخت مطالبات این مجموعه، روز یکشنبه ۸ بهمن در مقابل سفارت کره جنوبی در تهران تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این تجمع به دلیل عملی نشدن وعده^۱ مسئولان کشور کره جنوبی در قبال تعهداتی است که پیش از این برای حل مشکلات به گروه صنعتی انتخاب داده بودند.

*۶۰۰ تن از کارگران پتروشیمی بندر امام در روز دوشنبه ۹ بهمن، در مقابل فرمانداری ماهشهر دست به تجمع اعتراضی زدند و خواهان بر چیده شدن کامل شرکتهای پیمانکاری و انعقاد قرار داد مستقیم شدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، این کارگران تبدیل وضعیت نشده پتروشیمی در حالی به طور متحد بر دامنه اعتراض خود افزودند و در مقابل فرمانداری ماهشهر دست به تجمع زدند که اعتراضات گاه و بیگاه آنان در مجتمعهایشان طی هفته های گذشته نتیجه ای در بر نداشته است و مدیریت پتروشیمی در اقدامی جدید بار دیگر و به مدت سه سال بخشهای مختلف در مجتمعهای سباران و کیمیا را به شرکت پیمانکاری فریمکو واگذار کرد.

*کارگران شرکت صنایع غذایی فلات کوه‌رنگ، در چهارمحال و بختیاری در روز دوشنبه ۹ بهمن دست به تحصن اعتراضی زده و خواستار لغو احکام اخراج کارگران اخراجی و بازگرداندن آنها شدند. به گزارش ایسنا، کارگران متحصن به پرداخت نشدن به موقع حقوق خود، مشکل بیمه، و نیز اخراج مکرر کارگران توسط مدیران این شرکت خصوصی اعتراض کردند.

*نمایندگان سی هزار تن از کارگران با حضور در محل استانداری تهران، خواستار مجوز برای برگزاری تجمع این کارگران در روز ۲۸ بهمن در مقابل وزارت کار رژیم شدند.

به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، خواست صدور مجوز برای برگزاری تجمع کارگری در حالی صوت می‌گیرد که پس از گذشت ۴۰ روز از تحصن آنان در مقابل مجلس هنوز هیچ پاسخ روشنی به آنان داده نشده است. یکی از مهمترین خواستههای کارگران در طومار اعتراضی، افزایش حداقل دستمزدها بر اساس تورم واقعاً موجود و تأمین سبد هزینه یک خانوار چهار نفره بوده است.

*کارگران شرکت کشت و صنعت کارون شوشتر در روز دوشنبه ۹ بهمن برای هفتمین روز مقابل ساختمان ریاست جمهوری ایران تجمع کردند. به گزارش ایلنا، سه روز است که کارگران نی بر مجتمع کشت و صنعت هفت تپه هم به این تجمع پیوسته‌اند.

براساس این گزارش، تعداد کارگران شاغل در دو شرکت نی بر کشت و صنعت کارون شوشتر و هفت تپه شوش به ۲۷۰۰ تن می‌رسد که از شش سال پیش پیگیر مطالبات قانونی خود هستند.

*کارگران شرکت قند و تصفیه شکر اهواز برای دومین روز متوالی با خانواده‌های خود در مقابل استانداری خوزستان در روزهای یکشنبه ۸ و دوشنبه ۹ بهمن تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران خواستار دریافت حقوق معوقه خود هستند که در مواردی تا ۲۵ ماه پرداخت نشده است.

*روز دوشنبه ۹ بهمن، ۸۰۰ تن از کارگران شرکتهای پیمانکاری ساحل سازان، عمران ذوبان و ایمن سازه از مجموعه شرکتهای پیمانکاری «شرکت فراساحل» به طور همزمان دست از کار کشیدند و هر کدام دست به تجمع اعتراضی در مقابل کارگزینی مجموعه های خود زدند و خواهان پرداخت دستمزد مهر ماه خود شدند.

به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، به دنبال این اعتصاب و تجمع اعتراضی، مسئولان شرکتهای پیمانکاری با حضور در میان کارگران اعلام کردند از آنجا که «شرکت صدرا» هیچ پولی به آنان نداده است در نتیجه آنان هم قادر به پرداخت دستمزد کارگران نیستند با این حال کارگران اعتصابی به اعتصاب و تجمع خود تا پایان ساعت کاری ادامه دادند و پس از تعطیلی شرکت بدون این که پاسخ روشنی به خواسته‌هایشان داده شود عازم منازل خود شدند.

صدرا جزیره ی صنعتی بزرگی است که سهامدار عمده ی آن دولت است. شرکت صدرا که در این جزیره مستقر است شامل دو بخش مجزا با مدیریت جداگانه به نام شرکتهای کشتی سازی صدرا و شرکت فراساحل است. شرکت کشتی سازی صدرا سازنده کشتیها و شرکت فرا ساحل سازنده سکوهاى نفتی و گازی بر روی دریاست.

*تجمع اعتراضی کارگران نی بر هفت‌تپه و کشت و صنعت کارون شوشتر که از روز سه‌شنبه ۳ بهمن در مقابل ساختمان ریاست‌جمهوری آغاز شده بود عصر روز دوشنبه ۹ بهمن با توافقاتی میان نمایندگان کارگران و وعده های مسئولان دولتی خاتمه یافت.

به گزارش ایلنا، به گفته یکی از کارگران معترض، پس از گذشت هفت روز از تجمع کارگران فصلی نی بر در مقابل ساختمان ریاست جمهوری، ناچار شدیم به وعده های مسئولان دفتر ریاست جمهوری برای پی گیری مطالباتمان اعتماد کنیم.

* ۸۰۰ تن اعتصاب کارگران شرکتهای زیرمجموعه صدرا، روز دوشنبه ۹ بهمن دست به اعتصاب زدند.

کارگران شرکتهای پیمانکاری ساحل سازان، عمران ذوبان و ایمن سازه از مجموعه شرکتهای پیمانکاری «شرکت فراساحل» به طور همزمان دست از کار کشیدند و هر کدام دست به تجمع اعتراضی در مقابل کارگزینی مجموعه های خود زدند و خواهان پرداخت دستمزد مهر ماه‌شان شدند.

*بازنشستگان ذوب آهن اصفهان روز دوشنبه ۹ بهمن ماه در مقابل کانون بازنشستگان ذوب آهن تجمع و خواهان توضیح شدند. به گزارش آژانس ایران خبر، بازنشستگان با مشاهده بی‌اعتنایی مسئولان به دفتر کانون حمله کرده شیشه های آنجا را شکسته و بعد با دخالت پلیس پراکنده شدند.

*بیش از ۵۰۰ تن از کارگران شاغل در شرکت ساختمان سازی توسعه اسکان شرق روز سه شنبه ۱۰ بهمن، در اعتراض به عدم پرداخت سه ماه حقوق معوقه خود دست از کار کشیدند و در مقابل این شرکت تجمع نمودند.

به گزارش وبسایت پیام، کارگران معترض که قبل از این نیز علیه تجمعات مکرر خود، همواره با بی‌اعتنایی و عدم پاسخگویی مدیریت و کارفرمای شرکت روبرو شده بودند، این بار به طور متحدانه تری حقوق و مطالبات پیمال شده خویش را خواستار شدند و ضمن ابراز خشم و تنفر خود، دفتر مدیریت شرکت و نواحی مربوطه را با پرتاب سنگ و چوب مورد تعرض خشمگینانه خویش قرار دادند.

لازم به ذکر است که شرکت توسعه اسکان شرق عهده دار پروژه های ساختمانی شهر جدید پردیس واقع در شرق تهران می باشد.

*در حالی که گفته می شود کارگران قطار شهری اهواز در اعتراض به عدم دریافت مطالبات صنفی ۶ ماه گذشته خود از روز چهارشنبه ۱۱ بهمن، اعتراض صنفی خود را آغاز کرده اند، مدیر عامل این مجموعه از پرداخت یک ماه حقوق کارگران خبر داد.

هلاکویی، مدیرعامل شرکت متروی اهواز در گفت و گو با ایلنا اظهار داشت که در رابطه با مطالبات معوقه کارگران قصد داریم که تا اول مهر با تمامی کارگران این مجموعه تسویه حساب کنیم. حدود ۸۰۰ کارگر در پروژه متروی اهواز مشغول کار هستند. این گروه از کارگران به دلیل انجام کار بی وقفه شبانه-روزی در زیر زمین، دارای مشاغل سخت تر و تخصصی تری هستند.

*اعتصاب و تجمع کارگران قطار شهری اهواز در روز شنبه ۱۴ بهمن وارد پنجمین روز خود شد. در این روز کارگران در مقابل کارگاه محل فعالیتشان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران از روز سه شنبه ۱۰ بهمن حرکت اعتراضی خود را شروع کردند و خواستار پرداخت معوقات خود از پیمانکار مجری احداث این پروژه (شرکت کیسون) شدند.

*کارگران پیمانکاری شرکت بسباران در مجتمع پتروشیمی بندر امام از صبح روز شنبه ۱۴ بهمن در اعتراض به عدم افزایش دستمزدهای خود دست به اعتصاب زدند.

به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران؛ به دنبال این اعتصاب مسئولان مجتمع بسباران از کارگران خواستند تا نماینده های خود را جهت رسیدگی به خواسته هایشان به مدیریت معرفی کنند اما با معرفی نمایندگان از سوی کارگران و در جلسه ای که با شرکت چندین تن از مسئولان مجتمع بسباران، حراست و شرکت پیمانکاری فریمکو برگزار شد نمایندگان کارگران مورد تهدید مسئولان پتروشیمی واقع شدند و یکی از نماینده های آنان به نام فرزاد علیزاده از کار خود معلق گردید.

*بازنشستگان ذوب آهن در روز یکشنبه ۱۵ بهمن در مقابل مجلس تجمع کردند. به گزارش ایلنا تجمع کنندگان از رئیس و نمایندگان مجلس خواستند، تا دولت را مجاب به اجرای مصوبه مجلس در خصوص ادغام صندوق حمایت از بازنشستگان صنعت فولاد در سازمان تأمین اجتماعی، کند.

*۱۲۰۰ تن از کارگران کارخانه نورد لوله صفا روز یکشنبه ۱۵ بهمن دست به اعتصاب زدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران؛ پس از گذشت یک ماه از پایان اعتصاب ۱۲۰۰ کارگر کارخانه نورد لوله صفا که با وعده های کارفرما صورت گرفت این کارگران بار دیگر و به دنبال خلف وعده های کارفرما دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب در روز دوشنبه ۱۶ بهمن هم ادامه داشت. کارگران این کارخانه در ماه گذشته هم ۸ روز در اعتصاب بودند.

*کارگران پیمانکاری شرکتهای ساحل سازان، عمران ذوبان و ایمن سازه از مجموعه شرکتهای پیمانکاری شرکت «فراساحل» در ادامه حرکت اعتراضی خود در روز یکشنبه ۱۵ بهمن به اعتصاب خود ادامه دادند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران؛ مسئولان این شرکت دوشنبه هفته گذشته (۹ بهمن، روز اول اعتصاب) به کارگران گفته بودند از آنجا که شرکت صدرا به ما پولی نداده است ما نیز فعلا قادر به پرداخت دستمزدهای شما نیستیم.

یکی از کارگران این مجموعه در همان روز به سایت اتحاد اظهار داشت: متأسفانه سازه عظیم فلزی که حاصل زحمت چند صد کارگر فرا ساحل صدرا بود به قعر دریا رفت و سرنوشتی مانند حقوق آنها پیدا کرد.

*حدود ۱۵۰ تن از اعضای تعاونی مسکن تعمیر کاران اتوموبیل شهر سنندج روز سه شنبه ۱۷ بهمن دست به تجمع اعتراضی در مقابل استانداری کردستان زدند.

به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، اعضای این تعاونی مسکن در حالی دست به این تجمع زدند که پیگیریهای آنان در مراجع قانونی در چندین ماه گذشته تا کنون نتیجه ای در بر نداشته است.

بنا بر این گزارش با شروع این تجمع و بی توجهی مسئولان استانداری به خواست تجمع کنندگان، ماموران اطلاعات نیروی انتظامی با حضور در میان تجمع کنندگان از آنان خواستند به تجمع خود پایان دهند اما کارگران تجمع کننده بر رسیدگی به خواستههای خود اصرار کردند و نهایتاً پس از وعده این ماموران مبنی بر رسیدگی به خواستههایشان تا دوشنبه آینده، به تجمع خود پایان دادند.

*جمعی از فرهنگیان باز نشسته آموزش پرورش دشتستان در اعتراض به عدم دریافت ماه حقوق در روز چهارشنبه ۱۸ بهمن جلوی درب فرمانداری این شهرستان تجمع نمودند.

به گزارش سایت اتحاد جنوب، معترضان اظهار کردند؛ بازنشستگان ماه مهر، شهریور و برخی بازنشستگان مردادماه سال جاری از زمان بازنشستگی تا کنون حقوق و پاداش خود را دریافت نکرده اند.

*به دنبال اعتصاب ۱۲۰۰ کارگر کارخانه نورد لوله صفا که از عصر روز یکشنبه ۱۵ بهمن در اعتراض به خلف وعده کارفرما در عمل به جدول بندی توافق شده برای پرداخت دستمزدهای معوقه آغاز شده بود، کارگران این کارخانه تا عصر روز سه شنبه ۱۷ بهمن ماه به اعتصاب خود ادامه دادند.

به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران با شروع این اعتصاب مسئولان کارخانه با وعده پرداخت یک ماه از دستمزد معوقه کارگران در روز چهارشنبه ۱۸ بهمن، از آنان خواستند به اعتصاب خود پایان دهند اما کارگران اعتصابی به طور متحدانه ای اعلام کردند هر لحظه که شما به توافقهایی صورت گرفته عمل کردید و پول به حساب مان واریز شد ما نیز همان لحظه به اعتصاب خود پایان خواهیم داد.

بنا بر این گزارش با تداوم اعتصاب کارگران و ایستادگی آنان برای تحقق خواسته هایشان، کارفرمای کارخانه نورد لوله صفا به ناچار عصر روز چهارشنبه ۱۸ بهمن یک ماه از دستمزد معوقه آنان را به حساب شان واریز کرد و کارگران نیز به اعتصاب خود پایان داده و بر سر کارهایشان بازگشتند.

*به دنبال اعتصاب و تجمع ۸۰۰ کارگر پیمانکاری شرکت فرا ساحل در روز دوشنبه ۹ بهمن و تعطیلی کار از سوی کارفرما تا روز شنبه ۱۴ بهمن و سپس ادامه اعتصاب و تجمع این کارگران در روز یکشنبه ۱۵ بهمن، کارفرما به کارگران اعتصابی وعده داد روز چهارشنبه ۱۸ بهمن دستمزد معوقه آنان را پرداخت خواهد کرد و آنان نیز با این اولتیماتوم که چنانچه روز چهارشنبه دستمزدشان پرداخت نشود بار دیگر اعتصاب را از سر خواهند گرفت به اعتصاب خود پایان دادند.

به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، صبح روز چهارشنبه ۱۸ آبان از آنجا که پولی به حساب کارگران واریز نشده بود آنان بنا بر اولتیماتومی که قبلاً داده بودند از اول صبح دست به تجمع زدند و خواهان پرداخت دستمزد معوقه خود شدند. به دنبال این تجمع نمایندگان شرکتهای پیمانکاری مجموعه شرکت فراساحل به کارگران اعلام کردند تا ۹ صبح دستمزدشان پرداخت خواهد شد.

بنا بر این گزارش با فرا رسیدن ساعت ۹ صبح یکماه دستمزد معوقه کارگران به حساب شان واریز گردید و آنان بر سر کارهایشان بازگشتند.

*در پی تجمع اعتراضی هفت روزه کارگران نی بر مجتمع کشت و صنعت کارون شوشتر و هفت تپه در مقابل نهاد ریاست جمهوری که از روز ۳ بهمن تا شامگاه روز دوشنبه ۹ بهمن ادامه داشت، نمایندگان این دو واحد تولیدی پس از گذشت ۱۴ روز و مرتفع نشدن مشکلات صفی‌شان، برای پی‌گیری وعده‌های دولت بار دیگر در روز دوشنبه ۲۳ بهمن به تهران آمدند. به گزارش ایلنا، یکی از نمایندگان کارگران مجتمع کشت و صنعت کارون شوشتر با اعلام این خبر گفت؛ با بی نتیجه ماندن وعده‌هایی که مسئولان نهاد ریاست جمهوری در خصوص دریافت مطالبات صنفی به کارگران داده بودند، امروز طبق توافق با نمایندگانی که از سوی کارگران انتخاب و مامور رسیدگی به این موضوع شده بودند به پایتخت آمده و با حضور در دفتر نهاد ریاست جمهوری پی گیر قول‌هایی شدیم که در آخرین روز تجمع کارگران به ما داده شده بود.

*تعداد زیادی از رانندگان تاکسی سنندج روز دوشنبه ۲۳ بهمن، در اعتراض به اجرای طرح ترافیکی خیابان خمینی این شهر تجمع کردند.

به گزارش فارس، رانندگان تاکسی در این تجمع اجرای طرح ترافیکی غیرکارشناسی را ظلم به این قشر قلمداد کردند و خواستار تجدیدنظر مسئولان مربوطه در اجرای این طرح شدند. رانندگان تابلوی نصب شده راهنمایی در ابتدای این خیابان را از جا درآوردند.

*بیش از ۱۰۰ تن از مجموع ۲۳۰ نیروی شرکتی اداره کل راه و شهرسازی کهگیلویه و بویراحمد روز سه شنبه ۲۴ بهمن، بعد از تجمع بی‌نتیجه در مقابل اداره کل راه و شهرسازی به سمت استانداری راهپیمایی کرده و در دفتر استاندار تجمع کردند. به گزارش ایلنا، اعتراض کارگران پیمانی و خدماتی اداره کل راه و شهرسازی کهگیلویه پرداخت نشدن حقوق و مطالبات معوقه‌شان است. این کارگران بیش از هفت ماه حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده‌اند.

*تعمیرکاران اتومبیل شهرستان سنندج به علت کلاهبرداری تعاونی‌های مسکن در روز سه شنبه ۲۴ بهمن، در مقابل دادگستری استان تجمع اعتراض آمیز برگزار کردند.

به گزارش فارس، ادعای کلاهبرداری تعاونی‌های مسکن در کشور هر بار از نقطه ای سر و صدا می‌کند. این بار نوبت تعمیرکاران اتومبیل شهرستان سنندج بود که به همین بهانه جلوی دادگستری کردستان تجمع کنند.

*کارگران شاغل در شرکت نیما سازه به دلیل عدم پرداخت ۲ ماه حقوق معوقه خود در روز سه شنبه ۲۴ بهمن در مقابل دفتر این شرکت تجمع کردند.

به گزارش کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، این شرکت در پروژه ۱۷۲۸ واحدی شهر سنندج در زمینه ساخت مسکن مشغول به فعالیت است.

*به دنبال مخالفت استانداری تهران با برگزاری تجمع کارگری در مقابل وزارت کار، دفتر پیگیری وزارت اطلاعات نیز طی تماسی تلفنی با جعفر عظیم زاده و پروین محمدی آنان را برای پاره ای توضیحات به این دفتر احضار کرد.

به گزارش روز سه شنبه ۲۴ بهمن اتحادیه آزاد کارگران ایران، این دو نفر باید روز بعد در دفتر پیگیری وزارت اطلاعات حاضر شوند.

*صبح روز شنبه ۲۸ بهمن، حدود ۴۰۰ تن از کارگران درمقابل وزارت کار در خیابان آزادی- بهبودی تجمع کردند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، همزمان نیروهای سرکوب انتظامی و لباس شخصیها هم به صورت گسترده در محل حضور پیدا کردند.

یک فعال کارگری گفت عده ای از کارگران به طور جداگانه از اراک و اصفهان برای شرکت در تجمع ۲۸ بهمن کارگران به تهران آمدند و موقعی که می خواستند به کارگران تجمع کننده در مقابل وزارت کار بپیوندند، نیروی سرکوبگر مانع پیوستن آنها به تجمع کنندگان شد

*روز دوشنبه ۳۰ بهمن حدود ۵۰ تن از کارگران کارخانه های مختلف امضا کننده طومار اعتراضی ۳۰ هزار نفره در محوطه ساختمان وزارت کار تجمع اعتراضی برپا کردند و طی آن بر خواستار افزایش دستمزدها و اصلاحات در قوانین کار و تامین اجتماعی شدند.

به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران پلاکاردی در دست داشتند که روی آن نوشته شده بود: اعتراض سی هزار کارگر به عدم افزایش دستمزدها و اصلاحات ضد کارگری در قوانین کار و تامین اجتماعی.

با شروع این تجمع کارگری ماموران حراست وزارت کار از کارگران تجمع کننده خواستند به تجمع خود پایان دهند اما آنان با تاکید بر خواسته های خود اعلام کردند تا دریافت جواب روشنی از شخص آقای عباسی سرپرست وزارت کار به تجمع خود ادامه خواهند داد.

*به گزارش آژانس ایران خبر، کارگران شرکت لوازم خانگی آردل روز دوشنبه ۳۰ بهمن در اعتراض به عدم پرداخت دو ماه حقوق معوقه کارگران این شرکت و وضعیت نابسامان این شرکت که به خاطر نداشتن مواد اولیه در وضعیت بحرانی به سر می برد، در این شرکت دست به تجمع اعتراضی زدند.

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

شرایط کنونی و وظایف ما

گزارش سیاسی سخنگوی سازمان به هفتمین اجلاس شورای عالی

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

مقدمه

ششمین اجلاس شورای عالی سازمان در آبان سال ۱۳۸۸ برگزار شد. از آن تاریخ تاکنون ما طی ۳۵ سمینار، تحولات سیاسی داخلی، منطقه ای و جهانی را بررسی کرده و چندین بار در بیانیه هایی مواضع رسمی سازمان را اعلام کرده ایم. در این مدت، روزانه در ستون «فراسوی خبر» که توسط اعضای هیات دبیران ماهنامه نبرد خلق نوشته می شود و در سایتهای ایران نبرد و جنگ خبر منتشر می گردد، مواضع سازمان در مورد مهمترین رویدادهای عمدتاً داخلی بیان شده است. این گزارش، فشرده نظرات مطرح شده از طرف سازمان ما طی ۳۸ ماه گذشته است.

در این گزارش دیدگاههای ما در مورد شرایط حاکم بر کشور و راه برون رفت از بحران کنونی به طور شفاف بیان شده است. همچنین تحلیل و مواضع ما در مورد تحولات سیاسی در شمال آفریقا و کشورهای خاورمیانه و نیز تحولات مربوط به آمریکا و اتحادیه اروپا که تحت عنوان جنبش برآشفنگان و جنبش اشغال وال ستريت نامیده شده، مختصر اما روشن بیان گردیده است.

هنگامی که ششمین اجلاس شورای عالی سازمان برگزار می شد، قیامهای زنان و مردان ایران زمین سیر صعودی خود را طی می کرد. طی ماههای پس از آبان ۱۳۸۸ تا بهمن همان سال، خیزشهای مردم ایران اوج گرفت و در ۶ دی ۸۸ در روز عاشورا به یک قیام گسترده توده ای و رادیکال فرا روئید. پس از آن تا ۲۵ بهمن ۱۳۸۹ که جنبشها و خیزشهای جدید در حمایت از تحولات کشورهای عربی موسوم به «بهار عرب» دو باره شکل گرفت، ما شاهد اعتراضهای پراکنده که به سرعت سرکوب می شد، بودیم. در دو سال گذشته حرکتهای اعتراضی در ایران به ویژه در عرصه جنبش کارگری گسترش پیدا کرده است. طی ۳۵ ماه گذشته در حدود ۷۰۰ حرکت بزرگ و کوچک اعتراضی از جانب کارگران و مزدبگیران صورت گرفته که دبیرخانه سازمان هر سال در آستانه اول ماه مه فهرست و جمعبندی آن را منتشر کرده است. در این فاصله افزون بر خیزشها و قیامها در شهرهای بزرگ، صدها حرکت اعتراضی در گوشه و کنار ایران وجود داشته است.

در فاصله زمانی یاد شده تضادهای درونی در هرم قدرت با شدت و حدت افزایش یافته و دامنه این تضادها و کشمکشها گسترش یافته و ولی فقیه رژیم مجبور بوده به طور روزانه برای مهار آنها به طور علنی و یا مخفی مداخله کند و حتی به آن دسته از ایادی اش که به این تضادها دامن می زنند، مارک خائن بزند. با همه تلاشهای ولی فقیه، هیچیک از تضادهای درون هرم قدرت نه فقط کاهش نیافت، که افزایش بی سابقه ای پیدا کرد.

ریشه بروز این شرایط چیست؟ این شرایط را چگونه باید تعریف کرد؟ و بالاخره وظایف ما در قبال این وضعیت چیست؟ در زیر به این سوالات پاسخ می دهیم.

سیر تحولات سیاسی در درون هَرَمِ قدرت و در جنبش مردم ایران

۱: مناسبات اقتصادی حاکم بر ایران، مناسبات سرمایه داری در یک کشور پیرامونی است. تلاش رژیم برای ادغام در مناسبات نو-لیبرالیسم جهانی هر روز ابعاد جدیدی یافته که آخرین آن حذف اندک یارانه ها بر حاملهای انرژی و برخی کالاهای اساسی مربوط به زندگی و معیشت مردم، به ویژه اقشار فرودست است. از جهت دیگر، روبنای سیاسی کشور، استبداد مذهبی و ولایت فقیه همراه با ادغام کامل مذهب در دولت و به طور کلی در تمامی امور جامعه است. جمهوری اسلامی تمایل دارد روند ادغام در بازار جهانی امپریالیستی را با حفظ روبنای سیاسی خود پیش برد، در حالی که رژیم سیاسی با زیربنای اقتصادی همخوانی نداشته و این امر همواره منجر به چالشها و بحرانهای حاد می شود.

از آن جا که نظام حاکم بر ایران نمی تواند مناسبات اقتصادی را به قرون وسطا بازگرداند، به ناچار باید از نظر سیاسی خود را با الزامات ادغام در بازار جهانی امپریالیستی همساز کند. ولی فقیه و نهادهای وابسته به آن تاکنون در مقابل این امر و الزامات ناشی از آن مقاومت کرده و راه انقباض سیاسی و دستیابی به سلاح اتمی و توسل به صدور تروریسم و بنیادگرایی اسلامی برای تضمین امنیت نظام را برگزیده اند. این راه حل را خامنه ای «ریل گذاری جدید در ولایت» تعریف کرده است. اتکا به درآمد ناشی از فروش نفت خام برای ولی فقیه به مثابه یک فرصت، این امکان را ایجاد کرده که در مناسبات درون هرم قدرت و ثروت و در مناسبات اقتصادی با قدرتهای بزرگ اقتصادی یک تعادل نسبی و البته عمیقاً به زیان مردم ایران ایجاد کند. این تعادل نسبی تا سال ۱۳۸۴ که با گزینش احمدی نژاد راهبرد «ریل گذاری جدید در ولایت» کلید خورد، به سود اقتدار ولی فقیه عمل می کرد. سیاست اقتصادی که از طریق احمدی نژاد به پیش رفت و به هم خوردن تعادل نسبی در درون هرم قدرت و در مناسبات حاکمیت با قدرتهای جهانی، به تشدید تضاد در بین گروهبندیهای صاحب سرمایه انجامید. «در ۱۰۳ سال گذشته مجموع درآمدهای نفتی ایران به بیش از هزار و ۱۱۶ میلیارد دلار رسیده است... و مجموع درآمدهای نفتی دولت

نهم و دهم بیش از ۵۳۱ میلیارد دلار بوده است.» (اکبر ترکان، معاون اسبق وزارت نفت، خبرگزاری حکومتی مهر، ۱۴ شهریور ۱۳۹۱) در همین دوران ۷ ساله «۴۸۳ میلیارد دلار از درآمد نفتی صرف واردات کالا از خارج کشور شده است.» (همان منبع)

این درآمد کلان طی هفت سال ریاست احمدی نژاد بر قوه مجریه، آن چنان هزینه شده که به افزایش سرسام آور نقدینگی منجر شده و همزمان سپاه، بسیج و نهادها امنیتی بر شریانه‌های حیاتی و بخشهای کلیدی اقتصاد کشور تسلط بلامنازع پیدا کرده اند. در این فاصله «میزان نقدینگی از حدود ۶۸ هزار میلیارد تومان در پایان سال ۸۴، به حدود ۳۸۷ هزار میلیارد تومان در ابتدای تابستان ۹۱ رسید»*. این وضعیت باندهای درون هریم قدرت را که در فاصله سالهای پس از انقلاب تا سال ۱۳۸۴ در بهره مندی از منابع کشور سهم می بردند و به طور متحدانه مردم را غارت می کردند، به جان هم انداخته است. کاهش درآمد ناشی از فروش نفت خام (به علت تحریم) همراه با انقباض سیاسی، تضاد جناحهای سرمایه داری درون و پیرامون قدرت را تشدید کرده (افشای دزدیهای کلان) و در نتیجه گرایش مدافع تطبیق نسبی و مرحله به مرحله روبنای سیاسی با زیر بنا، میدان عمل بیشتری یافته است. طی یک سال گذشته فرصتهای ولی فقیه (اتم، صدور ترور و درآمد نفت) برای مهار تضاد رژیم سیاسی با مناسبات اقتصادی کاهش جدی پیدا کرده است.

۲: چالش دیگر در درون ساختار جمهوری اسلامی، تضاد بین قدرت واقعی و قدرت حقوقی است. این تضاد در قانون اساسی رژیم در تقابل بین «اصل ولایت فقیه» و اصولی که به «انتخابات» بر می گردد خود را نشان می دهد. گرچه در نظام حاکم بر ایران هرگونه انتخابات بیش از یک شعبده بازی نیست، اما خروجی همین شعبده بازی، فردی را به عنوان «منتخب مردم از طریق رای مستقیم» به نمایش می گذارد که با ولی فقیه که «منتخب با واسطه» است به کشاکش می افتد. تضاد بین احمدی نژاد در نقش گماشته ولی فقیه در منصب ریاست جمهوری با خامنه ای از همین تضاد ناشی می شود. در شرایطی که اقتدار ولی فقیه توسط قیام مردم ایران در سال ۱۳۸۸ درهم شکسته شده و خامنه ای دیگر قادر به کنترل جدالهای درون هریم قدرت نیست، احمدی نژاد در بی سابقه ترین موضع گیری در طول حیات جمهوری اسلامی، این تضاد را به رخ او کشاند و از «انتخاب مستقیم» خود در مقابل «انتخاب با واسطه» ولی فقیه سخن گفت. در این که احمدی نژاد در هر دو دوره به خاطر پشتیبانی خامنه ای و نهاد های نظامی-امنیتی تحت امر ولی فقیه از صندوق رای خارج شد، تردیدی وجود ندارد، اما شدت و حدت گرفتن تضادهای درون جامعه و به ویژه خیزشهای مردم ایران در سال ۱۳۸۸، شرایط را برای چنین عرض اندام بی سابقه ای که هیچگاه در دوران ریاست خامنه ای، رفسنجانی و خاتمی دیده و شنیده نشده، به وجود آورده است.

علی اکبر هاشمی رفسنجانی در ۴ دی ۱۳۹۱ خواستار برگزاری «انتخاباتی آزاد، شفاف و قانونی» و «بازگشت به تعادل و پرهیز از حذف دلسوزان و وفاداران به انقلاب و قانون اساسی» شد. وی در ۳ بهمن ۱۳۹۱ نیز دمکراسی را «نتیجه گسترش آگاهیها و انفجار اطلاعات و سرنوشت قطعی جوامع امروزی» دانست. در تقابل با این دیدگاه، علی خامنه‌ای در ۱۹ دی ۱۳۹۱ گفت: «آن کسانی که راجع به انتخابات توصیه‌هایی می کنند، حواس شان باشد به دشمن کمک نکنند. هی نگویند انتخابات باید آزاد باشد».

کیهان شریعتمداری در شماره روز شنبه ۱۸ آذر در مقاله ای به نیابت از خامنه ای نوشت: «انقلابیون فرسوده در این برهه حساس قصد دارند با مهندسی هدفمند اوضاع کشور، فشار همه جانبه ای به رهبری» وارد کنند. وی هدف از افزایش چنین فشارهایی را «نوشیدن جام زهر، عقب نشینی و دست کشیدن از مواضع انقلابی» از سوی خامنه‌ای و موافقت با آغاز مذاکره با آمریکا اعلام کرده است.

خامنه ای با مهندسی «ریل گذاری جدید» برای نظام ولایت فقیه، هر تصویر و تلاش برای «تبدیل ولایت به شرکت سهامی» را بر نمی تابد و تا آنجا که قدرت داشته باشد، با آن مبارزه می کند. خراطی کردن لایه بالایی رژیم، نظامی امنیتی کردن ارگانهای قدرت و برگماری افراد گوش به فرمان و کوتوله های سیاسی در نهادهای نظام، یک سیاست راهبردی و غیرقابل

تغییر برای تضمین امنیت سلطنت مطلقه خامنه ای و برای مهار تضاد قدرت واقعی و قدرت حقوقی به سود قدرت واقعی خودش است.

خامنه ای روز یکشنبه ۲۴ مهر ۱۳۹۰ در یک سخنرانی گفت: «در شرایط فعلی، نظام سیاسی کشور ریاستی است و رئیس جمهور با انتخاب مستقیم مردم برگزیده می شود که شیوه خوب و موثری است، اما اگر روزی در آینده احتمالاً دور، احساس شود که نظام پارلمانی برای انتخاب مسئولان قوه مجریه بهتر است، هیچ اشکالی در تغییر ساز و کار فعلی وجود ندارد». اگر خامنه ای بتواند چنین گامی در جهت حذف انتخابی بودن دومین مقام در جمهوری اسلامی بردارد - که بسیار بعید است - این یک گام اساسی در جهت حل تضاد موجود در جمهوری اسلامی، یعنی تضاد قدرت حقیقی و قدرت حقوقی و در مسیر تبدیل جمهوری اسلامی به «حکومت عدل اسلامی» است. به نظر می رسد که ولی فقیه نظام ضعیف تر از آن است که بتواند چنین گام سخت و دشواری را بردارد و برای همین است که قادر به مهار تضادهای درون هرم قدرت نیست.

روز چهارشنبه ۱۰ آبان ۱۳۹۱ خامنه ای گفت: «از امروز تا روز انتخابات، هرکسی که بخواهد اختلافها را به میان مردم بکشد و از احساسات آنها در جهت اختلافات استفاده کند، قطعاً به کشور خیانت کرده است». پس از ۳۶ ساعت و در پایان روز پنجشنبه، احمدی نژاد در نامه ای طلبکارانه نه خطاب به علی خامنه ای نوشت؛ اطمینان دارد که رهبر جمهوری اسلامی «پاسدار» قانون اساسی بوده و با «مخدوش» کردن اختیارات رئیس جمهوری مخالف است. وی همچنین در این نامه از رئیس جمهوری با عنوان «بالاترین مقام در جمهوری اسلامی پس از مقام رهبری» یاد کرده و با جمله معنی داری نوشت؛ اطمینان دارد که علی خامنه ای بر «صیانت از جایگاه رفیع رییس جمهوری منتخب ملت» تاکید دارد. احمدی نژاد همچنین در روز یکشنبه ۱۵ بهمن ۱۳۹۱ با به سخره گرفتن جایگاه مجلس، به افشاگری علیه برادران لاریجانی پرداخت و در مقابل، علی لاریجانی، رئیس مجلس، رفتار احمدی نژاد را مافیایی و توطئه آمیز دانست. بدین ترتیب در یکشنبه سیاه خامنه ای، روسای دو قوه رژیم در ردیف اول خیانتکاران قرار گرفتند.

برای ترمیم همین موقعیت از دست رفته است که مزد بگیران دربار خامنه ای در نظریه پردازیهای پوچ و ابلهانه خود مقام او و جایگاه ولی فقیه را در حد پیامبر مسلمان تعریف می کنند. برای مثال روز یکشنبه ۱۱ تیر ۱۳۹۱ آخوند محمد تقی مصباح یزدی در مورد خامنه ای گفت: «همانند مقام معظم رهبری به هیچ عنوان نمی توان بر روی زمین و آسمانها پیدا کرد چرا که ایشان نمونه برجسته ای از ائمه اطهار(ع) و اجدادشان است». در همین حال مصباح یزدی در ادامه صحبتهايش که خبرگزاری فارس آن را بازتاب داده، از منفرد بودن ولی فقیه شکوه و شکایت می کند و می گوید: «جای تاسف است که چرا هنوز نتوانستیم امام را بشناسیم و یا نتوانستیم جانشین امام (ره)، مقام معظم رهبری را به درستی درک کرده و بشناسیم». یکی دیگر از آخوندهای سرسپرده خامنه ای در منصب امام جمعه موقت تهران در مصاحبه با پاسدار اسلام می گوید: «امام زمان را در حال دعا گویی برای رهبر دیده اند». آخوند کاظم صدیقی اضافه می کند که: «آقای خامنه ای گوهر پاکی است... به همین دلیل مکرر خدمت حضرت تشریف داشته است، ولی نشناخته.»

۳: سومین چالش برای نظام حاکم بر ایران، تضاد با جامعه جهانی و سیستم جهانی امپریالیستی و مناسبات نو-لیبرالیستی حاکم بر جهان است. قدرت سیاسی در ایران بنا به خصلت سیاسی و ایدئولوژیک آن در تناقض با روندهای جهانی قرار دارد. همسوییهای نظام حاکم بر ایران با قدرتهای جهانی در شرایط جنگی و همسویی با جنگ طلبان اسرائیل، در این واقعیت که سیستم نا به هنگام جمهوری اسلامی نمی تواند به یک اندام ارگانیک نظام جهانی تبدیل شود، تغییری نمی دهد. گرچه طی سالهای حیات رژیم ایران، کشورهای امپریالیستی به اشکال مختلف به این رژیم کمک و یاری رسانده اند و اگر امروز رژیم می تواند به شبکه های مجازی یورش برده و به پیشرفته ترین تکنولوژیها برای کنترل و سرکوبی مبارزه مردم دست پیدا کند، به خاطر کمکهای بیدریغ کشورها و کمپانیهای بزرگ غربی بوده است. بدون دانش و پشتیبانی لجستیکی آنها، امکانات و تواناییهای رژیم ایران به هیچ وجه اجازه گسترش سرکوب در فضای حقیقی و مجازی در این سطح را نمی داد.

سایر کمکهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به رژیم ایران نیز به همین گونه علیه مبارزه و مقاومت مردم ایران عمل کرده است. کافی است در گنجاندن نام سازمان مجاهدین خلق ایران در لیست تروریستی ایالات متحد آمریکا و اتحادیه اروپا تامل کنیم که فقط و فقط برای خوش آیند استبداد مذهبی حاکم بر ایران صورت گرفت. دولتهای اروپایی و دولت آمریکا به ناچار و فقط به علت احکام دهها دادگاه در اروپا و آمریکا تن به لغو این نامگذاری غیرعادلانه و مماشانگرانه دادند.

رژیم ایران با استفاده از سیاست مماشات و شرایط ویژه ای که جنگ اشغالگرانه آمریکا در عراق برای آن فراهم آورده، به سیاستهای مخرب و ماجراجویانه خود ادامه داده و می دهد. این سیاستها در شرایط کنونی به مرز تحمل طرفهای خارجی رژیم نزدیک شده و از این رو است که فشار و اعمال تحریم، هرچند به صورت محدود، بر رژیم ایران افزایش پیدا کرده است. مساله اصلی برای کشورهای غربی، دستیابی رژیم ایران به سلاح اتمی و توسعه تروریسم و بنیاد گرایی اسلامی در خارج از مرزهای ایران است. اساس تحریمها بر خواست دست برداشتن رژیم از ساخت سلاح اتمی قرار دارد.

هدف این فشارها و تحریمها - همان گونه که سران کشورهای ۵+۱ تاکنون اعلام کرده اند- نه «تغییر رژیم» که «تغییر رفتار» آن است. تغییر رفتار به معنی دست برداشتن از سلاح اتمی، دست برداشتن از راهبرد هژمونی طلبانه در کشورهایی که اکثریت شهروندان آن مسلمان هستند و به ویژه در عراق، سوریه و لبنان، پایان دادن به سیاست صدور تروریسم و بنیاد گرایی اسلامی و قطع عملیات تروریستی در گوشه و کنار جهان است.

خامنه ای، عصر سه شنبه ۳ مرداد ۱۳۹۱ در دیدار با مسئولان رژیم گفت: «ما نه تنها در محاسبات خود تجدید نظر نمی کنیم، بلکه با اطمینان بیشتر به راه مورد نظر ملت ادامه می دهیم». وی به تاثیر تحریمها اعتراف کرد و گفت: «فشارهای روزافزون و پیچیده» کشورهای غربی «واقعیتی است که نباید نادیده گرفته شود». ولی فقیه به دوره ریاست خاتمی بدون بردن نام او پرداخت و گفت: «در آن دوره ای که ادبیات مسئولان ما آمیخته به تملق گویی از غرب و آمریکا شد، در آن دوره به واسطه همراهی با غربیها و عقب نشینی هایی که انجام گرفت، آنها آن قدر جلو آمدند که من مجبور شدم شخصاً وارد میدان شوم.»

مدتی بعد خامنه ای در روز چهارشنبه ۱۹ مهر ۱۳۹۱ در بجنورد گفت: «امروز دشمنان ما، رادیوها و بعضیها هم با اینها همراه می شوند و مساله تحریم را بزرگ می کنند. تحریم مال امروز و دیروز نیست. از اوایل وجود داشته است ولی آن را تشدید کرده اند... وانمود می کنند که اگر ملت ایران از انرژی هسته ای دست بردارد تحریمها برداشته می شود؛ دروغ می گویند». خامنه ای مساله تحریمها را «بزرگ» نمی داند، اما روزنامه جمهوری اسلامی در شماره دوشنبه ۲۲ آبان ۱۳۹۱ از حرفهای محمود احمدی نژاد که گفته بود قطعنامه های سازمان ملل «ورق پاره» است و «آن قدر علیه ما قطعنامه بدهند تا قطعنامه دانتان پاره شود» انتقاد کرده و این نوع سخن گفتن «درباره موضوعات حساس و مهم، علاوه بر نوع ادبیات آن که در خور جایگاه یک مقام رسمی نظام جمهوری اسلامی نیست» را «اصولاً کوچک شمردن واقعه ای» دانسته که «سرانجام به شرایط امروز منجر» شده است؛ شرایطی که برابری دلار با ریال «در مدت زمان کوتاهی حدود ۵ برابر افزایش» پیدا کرده و «قیمت تمام کالاها و خدمات را به دنبال خود بالا می برد و گرانی سرسام آوری بر مردم تحمیل می کند که عوارض آن اکنون گریبان همه را گرفته است». چنین اعتراف آشکار به تاثیر تحریمها که مسئول اول آن ولی فقیه و ماجراجوییهایش است، نشان می دهد سیاستی که خامنه آن را بر خلاف منافع مردم ادامه می دهد، در درون هر م قدرت نیز مخالفان جدی دارد.

چندی پیش سایت «شبکه خبر» صدا و سیما نتایج یک نظرسنجی که در آن اکثر کاربران با تعلیق غنی سازی موافقت کرده بودند را منتشر کرد.

این سایت سه گزینه زیر را به نظر خواهی گذاشته بود:

۱- چشم پوشی از غنی سازی در مقابل لغو تدریجی تحریمها

۲- اقدام تلافی جویانه ایران در بستن تنگه هرمز

۳- مقاومت در برابر تحریمهای یک جانبه برای حفظ حقوق هسته ای

شمار رای دهندگان به گزینه اول از همان لحظات اول رو به افزایش بود و وقتی به ۶۳ درصد رسید، نظرسنجی مزبور از سایت وابسته به صدا و سیما حذف شد.

جالب اینجاست که در نظرسنجی دیگری که در سایت شبکه خبر صدا و سیما جایگزین نظرسنجی درباره تعلیق غنی سازی شد، در ساعت اول، ۸۹ درصد از شرکت کنندگان با طرح برخی از نمایندگان مجلس برای بستن تنگه هرمز اعلام مخالفت کردند.

امروز دیگر همگان می دانند که ادعای مستقل شدن در انرژی و دستیابی به تکنولوژی اتمی بهانه ای برای دستیابی به جنگ افزار اتمی است. ما بارها خواستار توقف کامل تمامی عملیات و اقدامات رژیم ایران در زمینه اتمی شده ایم و گرچه بنا به دلایل گوناگون اقتصادی و زیست محیطی مخالف استفاده از انرژی اتمی هستیم، اما معتقدیم که مردم ایران در یک شرایط دمکراتیک و با امکان توجه به طرح آزادانه نظرات کارشناسانه باید در مورد استفاده و یا عدم استفاده از انرژی اتمی تصمیم گیری کنند.

در مقابل و از نگاه خامنه ای و مشاوران او، تن دادن به این خواسته ها به معنی خلع سلاح شدن و از دست دادن ابزارهای موثر برای قدرت نمایی است. چندی پیش علی لاریجانی گفت که کشورهای غربی هژمونی ما در منطقه را می پذیرند بدون آنکه قبول کنند که ابزار آن را داشته باشیم. (نقل به مضمون)

در یک کلام، موجودیت نا به هنگام نظام حاکم بر ایران، باوجود منافع کلانی که برای دو طرف داشته، در تناقض با روندهای موجود در جهان کنونی است.

۴: اساسی ترین و عمده ترین تضاد و چالش در جامعه ایران، تضاد بین رژیم حاکم و توده های مردم است. برای جمهوری اسلامی هر ماهیت طبقاتی و هر خصلت سیاسی قایل باشیم، در این واقعیت که قانون اصلی ستیز در جامعه ایران، تقابل آشتی ناپذیر بین مردم و رژیم حاکم است هیچ تغییری نمی دهد. به گمان ما این قانون ستیز از نظر سیاسی بین مردم و استبداد مذهبی ولایت فقیه است.

استبداد مذهبی حاکم بر ایران مانع عمده در راه بهبود زندگی مردم و تحقق توسعه پایدار است.

بحران کمرشکن اقتصادی باعث گسترش بیکاری و گرانی شده است. پائین بودن سطح دستمزد، تعرض به سطح زندگی و معیشت کارگران و مزدبگیران و گران شدن تصاعدی کالاهای اولیه بخش زیادی از نیروهای کار را به زیر خط فقر برده و سفره کارگران و مزدبگیران را خالی تر کرده است. افزایش نقدینگی، رشد سرسام آور تورم و تعطیل شدن بسیاری از واحدهای تولیدی در عرصه های صنعتی و کشاورزی، اقتصاد کشور را به وضعیت فاجعه بار کشانده است. در همین حال، کیفیت و سطح زندگی در عرصه اجتماعی و زیرساختارهای آن نیز روز به روز در حال سقوط عمیق تر است. نمونه های بارز این وضعیت را می توان در واقعیتهای زیر به خوبی مشاهده کرد:

-سالانه ۴۵ هزار ایرانی قربانی هوای آلوده می شوند،

-نرخ سوانح رانندگی در ایران ۲۰ برابر میانگین جهانی است، در هر ۱۹ دقیقه یک نفر در جاده ها جان می سپارد و سالانه ۲۸

هزار ایرانی در سوانح رانندگی کشته و ۳۰۰ هزار تن زخمی و یا نقص عضو می شوند

-از کل جمعیت ایران حدود ۱۰ میلیون ایرانی به طور مستقیم معتاد بوده و سالانه ۳ هزار و ۶۵۰ تن تنها بر اثر سو مصرف مواد در کشور جان خود را از دست می دهند

-سالانه ۲ هزار و ۶۳۵ ایرانی بر اثر سوختگی می میرند

بر اساس آمار دستکاری شده حکومتی، سالانه ۳ هزار و ۳۶۵ تن در ایران خودکشی می کنند - سالانه ۳۰ هزار ایرانی به دلیل ابتلا به بیماری سرطان جان می سپارند - سن ابتلای ایرانیها به سگته مغزی ۱۰ سال کمتر از متوسط جهانی است و در شهری مانند تهران که حدود ۱۲ میلیون جمعیت دارد، روزانه ۱۵۰ تا ۲۰۰ مورد سگته مغزی رخ می دهد که کمتر از ۱۵ درصد بیماران مراجعه به موقع به پزشک دارند

...و

در حالی که مردم در چنین وضعیت بحرانی زندگی می کنند، حکومت ایران میلیاردها دلار صرف پروژه اتمی و صدور بنیادگرایی می کند. حسن نصرالله، سرکرده حزب الله لبنان، اعلام می کند که: «عمده کمکه‌های ارائه شده برای بازسازی لبنان، از سوی جمهوری اسلامی ایران ارائه شده است.»

رژیم حاکم بر کشور به جای تامین اولیه ترین نیازهای مردم، میلیاردها دلار صرف پروژه اتمی و صدور بنیادگرایی می کند. خامنه ای برای حفظ ولایتش جز سرکوب مردم، دستیابی به سلاح اتمی و صدور تروریسم و بنیادگرایی هیچ سیاست کاربردی دیگری ندارد.

رژیم حاکم بر بحران کنونی را بر دوش مردم ستمدیده کشور ما گذاشته است. در حالی که طی ۳۲ سال گذشته ما شاهد کشتارهای هولناک و پیگردهای بربرمنشانه که مایه ننگ بشریت است بوده ایم، در سه سال اخیر سرکوبی و جنایت ابعاد گسترده تری پیدا کرده است.

برای ولایت فقیه هر رویدادی که ذره ای از نارضایتی اجتماعی بتواند در آن برآمد داشته باشد، به مثابه یک امر امنیتی تلقی می شود.

خامنه ای در نماز عید فطر در روز چهارشنبه ۹ شهریور ۱۳۹۰ در مورد نمایش انتخابات مجلس به چالش امنیتی رژیم پرداخت و گفت: «به علت حوادث جاری در منطقه، مقطع مهمی از تاریخ جهان در حال شکل گیری است و ملت و مسئولان در این شرایط بسیار حساس، باید کاملاً هوشیار باشند و اجازه ندهند در این مقطع تعیین کننده تاریخ، اختلاف و کدورت، مانع از ایفای وظایف بزرگ ملت ایران و نظام اسلامی شود... مسئولان مختلف، منبر داران و فعالان سیاسی و همه کسانی که می توانند با مردم حرف بزنند، باید از انتخابات به عنوان نعمتی الهی پاسداری کنند و هوشیارانه مراقب چالشهای ضدامنیتی و تلاشهای دشمنان باشند.»

این شرایط را چگونه باید تعریف کرد؟

۵: جنگ اشغالگرانه آمریکا در عراق، برای خامنه ای یک فرصت بی نظیر ایجاد کرد تا بتواند سیاست راهبردی که خمینی نتوانسته بود با شعار «فتح قدس از راه کربلا» به آن دست یابد را پیگیری کند. خامنه ای چند سیاست کاربردی همزمان را در دستور کار قرار داد، همکاری پنهانی با آمریکا، نفوذ گسترده در عراق، تقویت حزب الله لبنان، ترغیب آمریکا به نابودی سازمان مجاهدین خلق، یکدست سازی حاکمیت، تلاش برای ساخت سلاح اتمی و سرانجام نظامی-امنیتی کردن ارکان قدرت. ولی فقیه بر اساس راهبرد «ریل گذاری جدید در ولایت»، احمدی نژاد را مناسب ترین فرد تشخیص داد و در سال ۱۳۸۴ در یک شعبده بازی غیر حرفه ای او را از صندوقهای رای خارج کرد. دوره اول ریاست احمدی نژاد بر قوه مجریه و سیاست بی دنده و ترمز او آن چنان ولی فقیه را به وجد آورد که یکسال مانده به پایان دوره ریاست جمهوری، خامنه ای آشکارا به احمدی نژاد اعلام کرد که برای ۵ سال آینده برنامه ریزی کند. ولی فقیه مصمم بود که با استفاده از سپاه، بسیج و نهادهای امنیتی برای بار دوم در یک نمایش «لوکس» همراه با «مناظره» غرب پسند، احمدی نژاد را ابقا کند و چنین کرد.

اما مردم با قیامهای خود شعبده بازی که قرار بود مثل خار در چشم دشمنان ولایت فرو رود را به ضد خود تبدیل کردند و کاخ سلطان و پایه های استبداد مذهبی و سلطنت مطلقه خامنه ای را به لرزه درآوردند. آنها با فریاد «مرگ بر دیکتاتور»، «مرگ بر خامنه ای»، اقتدار ولی فقیه را به سخره گرفتند.

این خیزشها یکبار دیگر ثابت کرد که گرانیگاه تحول و کانون اصلی ستیز در جامعه ما بین مردم و قدرت حاکم است. قیامهای مردم برخلاف دیدگاه سازشکاران و فرصت طلبان که با کلی گوییهای فضل فروشانه، کانون هر تغییر و تحولی را در درون نظام ولایت فقیه جستجو می کنند و ظرفیت انفجاری جامعه را با عوامفریبی و یا خودفریبی به هیچ می گیرند، نشان داد که نه رژیم ولایت فقیه ظرفیت تحول پذیری از درون دارد و نه مردم ایران به لاف و گزافه های کسانی که از سر حقارت و یا به علت نادانی به درونمایه اساسی صف بندی جامعه توجه ندارند، اهمیت می دهند.

روز ۶ دی ۱۳۸۸ (روز عاشورا) قیام به اوج خود رسید و رژیم از نظر عینی در آستانه سرنگونی قرار گرفت. در این نقطه که خطر فروپاشی رژیم خود را نشان داد، اصلاح طلبان حکومتی از ترس جنبش اجتماعی مردم به دامان نظام پناه بردند. خامنه ای با آگاهی دقیق به این واقعیت بود که تصمیم گرفت تا از تمامی ظرفیت سرکوبگری استفاده کرده و با بهره گیری از تزلزل سخیفانه در جبهه اصلاح طلبانی که از حاکمیت حذف شده اند، قیامهای مردم را مهار کند. در ۲۲ بهمن سال ۱۳۸۸ که ساده اندیشان در رویای «اسب تراوا» برای گرفتن صحنه از دست طرفداران محدود اما مسلح و وحشی ولی فقیه بودند، رژیم توانست با بسیج نظامی حداکثری، جنبش مردم را مهار کند. اما جنبش سر بازایستادن نداشت و به اشکال مختلف و منجمله با حرکات اعتراضی کارگران و مزدبگیران، با حرکتهای دانشجویان و با اعتراضهای پراکنده اما مداوم توده ای ادامه یافت. پس از شعله ور شدن قیامهای موسوم به بهار عرب، ما شاهد چهار خیزش گسترده در چهار سه شنبه ماه بهمن و اسفند سال ۱۳۸۹ بودیم. خامنه ای با سرکوب بی محابای قیام کنندگان، با حصر خانگی موسوی و کروبی و در فقدان سازمان قیام توانست خیزشهای مردم را مهار کرده و یک تعادل ناپایدار بین مردم و نیروهای سرکوبگر را شکل دهد.

۶: پس از آن تا کنون همچنان که در ابتدا گفته شد، صدها حرکت اعتراضی توسط مردم و به ویژه کارگران و مزدبگیران صورت گرفته که نشان می دهد این تعادل نسبی شکننده بوده و به یک تعادل پایدار به سود ولی فقیه چرخش نکرده است. خامنه ای و نیروهای سرکوبی او به این واقعیت آگاه بوده و برای همین است که روزانه در مورد خطر «فتنه» و «بالا تر از فتنه» هشدار می دهند.

. محمدرضا نقدی، سرکرده بسیج، با هشدار نسبت به «فتنه های پیچیده پیش روی ملت ایران» گفت: «ملت عزیز ما باید بسیار هشیار باشند و بسیجیان عزیز نیز به دقت حوادث را رصد کنند، چرا که فتنه هایی که در آینده پیش روی ماست، پیچیده تر است و باید بدانیم آخرین فتنه آخرالزمان شبیه ترین آن ها به حقیقت است و پیچیدگی آن حتی با فتنه عمیق ۸۸ هم قابل قیاس نیست... باید بدانیم جنس فتنه های بعدی با آنچه در فتنه ۸۸ دیدیم، متفاوت خواهد بود.» (خبرگزاری ایسنا، ۳۱ فروردین ۹۱)

. سید محمد سعیدی، امام جمعه قم در خطبه های نماز جمعه هشدار داد: «مراقب شکل گیری فتنه جدید در کشور باشید.» وی افزود: «وقتی توطئه ای همچون فتنه منافقین که از سوی عده ای بی نماز و روزه خوار صورت گرفت موثر واقع نشد، ممکن است فتنه دیگری از سوی افراد نماز خوان و روزه گیر و موجود در نیروهای خودی شکل گیرد.» (خبرگزاری مهر، ۱۶ اردیبهشت ۹۱)

. احمد سالک، مقام امنیتی بیت خامنه ای سالک با بیان اینکه سناریویی فراتر از فتنه سال ۸۸ در راه است، اظهار داشت: «باید همه مراقب باشیم چرا که فتنه ای جدید از درون در حال جوشیدن است ولی با تدبیر رهبری و پشتیبانی مردم خنثی خواهد شد.» (رویش، ۱۷ مهر ۹۱)

. حجت الاسلام روح الله بجانی، مسئول انصار حزب الله تبریز در جمع بسیجیان شهرستان مرند با اشاره به «فتنه در پیش رو» گفت: «دشمنان خارجی و در راس آن شیطان اکبر "آمریکا و اسرائیل" در آسیب شناسی کودتای نرم و برانداز ناکام خود در

فتنه ۸۸ به این نتیجه رسیدند که یکی از غفلت های دشمن این بود که طبقه بالای متوسط را رو در روی نظام قرار دادند و نتوانستند موفق شوند. آنان برای فتنه خود در سال ۹۲، از سال ۹۰ توطئه اقتصادی را طراحی کردند و در این مرحله از فتنه به دنبال رو در رو قرار دادن قشر زیر متوسط در برابر نظام اسلامی هستند. فتنه جدید شروع شده است و فتنه گران داخلی به آرامی فتنه انگیزی می کنند. بنده به صراحت در روشنگری امروز اعلام می کنم که هر مسئولی با کوتاهی عمدی و غیر عمدی اش، با غنیمت خواری اش موجب موفق تر شدن دشمنان در این فتنه گردند، لکه ننگ ابدی تاریخ اسلام خواهد شد.» (عمار یون، ۲ آبان ۹۱)

. حجت الاسلام محمدرضا تویسرکانی، مسئول نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج، تاکید کرد: «باید برای رویارویی با فتنه جدیدی که پیش از انتخابات ریاست جمهوری کلید خواهد خورد، آماده باشیم.» (صراط، ۱۰ دی ۹۱)

. نقوی حسینی، سخنگوی کمیسیون امنیت مجلس گفت: «فتنه جدیدی در سال ۹۲ مشابه یا فزاینده تر از فتنه ۸۸ در ایران در راه است... بله چنین فتنه ای در راه است و برای آن در حال برنامه ریزی هستند.» (خبرگزاری فارس، ۱۱ دی ۹۱)

. عباس سلیمی نمین، یک کارگزار حکومتی، در حاشیه همایش تجلی بصیرت در کاشان تاکید کرد: «نمی توان تصور کرد حرکت حماسی ۹ دی مردم به تمام اقدامات آتی دشمن پایان داده، بلکه امکان بروز فتنه هایی جدید با ابعاد متفاوت وجود داشته که این امر هوشیاری ملت را می طلبد.» (خبرگزاری فارس، ۱۱ دی ۹۱)

. نماینده ولی فقیه در سپاه، حجت الاسلام سعیدی با اشاره به این که دشمن با تمرکز بر فشار و تحریم در حال ایجاد فتنه جدیدی است، تاکید کرد: «فتنه آینده، فتنه ای ترکیبی است که مقابله با آن هوشیاری مردم را می طلبد. فتنه جدید برخلاف فتنه قبلی، محور اصلی آن نظام سلطه و سپس ضد انقلاب وطنی خارج نشین و داخل نشین و نیز برخی قدرت طلبانی که در فتنه قبل پشت صحنه در حال برنامه ریزی بودند، می باشد و در فتنه آینده همه آنها دست بکار خواهند شد تا آشوبی جدیدی را ایجاد کنند و این مهم هوشیاری بیش از گذشته مردم را می طلبد.» (خبرگزاری ایسنا، ۱۳ دی)

. پاسدار رحیم صفوی، دستیار و مشاور عالی خامنه ای «از احتمال فتنه انگیزی جدید از سوی برخی داخلیها» خبر داد. وی با بیان اینکه «اگر خطری متوجه نظام شود، برای شکستن توطئه دشمنان به میدان می آییم»، اظهار داشت: «ممکن است برخی داخلیها بخواهند فتنه جدیدی را سامان دهند.» (خبرگزاری تسنیم، ۲۱ بهمن ۹۱)

. و بالاخره خامنه ای که کابوس «فتنه» او را رها نمی کند، در روز چهارشنبه ۱۹ مهر ۱۳۹۱ در بجنورد گفت: «دو ساعت، سه ساعت یک عده ای در دو خیابان تهران می آیند و چند سطل زباله را آتش می زنند. آنها آن طرف دنیا ابراز خوشحال می کنند که شلوغ شد... در تهران یک عده ای به نام بازاری وارد خیابان شدند که اغتشاش کنند که فوراً بازاریها اطلاعیه دادند.» «یک عده» که ولی فقیه برای تحقیر جنبش مردم از آن یاد می کند، تظاهرات چند ده هزار تن از مردم تهران در روز چهارشنبه ۱۲ مهر ۱۳۹۱ در خیابانهای مرکزی تهران است.

مبارزه همین «عده» ها که اکنون دیگر به طور روزمره ادامه دارد، منجر به تشدید هرچه بیشتر تضادهای درونی هرم قدرت شده و نیروهای هرچه بیشتری از حکومت را در مقابل هم قرار می دهد. «فتنه»، «ساکتین فتنه»، «خواص بی بصیرت»، «انحراف» و... القابست که ولی فقیه برای خفه کردن رقبای درون و پیرامون حاکمیت در دهان سرسپردگان خود می گذارد. مهمترین عرصه تقابل در درون و پیرامون هرم قدرت که هدف آن مشارکت در ولایت است، انتخابات آتی ریاست جمهوری و به بیان درست تر، انتخاب یک گماشته گوش به فرمان تر از احمدی نژاد برای ولی فقیه است. از هم اکنون روشن است که رژیم بحران زده حاکم با این شعبده بازی فرمایشی نمی تواند بر بحران و بن بست خود غلبه کند و مردم ایران نیز این نمایش انتخاباتی را به سُخره خواهند گرفت.

روز چهارشنبه ۲۰ دی ۱۳۹۱ علی سعیدی، نماینده خامنه ای در سپاه، طی یک سخنرانی در اصفهان گفت: «ایران نقش مهمی در ظهور امام زمان دارد... و... در انتخابات باید درست به هدف زد و فردی را انتخاب نمود که دقیقاً در راستای امام زمان حرکت کند، نه این که نظام را به انفعال بکشاند... باید در صندوقهای رای کسی را انتخاب کنیم که قدرت ایستادگی داشته باشد.» (خبرگزاری حکومتی مهر وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی)

تضادها و چالشهای درون قدرت، کشاکشهای حاکمیت با جامعه جهانی و مهمتر از همه خشم، نفرت و فریاد اعتراض مردم نشان می دهد که ولی فقیه نتوانسته بحران غیرقانونی را مهار کند. فقدان قیامهای گسترده خیابانی دلیل پایان یافتن بحران غیر قانونی نیست. این بحران ادامه داشته و در ابعاد کلان تعمیق پیدا کرده است. گرچه ما شاهد جنبشهای اجتماعی در ابعاد کلان نیستیم و بخشهایی از جامعه از خیابان عقب نشینی کرده اند، اما رژیم پیروز نشده است. توده ها هنوز در تب و تاب تغییر هستند و چون آتش زیر خاکستر در کمین فرصت مناسب هستند و ولی فقیه و کارگزارانش به طور مداوم از خطر «فتنه» و «انحراف» دم می زنند.

این است تعریف ما از شرایط کنونی. اما قبل از آن که به وظایف خود بپردازیم، گذاری بر بخشی از رویدادهای خاورمیانه و جهان می کنیم.

بهار عرب، سقوط دیکتاتورها، ادامه انقلاب و چالشهای جدید

۷: روز ۱۷ دسامبر سال ۲۰۱۰ (۲۶ آذر ۱۳۸۹)، محمد بوعزیز، جوان ۲۶ ساله تونسی در اعتراض به تعرض پلیس بن علی، خود را به آتش کشید و شعله های برافروخته شده از گوشت و پوست و استخوان او به خرمن خشم و نفرت مردم تونس جرقه زد و دیری نپائید که زنان و مردان تونسی و به ویژه جوانان با انقلاب یاسمین، رژیم بن علی را سرنگون و گام اول برای تحقق خواسته های خود را پشت سر گذاشتند.



پس از آن، دیکتاتوری حسنی مبارک با قیامهای مردم مصر و در کانون آن، تحصن شبانه روزی میدان التحریر سرنگون شد. آلن باديو در لوموند ۱۹ فوریه ۲۰۱۱ پیرامون قیامهای مردم مصر و تونس نوشت: «آری، ما باید شاگردان این جنبشها باشیم، نه استادانی ابله برای آنها. چون آنها، با نبوغ ویژه یی که در نوآوریهایشان نهفته است، فصولی چند از سیاست را احیا کرده اند که مدتهاست به گوش ما خوانده می شود که دیگر اعتباری ندارند. به ویژه این اصل را که «مارا» مدام گوشزد می کرد: در زمینه آزادی، برابری، رهایی، ما همه چیز را مدیون قیام مردمی هستیم.» (تونس، مصر: وقتی باد شرق گستاخی غرب را جارو می کند/ قیامهای مردم عرب یک الگو برای رهایی اند- آلن باديو، ترجمه منوچهر هزارخانی - نبرد خلق شماره ۳۰۹)

قیام مردم لیبی و به ویژه خیزش مردم بنغازی که منجر به آزاد سازی این شهر شد، در ادامه خود و با دخالت نظامی ناتو سقوط دیکتاتوری معمر قذافی را در پی داشت. رژیم علی عبدالله صالح، دیکتاتور یمن نیز سرانجام تسلیم اراده مردم شد و با عذرخواهی از رفتار سرکوبگرانه خود، کشور را ترک کرد.

قیامها، جنبشها و خیزشهای ضد دیکتاتوری در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا بر تمامی تحولات سیاسی جهان ما اثر گذاشته و مهمترین تاثیر جهانی آن فروپاشی نظم مبتنی بر تقسیم بندی پس از جنگ جهانی اول است.

۸: هم اکنون کانون اصلی تحولات منطقه در سوریه و در قیام پرشور و مداوم مردم علیه دیکتاتوری بشار اسد که از مارس ۲۰۱۱ شروع شد، قرار دارد. در فوریه ۲۰۱۱ که قیام مردم سوریه آغاز نشده و چهره جنایتکار بشار اسد هنوز ظاهر نشده بود، آلن باديو نوشت: «ما خواهان جنگ نیستیم، ولی از آن ترسی هم نداریم. در همه جا صحبت از آرامش مسالمت جویانه تظاهرات غول آساست. و این آرامش را با آرمان دموکراسی انتخابی مورد نظر جنبش در ارتباط دانسته اند. با این همه باید تصدیق کرد که در این میان صدها نفر هم کشته شده اند و باز هر روز کشته می شوند. در بسیاری از موارد این کشته ها، مبارزان و شهیدان ابتکار و بعد حفاظت از خود جنبش بوده اند. و در این میان چه کسی جز جوانان متعلق به محروم ترین لایه های مردم از هستی خود مایه گذاشته است؟ باید طبقات متوسطی که خانم آلیوماری گفته است نتیجه دموکراتیک مرحله کنونی به آنها و فقط به آنها بستگی دارد، به یاد بیاورند که در لحظه تعیین کننده، ادامه قیام تنها به برکت تعهد بی حد و مرز صفوف محرومان میسر شد. قهر تدافعی اجتناب ناپذیر است.» (همان جا)

چند ماه پس از آن که تظاهرات مسالمت آمیز مردم سوریه توسط بشار اسد به خون کشیده می شد، مردم سوریه به ناگزیر



دست به سلاح برده و با جدا شدن تدریجی بخشهای مهمی از ارتش بشار، این مبارزه ابعاد گسترده ای پیدا کرده است. رژیم بشار اسد حتی به پناهندگان فلسطینی نیز رحم نکرده و در مواردی اردوگاههای آنان را مورد تهاجم قرار داده است. مساله سوریه و آینده آن موقعیت ژئوپولیتیک خاورمیانه را دگرگون کرده است. این وضعیت سبب آن شده که بسیاری از کشورهای غربی با تردید و تزلزل به جنبش مردم سوریه نزدیک می شوند و این در حالی است که روسیه و رژیم ایران از رژیم بشار اسد به طور کامل حمایت می کنند. سقوط بشار اسد موقعیت ولایت خامنه ای را به کلی دگرگون خواهد کرد و هم از این زاویه است که خامنه ای در یک موضع گیری ننگین و ارتجاعی، حرکت انقلابی مردم سوریه را وابسته به غرب اعلام کرد.

در استراتژی دفاعی رژیم جمهوری اسلامی - آن گونه که سرکردگان رژیم بارها به روشنی بیان کرده اند، سوریه جزئی از عمق استراتژیک نظام ولایت فقیه است. بدون این عمق استراتژیک، خامنه ای قادر به استفاده بهینه از حزب الله در لبنان که یک تهدید بالفعل برای اسرائیل است، نخواهد بود. اخیراً ولایتی، مشاور بین المللی ولی فقیه، سوریه را «حلقه طلایی مقاومت» دانست و گفت: «سوریه نقش بسیار اساسی و کلیدی در منطقه برای این که سیاست مقاومت استوار پیش ببرد و یا خدای نکرده متزلزل شود، دارد. به همین دلیل حمله به سوریه، حمله به ایران و متحدین ایران محسوب می شود». (خبرگزاری مهر، وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی، شنبه ۷ بهمن ۱۳۹۱)

در برخورد به انقلاب مردم سوریه دو گرایش در ابعاد جهانی وجود دارد .

یک گرایش با وجود همه ی تهدیدها و چالشهای درون قیام و انقلاب سوریه، در مجموع خود را در جبهه ضد بشار اسد تعریف می کند

گرایش دیگر با توسل به موقعیت بشار اسد در مقابل اسرائیل و باوجود این که ارتفاعات جولان یکی از امن ترین نقاط مرزی اسرائیل طی چند دهه گذشته بوده و نیز با توجه به ترکیب نیروهای شرکت کننده در قیام، معتقد است که این جنبش ارتجاعی و نیابتی بوده و بنابراین باید ضمن حمایت از اصلاحات از سقوط بشار اسد جلوگیری کرد. این دیدگاه که متاسفانه بخشی از نیروهایی که خود را چپ تعریف می کنند از آن حمایت می کنند، در نظر و عمل از دیکتاتوری بشار اسد پشتیبانی می کند.

چالشها، تهدیدها و نگرانیها تا جایی مترقی است که از دیکتاتوری بشار اسد عبور کند. نفی مبارزه ضد دیکتاتوری با هر تحلیلی، در عمل قرار گرفتن در جبهه سرکوبگران مردم سوریه است.

همزمان با توسعه انقلاب سوریه، بخش قابل توجهی از مردم عراق علیه دیکتاتوری و انحصارطلبی نوری المالکی که با حمایت آمریکا و رژیم ایران قدرت را به انحصار خود درآورده، در یک سلسله حرکتهای اعتراضی خواستار سرنگونی این دولت هستند. تضاد بین دولت نوری المالکی با اقلیم کردستان نیز ابعاد جدیدی پیدا کرده است. برای رژیم ایران حفظ دولت کنونی در پیوند با حفظ بشار اسد قرار دارد .

پاسدار ناصر شعبانی، جانشین فرمانده دانشگاه امام حسین، این پیوند را این گونه برملا می کند: «اگر ما بتوانیم از این بحران عبور کنیم و تا آذر سال آینده وضع سوریه همین باشد و عراق با ثبات و ایران نیز این تحریمها را پشت سر بگذارد، من می گویم که ما در مهندسی ساختار قدرت در نظام بین الملل الهام بخشی داریم. اگر تا دو ماه دیگر وضعیت در ایران و سوریه و عراق همین گونه که حال است باشد، غرب ما را دعوت به همکاری می کند.» (روزنامه قانون، دوشنبه ۲۵ دی ۱۳۹۱)

۹: تحولات سیاسی در کشورهای عربی همچنان ادامه دارد و مردم کشورهای دیکتاتوری را سرنگون کردند، با چالشهای جدیدی روبرو شده اند.

در دومین سالگرد پیروزی مرحله اول انقلاب تونس، هزاران تونسی در روز دوشنبه ۱۴ ژانویه ۲۰۱۳ (۲۵ دی ۱۳۹۱) در مخالفت با ظهور مجدد دیکتاتوری دست به تظاهرات زدند. در این تظاهرات گسترده، نیروهای دمکراتیک و مترقی و مدافع دولت لائیک در مقابل وزارت داخلی در خیابان حبیب بورقیبه که ۲ سال پیش قیام گسترده مردم تونس در همین محل سقوط رژیم بن علی را میسر کرد، اجتماع کردند.

تظاهرکنندگان پلاکاردهایی با مضمونهای: «نه به ظهور مجدد دیکتاتوری»، «نه به دیکتاتوری مذهبی»، «نه ترس، نه وحشت، قدرت متعلق به مردم است»، در دست داشتند.

در مصر در دومین سالگرد سرنگونی حسنی مبارک چند صد هزار تن از مردم مصر در چندین شهر به شمول؛ قاهره، اسکندریه، سوئز و... علیه دولت موریسی دست به تظاهرات زدند. در این تظاهرات شعار «مردم سرنگونی رژیم را می خواهند» این بار علیه دولت جدید مصر و جریان اخوان المسلمین سر داده شد.

به گزارش العربیه، معترضان خواستار استعفای دولت هشام قنديل، نخست وزیر مصر، تعديل مواد بحث برانگيز قانون اساسی و نیز کنترل قيمتها شدند.

پلیس مصر در میدان تحریر قاهره با معترضان درگیر شد. در روز جمعه ۶ بهمن (۲۵ ژانویه روز سقوط مبارک) به دنبال درگیری شدید بین مردم به ویژه کارگران و زحمتکشان، نیروهای امنیتی و انتظامی ۹ تن را در سوئز کشتند و از روز بعد ارتش مصر پس از ناتوانی نیروهای امنیتی و انتظامی در مهار تظاهرات، نیروهای خود را در این شهر مستقر کرد.

۱۰: تحولات کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، همچنان که در ایران، سه جریان اجتماعی مداخله می کنند. این ویژگی خاص کشورهای این بخش از جهان است که از یک طرف حاکمیت آن استبدادی است و از طرف دیگر، نیروهای بنیادگرا و افراطی مذهبی در آن پایگاه اجتماعی دارند.

جریان اول نیروهای وابسته و یا طرفدار نظام جهانی امپریالیستی است. برای این جریانها ادغام در نظام نو-لیبرالیسم جهانی هدف نهایی است.

جریان دوم نیروهای بنیادگرا و افراطی اسلامی است که از ادغام کامل دین و دولت دفاع می کنند. این جریانها ضمن شراکت نسبی در مبارزه ضد دیکتاتوری می کوشند تا بیشترین سود از آن را نصیب خود کنند.

جریان سوم نیروهای دمکراتیک، ترقیخواه، لائیک و چپ تحول خواه و پیشرو است.

در مقاطع مختلف مبارزه و در پروسه رشد مبارزه علیه دیکتاتوری و بعد از سقوط دیکتاتورها این سه جریان همزمان با کشاکشهای خود، دارای همسوییهای با هم می شوند. برای مثال در مصر که دیکتاتوری مبارک خود وابسته به امپریالیسم بود، در ابتدا جریانهای دوم و سوم با هم همسو و در کنار هم بودند. پس از آن که رژیم مبارک قادر به کنترل و مهار قیام مردم مصر نشد و با ورود ارتش به عرصه تحول و مداخله برای برکناری مبارک، در عمل هر سه جریان همسو شدند. سقوط مبارک و گذار انقلاب از مرحله سرنگونی به دوران پس از آن، این سه جریان را از هم تفکیک کرد. با قدرت گیری جریانات اسلامی (اخوان المسلمین و سلفیها) و صعود نسبی آنها در پروسه انتخابات مجلس قانون گذاری و ریاست جمهوری، نیروهای گروه اول و دوم با هم همسو شدند. این همسویی در فرآیندوم مربوط به قانون اساسی به شکل بارز نمود پیدا کرد. در همین زمان جریان اخوان المسلمین توانست با مانورهای زیرکانه بخشی از جهان امپریالیستی، به ویژه دولت اوباما را با خود همراه کرده و قانون اساسی را با آرای مثبت اقلیتی محدود از مردم مصر، تحمیل کند.

نیروهای بنیادگرای اسلامی تلاش می کنند تا از نارضایتی توده های محروم، ضعف ساختارهای مدنی و عقب ماندگی فرهنگی-سیاسی ناشی از سالها دیکتاتوری، در جهت منافع سیاسی و طبقاتی خود بهره برداری کنند و از طرف دیگر، مداخله آزمندانه و البته مودیانه کشورهای امپریالیستی منجر به تضعیف نیروهای دمکراتیک، عدم اتحاد و فقدان سازماندهی این نیروها و شکاف در درون جنبش دمکراتیک شده است. این نیروها هنوز نتوانسته اند همچون یک فراکسیون متحد، منسجم و سازمانیافته در پیشرفت انقلاب مداخله کنند.

با این وجود و علیرغم همه این چالشها و نگرانیها و با وجود ضعف و پراکندگی نیروهای دمکراتیک و پیشرو، تحولات موسوم به «بهار عرب» یک گام بزرگ به جلو در مبارزه آزادیخواهانه و عدالت طلبانه مردم خاورمیانه است. کفایت به تغییر ادبیات سیاسی پس از تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا توجه کرد تا به گستردگی تاثیر خیزشهای مردم این مناطق پی برد. پس از شروع بهار عرب کلمات «انقلاب» و «قیام» که سالها از جانب نظریه پردازان ضد انقلابی (برای نمونه اصلاح طلبان حکومتی در ایران) مورد تهاجم قرار گرفته بود، به طور گسترده وارد ادبیات سیاسی شد. پیش از این تحولات، دیکتاتورها و حامیان بین المللی آنها به بهانه مخالفت با خشونت که در حقیقت چیزی جز تائید خشونت از جانب دیکتاتورها نبود، حرکتهای مردمی و قیامهای توده ای را نفی و با نظریه پردازیهای سخیفانه راه انقلاب را راه ناکجاآباد اعلام می کردند. طرفه این است که پس از این تحولات و با توجه به بعضی از رویدادهای تلخ در کشورهایی که دیکتاتورها را سرنگون کرده اند، بعضی از نظریه پردازان

کوتاه فکر، این بار از موضع به اصطلاح چپ و در حقیقت از موضع دفاع از بی حرکتی و سکون در مقابل دیکتاتورها، این دگرگونیها را یا به کلی مردود اعلام می کنند و یا نقشه اطاقهای فکر کشورهای امپریالیستی ارزیابی می کنند. نقطه مشترک و نتیجه عملی نظرات تئوریسینهای امپریالیسم قبل از این تحولات با نظریات به اصطلاح چپ پس از این تحولات، دعوت مردم به سکون و بی عملی در مقابل مستبدان است. اولی با حربه مخالفت با خشونت و انقلاب و دومی با دستاویز نتایج انقلاب! شعار «الشعب یرید و اسقاط نظام» (مردم سرنگونی نظام را می خواهند) دست رد بر سینه مماشاتگران زد و ادامه تحولات و انقلاب در میدان تحریر مصر و تلاشهای نیروهای اجتماعی مترقی در تونس و ادامه قیام در سوریه، افشاگر نظرات سخیف ایدئولوگهای دسته دوم شده است.

آینده بهار عرب بستگی به این دارد که به چه میزان افراد و جریانات مترقی، دمکرات و چپ در امر جامعه دخالت کرده و توده های مردم را حول خواسته های مشخص و به ویژه خواست آزادی و دمکراسی گرد آورند. عبور از شرایط دیکتاتوری یک مرحله از مسیر مبارزه برای آزادی است. در این تحولات نه خوش بینی و نه بد بینی راه به جایی نخواهد برد. باید واقعیت عینی در حال انکشاف را دید. تحولات پرشتاب شرایط عینی را برای حضور نیروهای مترقی و پیشرو را ایجاد کرده است. در تاریخ، انقلابهای لوکس و پاستوریزه وجود نداشته و آزادی و برابری پر هزینه است و آن دسته از افراد و جریانهای سیاسی که آمادگی پرداخت این هزینه را داشته باشند، می توانند در روند حرکت انقلاب موثر باشند. نگرانیهای مطرح شده در مورد تحولات کنونی تا جایی به جنبش دمکراسی خواهی و عدالت طلبی کمک می کند که سدی در مقابل عبور از دیکتاتوری ایجاد نکند. آن دسته از نگرانیها در مورد آینده که مبارزه علیه دیکتاتورها را خنثی می کند، فقط و فقط به تثبیت وضع موجود یاری می رساند و این در جوهر خود عملی ارتجاعی علیه انقلاب و تحول است.

۱۱: پیرامون تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا اظهار نظر دبیرکل ملل متحد در روز یکشنبه ۲۵ دی ۱۳۹۰ در کنفرانس بیروت تحت عنوان اصلاحات و گذار به دمکراسی، بیان کننده عمق و وسعت این قیامها و مسیر برگشت ناپذیر آن است. بان کی مون در سخنرانی خود گفت: «بادهای تغییر از وزیدن آرام نخواهند گرفت. شعله یی که در تونس برافروخته شد، خاموش نخواهد شد. نظم کهنه، حاکمیت تک نفری و انحصار در سرمایه و قدرت، خاموش کردن رسانه ها و محرومیت از آزادیهای پایه ای در حال فروریختن است. مردم به همه اینها می گویند: کافی است، دیگر بس است... وقایع چشمگیر سال گذشته منطقه را دگرگون کرد و جهان را تغییر داد. این داستانی بود که توسط مردم نوشته شد، اما این داستان تازه آغاز شده است.»

دبیرکل ملل متحد رمز موفقیت دمکراسی را در چهار محور خلاصه کرد و گفت: «اول: اصلاحات باید واقعی باشد. اغلب، ظاهر آن با دمکراسی آرایش می شود اما در باطن، بدون محتوی و بدون انتقال قدرت واقعی به مردم است. دوم: گفتگوها باید جامع و دربرگیرنده همه باشد. ما باید با کسانی که اختلافات قومی و اجتماعی را دامن می زنند، به مخالفت برخیزیم. ما باید برای ترویج کثرت گرایی با همدیگر کار کنیم. سوم: زنان باید در کانون آینده منطقه قرار گیرند. زنان در خیابانها ایستادند و خواستار تغییرات شدند. آنها اکنون محق هستند که سر میز گفتگوها بنشینند و در تصمیم گیری و اختیارات حکومتی از نفوذ واقعی برخوردار باشند. هیچ دمکراسی ارزشمندی نمی تواند بدون حضور زنان وجود داشته باشد. چهارم: ما باید به صدای جوانان توجه کنیم.»

این اظهارات و داستانی که نوشتن آن در خیابانها صورت می گیرد، نشان می دهد که بهار عرب تاثیر جدی در حرکت سیاسی جهان، در روانشناسی مردم و در موضع گیریهای مسئولان مراکز قدرت جهانی به جای گذاشته است.

خیزش برآشفندگان و جنبش اشغال وال ستریت

۱۲: ما در ششمین اجلاس شورای عالی سازمان پیرامون بحرانهای حاد جوامع سرمایه داری پیشرفته اعلام کردیم: «سیستم سرمایه داری در گرداب عمیق ترین بحران خود از زمان رکود بزرگ در سالهای ۱۹۳۰ دست و پا می زند. این بحران برآمد مناسبات و مکانیزم تولید ارزش در نظم سرمایه داری است که در فرم "بحران بخش مالی"، تضادهای ساختاری آن را به نمایش گذاشته است.

با بحران مالی تکان دهنده و گسترش آن به اقتصاد حقیقی، بیش از همه بی منطقی و ظرفیت بحران سازی سرمایه داری خود را در برابر دیدگان همگان آشکار ساخته است. به گفته صندوق بین المللی پول (IMF)، تنها در عرض چند روز ارزشی



میدان نپتون - مادرید، ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۲

برابر با بیش از یک هزار میلیارد دلار نابود گردید. بانک توسعه آسیایی میزان ارزش نیست شده در سطح جهان را پنجاه هزار میلیارد دلار برآورد کرده است... سرمایه مالی به مثابه نوع مستقل شده سرمایه به ویژه در دو دهه اخیر، خود را به جایگاه نیروی محرک و غالب کلیت نظام سرمایه داری بر کشیده است. این فرم مشخص از سرمایه، نه بر تولید کالایی یا تجارت بلکه، بر تولید پول در بازارهای جانبی بورس، وام، بهره که به وجود آورده، مبتنی است. بازار مالی با کنار زدن بازار کلاسیک سرمایه صنعتی، به موتور اصلی نظام تولید ارزش سرمایه داری بدل گشته است. برای درک این جایگاه مرکزی کافی است اشاره شود که ارزش سپرده های مووسسات فعال در بازارهای جانبی، سه برابر بیشتر از ارزش همه کالاها یا خدمات فروخته شده در سراسر جهان است. این تورم سرمایه، منبع رونق و تولید دائمی حبابهای بورسی است که بخش مالی سرمایه داری به وجود می آورد و ناچار است که به وجود آورد.» (قطعه نامه پیرامون بحران جهانی سرمایه داری و چالشهای چپ، مصوب ششمین اجلاس شورای عالی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، آبان ۱۳۸۸ برابر با اکتبر ۲۰۰۹)

۱۳: در مقابل این وضعیت بحرانی ما شاهد جنبشها و خیزشهای بسیار در کشورهای کانونی سرمایه داری بودیم. جنبش محرومان و ستمدیدگان در کشورهای پیشرفته سرمایه داری برآمد جدیدی را در سالهای گذشته به ثبت رساند. طی سه دهه گذشته، توسعه سرمایه داری نو-لیبرال و گذار آن از رابطه «پول-کالا-پول» به رابطه «پول-پول» که تحلیلگران اقتصادی آن

را کاپیتالیسم کازینویی می نامند، زندگی توده های مردم را به فلاکت کشانده و باعث کاهش سرسام آور قدرت خرید مردم شد. در بحران مالی چند سال گذشته، هزاران میلیارد دلار از جیب مردم به کیسه گشاد بانکها و انحصارات مالی واریز شد. دولتهای بزرگ سرمایه داری و گروه کشورهای ۲۰ نتوانستند و در حقیقت نخواستند که بر رفتار انحصارات مالی کنترل و نظارت موثر اعمال کنند. همه هزینه بحرانهای بزرگ از حساب مردم برداشته شد و سهامداران و مدیران انحصارات سرمایه داری تا توانستند دست به چپاول توده های محروم زدند. اولین واکنش در مقابل این ستمگری بی حد و مرز در سیاتل بروز کرد و پس از آن در جنبشهای گسترده اجتماعی با شعار «جهانی دیگر ممکن است» ادامه یافت. فوروم اجتماعی جهان و فورومهای تابعه آن به علل گوناگون نتوانستند و نمی خواستند که نقش رهبری این جنبشها را به عهده گرفته و به ارایه راه حلهای ریشه ای بپردازند. پس از آن طی دو سال گذشته ما شاهد جنبشهای جدیدی در کشورهای پیشرفته صنعتی بودیم. جنبش برآشفنگان از مادرید در اسپانیا شروع شد و به سرعت در برخی از کشورهای اروپایی گسترش پیدا کرد و دیری نپایید که هزاران تن از محرومان آمریکایی جنبش اشغال وال ستریت را پایه ریزی کردند. جنبش اشغال وال ستریت در راه دشوار و پرفراز و نشیبی پا گذاشت. پیرامون آینده این جنبش و سیاستهای راهبردی و کاربردی آن نظرات گوناگونی وجود دارد که بحثهای مربوط به آن تا جایی که مقدور بوده، در نشریه نبرد خلق منتشر شده و می شود.

در قطعنامه ششمین اجلاس شورایی عالی سازمان اعلام کردیم: «مسیر مداخله گری سوسیالیستی و طرح گزینه سوسیالیستی به گونه مستقیم با برنامه و راه حلهای عملی و چاره جوییهای مشخص کمونیستها برای چیرگی بر بحران کنونی و پیامدهای فلاکت بار آن پیوند خورده است. کمونیستها زمانی می توانند جبهه ی مبارزه طبقاتی اکثریت جامعه علیه نظام سرمایه داری را آرایش دهند که قادر شده باشند به طبقات و اقشار فلاکت زده مسیر روشنی برای خروج از نکبتی که سیاستها و تدبیرهای نظم سرمایه داری به آنها تحمیل می کند، نشان دهند». (همان جا)

از نگاه ما راه مقابله با بربریت، انتخاب راه سوسیالیسم است و یک نظام سوسیالیستی به گمان ما و به همان گونه که در منشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران آمده است: «نظامی دموکراتیک، پلورالیستی، سکولاریستی (جدایی دولت از مذهب و ایدئولوژی) و مبتنی بر دخالت مستقیم مردم در امور خودشان و شناسایی حق تعیین سرنوشت مردم است. سازمان مخالف هرگونه سوسیالیسم غیر دموکراتیک، مخالف تلفیق حزب کمونیست با دولت، مخالف هرگونه سوسیالیسم سرکوبگرانه، اراده گرایانه و خودکامه، مخالف هرگونه دخالت در زندگی خصوصی افراد جامعه و مخالف سوسیالیسم متکی بر کیش شخصیت است.»

مواضع و وظایف ما

۱۴: سازمان ما خود را در جبهه نیروهای کار تعریف می کند و برای سوسیالیسم و تحقق شعار «از هر کس به اندازه استعدادش و به هر کس به اندازه نیازش» مبارزه می کند.

از نظر ما، همان گونه که در منشور سازمان قید شده، «دیدگاهها و اندیشه های رهبران و تئوریسینهای برجسته جنبش جهانی کمونیستی و از جمله مارکس، انگلس، لنین و... نه یک «شریعت جامد»، بلکه «رهنمود عمل» است. از این جهت ما هرگونه ساده اندیشی، کپی برداری، دگماتیسم، شریعت سازی، مطلق گرایی و تحجر را که بزرگترین مانع تکامل اندیشه های ترقیخواهانه و انقلابی است، رد می کنیم. اندیشه و تئوریهای ما باید انسان را مرکز توجه قرار داده و هماهنگ با دستاوردهای علمی باشد. سازمان به این امر واقف است که در اندیشه و تئوری اش ناچاراً محدودیتها، ناتوانیها، چالشها، ضعفها و تنگناهایی وجود دارد که تنها در تلاش برای تطابق با پیشرفت عینی جامعه و توجه اکید به دستاوردهای علمی و فنی بشریت می تواند بر آنها غلبه نماید. سازمان اعتقاد ندارد که برای تمام مسائل یک پاسخ حاضر و آماده دارد و بنابراین در اندیشه و تئوری، مدافع مدار، تسامح، نقد، پژوهش و بررسی دقیق عمل اجتماعی به مثابه محک تئوری می باشد... ما علیه هرگونه تبعیت و دنباله روی از نهادها، ارزشها و روشهای سنتی که همواره از توسعه علمی و فنی فاصله می گیرند مبارزه می کنیم.» (مواد ۲، ۳ و ۴ منشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، آبان ماه ۱۳۷۶)

ما بر این اعتقادیم که برای غلبه بر پراکندگی در جنبش کمونیستی ایران در گام اول باید بر «شریعت سازی تئوریک» غلبه کرد. بنیانگذاران جنبش پیشتاز فدایی با اعتقاد به سوسیالیسم به عنوان راه رهایی کارگران و مزدبگیران در گام اول بر هرگونه آیین سازی دگماتیک خط بطلان کشیدند. برای آنها دیدگاههای مارکس، انگلس، لنین و... نه یک کیش جاودانه، که رهنمود عمل بود و از همین نگاه بود که با دگم حزب سازی، در تئوری و عمل مرزبندی قاطع کردند.

همچنان که در گذشته اعلام کرده ایم، به گمان ما، حل بحران پراکندگی در جنبش کمونیستی ایران و شکل گیری یک قطب کمونیستی در جنبش رهایی بخش مردم ایران که بتواند با ژرف نگری و توجه به شرایط عینی کنونی نقش مداخله گر داشته باشد، در گرو تکیه به مضمون و توجه به درونمایه جنبشی پیشتاز فدایی طی سالهای پیش از انقلاب بهمن است. بدون تردید این تکیه و توجه بدون بررسی نارساییها، انحرافها، خطاها و کمبودهایی که چریکهای فدایی خلق در سالهای پس از حماسه سیاهکل تا انقلاب بهمن ۱۳۵۷ داشتند، ره به جایی نخواهد برد. نیروهای ارتجاعی و دشمنان آزادی، صلح و سوسیالیسم با عریده جویی مضمز کننده و با شیوه های معرکه گیران و رمالها دم از نابودی چپ و بی بدیل بودن لیبرالیسم عنان گسیخته جدید می زنند تا نظام دینی حاکم بر کشور ما را بی بدیل جلوه دهند. واقعیت این است که در شرایط حساس و پیچیده پس از قیام بهمن ۱۳۵۷ که یک رژیم مذهبی با جنبش توده ای به قدرت رسید، تا کنون جریانهای چپ ایران چه به علت ضربات حکومت و چه به خاطر ضعفهای درونی آن به عقب رانده شده اند.

درس آموزی از تجربه گذشته جنبش پیشتاز فدایی و درک شرایط جدید در ایران و در سطح جهان تنها راهی است که می تواند جنبش کمونیستی ایران را در جایگاه واقعی خود قرار دهد. ما از تمامی فعالان جنبش کمونیستی ایران که برای استقلال، آزادی، دموکراسی، صلح، سوسیالیسم مبارزه می کنند و از همه ی پیروان جنبش پیشتاز فدایی دعوت می کنیم که برای گسترش و تقویت نقش کمونیستهای ایران در انقلاب دمکراتیک و ضد استبدادی مردم ایران متحد و متشکل شوند. منشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، پیشنهاد ما به همه ی کمونیستهای ایران برای اتحاد و همبستگی است.

۱۵: طی سالهای پس از حمله اشغالگرانه آمریکا به عراق ما به طور ممتد شاهد آن بودیم که محافل و جریانهای گوناگونی صحبت از «خطر جنگ خارجی» می کردند. بعضی از این جریانات به تبعیت از خبرگزاری رسمی روسیه، در موارد بسیار تاریخ دقیق حمله را هم تعیین می کردند! بخش گفتمان سازی وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی با طراحی پیچیده و با استفاده از خواست برحق صلح خواهی در افکار عمومی مردم جهان، به توهم خطر جنگ دامن می زد. ما تا کنون و در چشم انداز قابل ارزیابی برای حمله خارجی احتمال کمی قایل بودیم، هرچند در شرایط پیچیده کنونی چنین امکانی را با توجه به ماجراجوییهای ولایت خامنه ای نمی توان نادیده گرفت. پروژه اتمی خامنه ای منجر به یک فاجعه بزرگ برای مردم و کشور ایران می شود و بدین لحاظ ما از عقب نشینی حکومت ایران از این پروژه مخرب استقبال می کنیم و آن را به سود مردم و کشور ایران دانسته و گامی در جهت جلوگیری از یک جنگ خانمانسوز می دانیم.

ما در شهریور ماه سال ۱۳۸۲ تاکید کردیم: «با هرگونه دخالت نظامی خارجی و هرگونه جانشین سازی که اراده آزاد مردم ایران برای تحقق حاکمیت ملی را نفی کند، مخالفیم.» (گزارش سیاسی، مصوب شورای عالی سازمان، ۲۸ شهریور ۱۳۸۲) در همین سند وظایف ما در عرصه جهانی چنین اعلام شده است: «فعالیت گسترده در خارج از ایران و استفاده از همه ی امکانات جهانی (مراجع بین المللی - دولتها - سازمانهای اجتماعی - نهادهای مدافع حقوق بشر - و...) بر اساس حفظ استقلال و رعایت موازین و اسلوبهای شناخته شده بین المللی در جهت هرچه منفرد کردن استبداد مذهبی حاکم بر ایران و گسترش مبارزه مردم برای سرنگونی رژیم.»

در مهر ماه ۱۳۸۵ ما در قطعنامه مصوب پنجمین اجلاس شورای عالی سازمان ضمن تایید مواضع بالا تاکید کردیم: «استفاده از امکانات مذکور در صورتی که به دخالت در امر انقلاب مردم ایران و یا تن دادن به آلترناتیو سازبها برای آینده ایران و یا کمک به جنگ خارجی منجر شود، نافی استقلال به شمار می رود».

در قطعنامه شورای عالی سازمان همچنین گفته شده: «مردم ایران در صورتی که کشورهای جهان در قبال مبارزه آنان با رژیم حاکم سیاست بی طرفی اتخاذ کنند، خود با آن تعیین تکلیف می کنند، امر تغییر جمهوری اسلامی و تعیین نظام آینده ایران تنها به عهده مردم ایران است و فشارهای خارجی فقط می تواند به عنوان عامل کمک کننده باشد. از این رو ما خواستار فشار سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک بر رژیم ایران از طرف مراجع بین المللی - دولتها - سازمانهای اجتماعی - نهادهای مدافع حقوق بشر - و... بوده و از تحریم رژیم ایران در زمینه های نظامی و تکنولوژیهای دارای مصارف چندگانه، سیاسی و دیپلماتیک و تحریم اقتصادی (به جز در مواردی که به تهیه آذوقه، دارو و مایحتاج عمومی مردم ربط دارد) حمایت می کنیم .

کشورهای امپریالیستی تا کنون با مراودات اقتصادی خود به استبداد مذهبی حاکم بر ایران یاری رسانده اند. رژیم با پشتیبانی مالی و اقتصادی این کشورها بزرگ امپریالیستی و با هدر دادن منابع ملی مردم ایران به سرکوب گسترده مردم ایران مبادرت ورزیده است. از این رو ما خواستار آن هستیم که کشورهای طرف معامله با رژیم ایران تمامی روابط اقتصادی خود را مشروط به رعایت حقوق بشر از جانب رژیم ایران کنند.

ما رژیم ایران را مسئول اول وضعیت فاجعه بار کنونی، به ویژه در مورد تحریمها می دانیم.

استفاده از شرایط بین المللی در جهت وادار کردن رژیم ایران به رعایت حقوق بشر و تعهد آن به میثاقهای بین المللی در مورد حقوق مردم و دست برداشتن از ماجراجویی در مورد سلاح اتمی و صدور تروریسم و بنیادگرایی از جمله وظایف دیگر ماست .

۱۶: تضادها و چالشهایی که در مواد یک تا چهار آمد، وظایف ما را تعیین می کند. مهمترین و محوری ترین تکلیف ما در مرحله کنونی تلاش و مداخله برای تحقق انقلاب دمکراتیک است .

واقعیت این است که بدون تحقق دمکراسی و مشارکت مستقیم توده ها در سرنوشت خود، کمونیستها نمی توانند به هدف نهایی خود دست پیدا کنند. بی توجهی به دمکراتیزه کردن حیات سیاسی و از آن بدتر به سخره گرفتن دمکراسی خواهی و سازمانیابی طبقاتی در یک جامعه دمکراتیک، خسارتهای زیادی به جنبش کمونیستی ایران وارد کرده است. در شرایط کنونی و با وجود استبداد دینی این نیاز به مراتب بیش از گذشته خود را نشان می دهد. منافع کارگران و مزدبگیران ایران ایجاب می کند که همسو و همراه با دیگر نیروهای اجتماعی برای تحقق یک انقلاب دمکراتیک بکوشند. جریانهای سیاسی مدافع نیروهای کار بیش از همه از دمکراتیزه شدن حیات سیاسی جامعه سود می برند. دیدگاهی که با شعار «سوسیالیسم اکنون»، تحقق حداقل خواسته های دمکراتیک مردم را به تحقق سوسیالیسم موکول می کند، دیدگاهی عمیقاً انحرافی است. مدافعان این دیدگاه از حذف نیروهای غیر کارگری در جنبش آزادیخواهی مردم ایران شروع و به حذف نیروهای کار می رسند .

سرمایه داری بودن مناسبات اقتصادی ایران نمی تواند بر این واقعیت سرپوش بگذارد که حاکمیت در ایران بر اساس استبداد مذهبی و بر پایه ولایت مطلقه فقیه سازمان یافته است. این شکل از حاکمیت قرون وسطایی نه فقط با کارگران و مزدبگیران، که با زیر بنای جامعه در ستیز است. قیامهای رنگین کمان بیشماران در سال ۱۳۸۸، نیاز طیف گوناگونی از نیروهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه ایران برای دمکراتیزه کردن حیات سیاسی را به همه نشان داد. اعتراضهای کارگری طی سه سال گذشته که بیش از ۷۰۰ حرکت اعتراضی بوده، نیاز به همین امر را بیان می کند.

ما با توجه به واقعیت عینی جامعه ایران، انقلاب دمکراتیک را نخستین گام برای تحقق خواسته های عادلانه کارگران و مزدبگیران ایران می دانیم و در شرایط کنونی برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه و تحقق یک جمهوری مستقل، دمکراتیک و غیر دینی (انقلاب سیاسی دمکراتیک) تلاش می کنیم .

خواست اولیه و مقدم مردم ایران که همه ی شیفتگان آزادی در راه آن پیکار می کنند، سرنگونی رژیم ولایت فقیه و استقرار یک نظام دموکراتیک است. این خواست تنها توسط اراده آزاد و عزم مردم ایران و نیروهای ترقیخواه میسر است. با سرنگونی رژیم حاکم، مردم ایران می توانند در یک انتخابات آزاد، بر اساس حق رای همگانی به ایجاد مجلس موسسان اقدام کرده و یک قانون اساسی جدید را تدوین و تصویب کنند .

۱۷: سازمان چریکهای فدایی خلق ایران برای آزادی بدون حد و مرز بیان و اندیشه، آزادی اطلاع رسانی و نفی هرگونه سانسور، رفع تمامی اشکال تبعیض جنسیتی از زنان و برابری کامل زن و مرد در تمامی عرصه های حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و قضایی، برخورداری اقوام و ملیتهای ساکن ایران از حقوق مساوی و بدون تبعیض در همه ی پهنه های دولتی و اجتماعی و لغو هرگونه تبعیض مذهبی مبارزه می کند و از همه جنبشهای اجتماعی برای تحقق این خواسته ها و از تلاش مدافعان بهبود محیط زیست برای جلوگیری از نابودی طبیعت و حفاظت و بهسازی محیط زیست بر اساس توسعه پایدار حمایت می کند. ما مخالف شکنجه و مجازات اعدام هستیم و برای آزادی همه زندانیان سیاسی و عقیدتی مبارزه می کنیم. ما خواستار اقدام بی درنگ شورای امنیت ملل متحد به منظور جلوگیری از نقض حقوق بشر در ایران و بازدید گزارشگر ویژه حقوق بشر، از زندانهای رژیم جمهوری اسلامی و ملاقات با خانواده شهدا و زندانیان سیاسی هستیم .

۱۸: ما از مبارزه به حق کارگران، مزدبگیران و کارکنان شرکتهای دولتی و خصوصی علیه نظام حاکم و سرمایه داری عنان گسیخته که تعرض به سطح زندگی و معیشت مردم را گسترش بی سابقه داده حمایت می کنیم. ما از خواست کارگران ایران برای حق اعتصاب و حق ایجاد تشکلهای مستقل کارگری و نظارت سازمان بین المللی کار بر حقوق کارگران ایران و از لغو کار کودکان حمایت می کنیم و همبستگی خود را با مبارزه کارگران و مزدبگیران ایران اعلام می کنیم و در همه تلاشها برای تحقق این حقوق خود را سهیم می دانیم. ما از کمیسیون حقوق بشر ملل متحد، از سازمان جهانی کار، از همه ی سندیکاها و اتحادیه های کارگری در سراسر جهان می خواهیم که از مبارزه کارگران و مزدبگیران ایران برای ایجاد تشکیلات مستقل کارگری حمایت و پشتیبانی کرده و رژیم حاکم بر ایران را به خاطر نقض قوانین مربوط به حقوق کار و دستگیری فعالان کارگری محکوم کنند.

۱۹: ما از حقوق مسلم زنان و مردان ساکن در کمپ اشرف و زندان موسوم به لیبرتی حمایت کرده و هرگونه جابجایی اجباری و اخلال در حل مسالمت آمیز مساله پناهندگی آنان و غارت اموال آنها از جانب دولت نوری المالکی را محکوم کرده و خواستار دخالت شورای امنیت ملل متحد برای حل مسالمت آمیز این مساله هستیم . حکومتی که با توپ، تانک و هواپیماهای آمریکایی به قدرت رسیده و رژیم ایران نیز به طور روزمره و برنامه ریزی شده و به اشکال مختلف آشکار و پنهان در امور آن دخالت می کند و اکنون از جانب بخش مهمی از مردم عراق از طریق تظاهرات روزمره نامشروع اعلام می شود، نمی تواند و نباید به بهانه «حق حاکمیت»، حقوق خدشه ناپذیر هزاران زن و مرد ایرانی را برای تحقق سیاستهای خامنه ای پایمال کند.

۲۰: مردم ایران از آستانه انقلاب مشروطیت تا کنون برای دموکراتیزه کردن حیات جامعه و مشارکت مستقیم در سرنوشت خود مبارزه کرده اند. بیش از صد سال است که زنان و مردان ایران زمین با جنبشهای سترگ خویش برای تحقق آزادی مبارزه می کنند.

ما خاطره تمامی زنان و مردانی که در بیش از یک صد سال گذشته در رزم بی امان با ستمگران، در راه آزادی و عدالت به شهادت رسیدند را گرامی می داریم و به کارگران، زنان، جوانان، روشنفکران و فعالان سیاسی، اجتماعی و مدنی که زیر فشار و شکنجه دژخیمان خامنه ای مقاومت می کنند درود می فرستد.

ما به تمامی زنان و مردان ایران زمین که برای آزادی، دموکراسی، صلح، پیشرفت، عدالت و جدایی دین از دولت مبارزه می کنند درود می فرستیم و با مبارزه مردم ایران علیه استبداد، فقر، جهل و تبعیض اعلام همبستگی می کنیم.

۲۱: سازمان چریکهای فدایی خلق ایران قیام همگانی و استفاده از تمامی اشکال مبارزه را حق مسلم مردم ایران می داند. ما ایجاد هسته های مخفی مقاومت، تشکیل هسته های کوچک رسانه ای و خبر رسانی، ایجاد کمیته های مخفی عمل و شوراهای هماهنگی و... را اشکال مناسب و عملی برای هماهنگی مبارزه کارگران، معلمان، کارمندان، مزدبگیران، پرستاران، دانش آموزان، دانشجویان و جوانان، زنان، روشنفکران، فرهنگیان، معلمان و هنرمندان می دانیم و به سهم و توانایی خود در این مسیر تلاش می کنیم.

ما با تحریم شعبده بازی انتخابات ضد دموکراتیک و فرمایشی که قرار است در روز جمعه ۲۴ خرداد ۱۳۹۲ به صحنه آورده شود، زنان و مردان آزادیخواه ایران زمین را به اتحاد و مبارزه برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه و ایجاد یک جمهوری لائیک، دموکراتیک و مستقل فرا می خوانیم .

این سند در جلسه روز سه شنبه ۱۲ فوریه ۲۰۱۳ به اتفاق آرا به تصویب شورای عالی سازمان رسید.

*روند نقدینگی در سال های پس از انقلاب، یعنی از سال ۵۸ تا ۹۱، مشاهده می شود که طبق اطلاعات بانک مرکزی، میزان این شاخص در طول این سال ها، از رقم ۲۵۸ میلیارد تومان در ابتدای سال ۵۸، به رقم ۳۸۷ هزار و پانصد میلیارد تومان در انتهای تیرماه سال ۹۱ رسیده است. یعنی در این سال ها، نقدینگی با افزایشی معادل ۳۸۷ هزار و ۲۴۲ میلیارد تومان مواجه بوده است. به عبارت دیگر، نقدینگی در طی تقریباً ۳۴ سال، ۱۵۰۳ برابر شده است... شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی (تورم) در همین مدت زمان تقریباً ۳۴۸ برابر شده است. (آزادنگار Journalism به نقل از دنیای اقتصاد، ۷ آبان ۱۳۹۱)

هر روز فراسوی خبر را در سایتهای ایران نبرد و جنگ خبر بخوانید

www.iran-nabard.com
www.jonge-khabar.com

فراسوی خبرها.....

انتقاد "خودی" ها از مدیریت هسته ای

منصور امان

فراسوی خبر... ۱۰ بهمن

سیاست قایم باشک آقای خامنه ای و شرکا با طرفهای خارجی در مورد محل و زمان مذاکرات هسته ای، در این میان حتی برای پایوران ارشد آن نیز فهم ناپذیر گردیده است. در همان حال که "نظام" به گونه پیوسته با مشکلات اقتصادی و سیاسی بیشتری ناشی از بحران در مناسبات خارجی خود روبرو می شود، آنها تردید دارند که ترفند خرید زمان گمکی به بهبود شرایط مزبور محسوب می شود.

وزیر پیشین خارجه مُلاها، آقای منوچهر مُتکی، از "اصلی کردن یا برجسته سازی موضوعی فرعی به نام محل مذاکرات" انتقاد کرده است و خواستار شده: "موضوع جدی و مهم مذاکرات هسته ای به عنوان یک موضع مهم و ملی نباید از دالان پروسه های شکلی و نمایشی عبور داده شود."

گفته های آقای مُتکی که همزمان تاییدی بر توسل جمهوری اسلامی به سیاست وقت گُشی به شمار می رود، از سوی یک مقام پیشین وزارت خارجه مُلاها مورد پُشتیبانی قرار گرفته است. آقای جاوید قُربان اوغلی، مُدیرکُل سابق آفریقای وزارت خارجه، تاکید دارد: "مسوولان امر بهتر است به این نکته توجه داشته باشند که تاخیر در برگزاری مذاکرات هسته ای برخلاف گذشته به سود جمهوری اسلامی ایران نیست."

آنچه که می تواند به پُرسشها زیر "خیمه نظام" پیرامون مُفید و عقلایی بودن مُدیریت کنونی بحران هسته ای دامن زده باشد، واکنش گروه شش کشور مذاکره کننده به رفتار طرفهای خود است. آنها تا آخرین دقایق بازی مُلاها را بازی کردند تا سپس خونسردانه اعلام کنند که برگزاری مذاکرات تعیین شده در ژانویه ناممکن گردیده و به ماه بعد (فوریه) موکول می شود.

از این رو چنین می نماید که آقای خامنه ای و همدستان در تمام مُدت کارت حریفان را بازی می کرده اند. طرفهای غربی آنها که برای خُشکاندن منابع برنامه های اتمی مُلاها در حال هدایت گام به گام تحریمهای نفتی و مالی به سمت برنامه نفت در برابر غذا هستند، نمی بایست از تلاش "نظام" برای خرید زمان که فضای بیشتری نیز برای اثرگذاری موثر تر تحریمها ایجاد می کند، خیلی زیاد ناخُرسند بوده باشند.

رُشد انتقادات پایوران حُکومت از این سیاست، به همین دلیل می تواند بیش از همه برای آقای خامنه ای و تیم او خطرناک باشد. در همین رابطه، یک وبگاه نزدیک به شورایی عالی امنیت مُلاها (رجانیوز)، ضمن مُتهم کردن مُنتقدین به "وارد کردن موضوع هسته ای به دعوای سیاسی و جناحی"، آنها را تهدید کرده است: "پرونده هسته ای و مذاکرات مُرتبط با آن، یک موضوع ملی و مورد اجماع ملی مردم و رهبری مُعظم انقلاب بوده و تلاش برای خدشه به آن با سُکوت مردم و مسوولان ذی ربط همراه نخواهد بود."

بی تردید انتقادهای دو مقام پیشین وزارت خارجه، آخرین آن از این نوع نخواهد ماند. بُمب هسته ای تا آن جا در دستگاه قُدرت "مورد اجماع" است که منافع سهامداران را تامین کند. آقای خامنه ای فقط در حال تقسیم کردن زیانها است.

اعلام نصب سانتریفوژهای جدید در تاسیسات نطنز، فرار به جلو

لیلا جدیدی

فراسوی خبر... شنبه ۱۴ بهمن

بار دیگر رژیم ولایت فقیه راه مقابله با بن بستهای خود را در بحران آفرینی و تهاجم و تهدید یافته است. اعلام نصب سانتریفوژهای جدید در تاسیسات نطنز که سرعت غنی سازی اورانیوم را تا دو یا سه برابر افزایش خواهد داد، آنهم هنگامی که قرار است "به زودی" مذاکرات پیرامون فعالیتهای هسته ای صورت گیرد، تازه ترین نمونه آن است.

جی کارنی، سخنگوی کاخ سفید، اقدام اخیر جمهوری اسلامی را ناقض قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل متحد خوانده و آن را "تحریک آمیز" توصیف کرده است. وی گوشزد می کند که این امر سبب انزوای بیشتر رژیم در جامعه بین المللی خواهد شد.

همچنین، چاک هیگل، نامزد تصدی پست وزیر دفاع ایالات متحده، در پاسخ به پرسشهای کمیته سنای آمریکا هشدار داده که بی توجهی جمهوری اسلامی به خواسته های بین المللی، از دست دادن "امکانی برای دیپلماسی" خواهد بود و اطمینان می دهد که از هیچ گزینه ای برای جلوگیری از دستیابی رژیم ایران به سلاح هسته ای چشم پوشی نخواهد کرد، حتی از اقدام نظامی.

جو بایدن، معاون رییس جمهور آمریکا نیز کوتاهی نکرده و بار دیگر دستیابی جمهوری اسلامی به بمب اتمی را "تهدیدی برای امنیت ملی آمریکا" اعلام می کند و متذکر می شود: "این پنجره دیپلماتیک، برای زمانی نامحدود گشوده نخواهد ماند."

در همین زمینه حتی سرگی لاوروف، وزیر خارجه روسیه، "ضروری" بودن توقف غنی سازی در مرحله مذاکرات را مورد تاکید قرار داده است.

پیشتر، افزون بر گروه ۱+۵، شورای امنیت نیز در چند قطعنامه خواهان توقف غنی سازی اورانیوم شده بود.

بنا به گزارشی در روزنامه لوس انجلس تایمز، بسیاری از کارشناسان معتقدند سرعت بخشیدن به غنی سازی اورانیوم زمان ساختن بمب را کوتاه تر خواهد کرد. برخی از آنان این زمان را تنها ۴ ماه در مقایسه با توان سانتریفوژهای فعلی که ۱۲ ماه است، تخمین زده اند.

واضح است که این اقدام جمهوری اسلامی امکان پیشرفت در مذاکرات هسته ای را کمتر خواهد کرد، زیرا کشورهای ۱+۵ خواهان خودداری از این اقدام پیش از مذاکرات خواهند شد. با این حال، کاترین اشتون، مسوول سیاست خارجی اتحادیه اروپا که سرپرستی مذاکره کنندگان گروه ۱+۵ را برعهده دارد، معتقد است که مذاکرات "بزودی" صورت خواهد گرفت.

واضح است که جمهوری اسلامی تلاش می کند به هر ترتیبی مذاکرات را به تاخیر بیندازد. این اقدام که برای تهدید و تحت تاثیر قرار دادن و مذاکره با داشتن ابزار زور بیشتر در برابر حریفان صورت گرفته، اقدامی است که رژیم بارها به آن دست زده و بی نتیجه و بیهوده بوده است.

رژیم جمهوری اسلامی با دست زدن به این بازیهای سیاسی، خود را به بی چاره گی بیشتر و مردم را به سیه روزی بیشتر مبتلا می کند.

پرداخت «کمک نقدی» شیوه فریبکارانه برای پنهان کردن فقر

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر... یکشنبه ۱۵ بهمن

در جلسه مشترک دولت و مجلس، شنبه شب ۱۴ بهمن، پرداخت کمک نقدی (مقدار نامعین) به افرادی (بخشهای اجتماعی نامشخص) به تصویب رسید. خبرگزاری حکومتی فارس این کمک نقدی را به صورت احتمالی بین ۷۰ تا ۱۰۰ هزار تومان تخمین زده است.

این کمک نقدی که قرار است در هفته اول اسفند فقط یک بار و به عده ای پرداخت شود، از منظر تصویب کنندگان آن، «برای جبران هزینه هایی که بر مردم وارد شده» است.

تصویب این مبلغ ناچیز در برابر بالا رفتن قیمتتها به مناسبت شب عید، هیچ ارزشی ندارد و می توان گفت جنبه تبلیغی و فریبکارانه آن برجسته است.

در اسفند ماه حداقل دستمزد توسط شورای عالی کار باید تعیین شود. بر اساس داده های آماری نهادهای دولتی، این حداقل دستمزد شامل ۱۲ میلیون کارگر و مزدبگیر می شود. حداقل حقوق برای سال ۹۱ که در پایان سال ۹۰ تصویب شده به گواهی نهادهای کارگری، نه تنها قدرت خرید کارگران را بالا نبرده بلکه با بالا رفتن غیر متعارف قیمت کالاها و تورم، زندگی و معیشت آنان فاجعه بار تر شده است.

از سویی دیگر زمان اجرای مرحله دوم حذف یارانه ها در جلسات شبانه بین دولت، مجلس و ولی فقیه، کلید خورد. برخی از کارشناسان رژیم، عوارض اجرایی شدن فاز دوم حذف یارانه ها را به عنوان خطری جدی گوشزد کرده اند. نیروهای سرکوبی راهکارهایی در رابطه با شورشهای اجتماعی طرح کرده اند. بر همین منظر تصویب «کمک نقدی» یکی از این راه حلهاست. اگر در نمایش انتخاباتی پیشین، گماشته ولی فقیه با پخش سیب زمینی (هنوز کشت کاران سیب زمینی، پول آن را طلبکارند) و اسکناسهای ۵۰ تومانی در شهرهای کوچک و روستاها خود را فاتح انتخابات مهندسی شده اعلام کرد، این بار با استفاده از ابزار قانون، با دادن صدقه شب عید لشکری نان خور وابسته را به اجرای نمایش انتخابات فرا می خواند.

کارگران و مزدبگیران می خواهند بر سرنوشت تعیین حقوق خود مشارکت داشته باشند و حق خود و دستمزد عادلانه همخوان با نرخ تورم و سبد هزینه زندگی شان می خواهند. مزدی که توسط قانون ضد کارگری تعیین می شود و صاحبان سرمایه پرداخت همین حداقل را ماهها به تاخیر می اندازند، نمی تواند با پرداخت یک کمک ناچیز تغییری در زندگی اکثریت مردم ایجاد کند.

دستگیری مرتضوی فاز جدیدی از درگیری باندهای قدرت

جعفر پویه

فراسوی خبر ... چهارشنبه ۱۸ بهمن

روز یکشنبه (۱۵ بهمن) دو اسب گاری ولایت خامنه ای (محمود احمدی نژاد و علی لاریجانی) افسار گسیخته در زیر خیمه نظام بهم پیچیدند و آنچنان گرد و خاکی بپا کردند که عمود خیمه نظام جا کن شد و قبای ولایت مقام عظمای جر خورد. اهالی مجلس ولایی که بخشی از این همآورد بودند، بیکار مانده با الفاظی رکیک و آخوند پسند یکدیگر را خطاب قرار داده و نمایی کامل از فرهنگ نظام ولایت فقیه را به تماشای عموم گذاشتند.

دست مایه این معرکه بی آبرویی را سعید مرتضوی گماشته سابق رهبر در مسند دادستان تهران به شیوه خود از یکی از فرزندان آیت الله آملی لاریجانی که مورد وثوق مقام عظمای می باشند، فراهم کرده بود. به همین دلیل آخرین ساعات روز دو شنبه، به گزارش خبرگزاری فارس که نزدیک به مقامات نظامی امنیتی است "مرتضوی به هنگام خروج از محل کار خود بازداشت شده و معاون دادستان تهران در هنگام بازداشت نامبرده در محل حضور داشته است."

این خبرگزاری همچنین از قول "منابع آگاه" خبر داد که "مرتضوی به علت تصرف غیر قانونی در اموال دولتی در زمان تصدی ریاست سازمان تامین اجتماعی بازداشت شده است."

همزمان سخنگوی هیات ریسه مجلس آخوندی نیز گفت: شکایتی از سوی مجلس علیه سعید مرتضوی نشده است. اندکی پس از انتشار این خبر، محمد رضا رحیمی، معاون اول احمدی نژاد ادعا کرد: "از نظر دولت، سعید مرتضوی همچنان رییس سازمان تامین اجتماعی است."

محمود احمدی نژاد روز گذشته (سه شنبه) قبل از سفر به مصر در فرودگاه به خبرنگاران گفت: "قوه قضاییه باید قوه قضاییه ملت باشد چون این قوه یک سازمان ویژه خانوادگی نیست." و ادامه داد "نمی دانم چرا اینطور است. فردی تخلف کرده اما شخص دیگری دستگیر شده است و این کار بسیار زشت است."

مرتضوی که به علت پرونده بازش در مورد دادگاه کهریزک و پرونده سازی و توطیه بر علیه بسیاری از مقامات سابق و کنونی رژیم، موضوع کشاکش بین مجلس و دولت است، به علت جنایات و آدمکشی هایش بازداشت نشده است. همگان می دانند که مرتضوی آلت فعل خامنه ای و ابزار سرکوب او در مقام قضایی بود، و به همین علت تا کنون از پیگرد در امان بود. اما پرونده سازی او بر علیه خانواده آیت اللهی که فرزندان او ریاست قوای مختلف رژیم را به عهده دارند و مایه گیری برای بیشتر کردن شعله درگیری بین باندهای رژیم، که خامنه ای در مورد آن اخطار داده بود، بزرگترین خطایی است که دیگر قابل چشم پوشی نیست.

بدیهی که دستگیری مرتضوی با چراغ سبز خامنه ای انجام گرفته است. گفته احمدی نژاد که "قوه قضاییه یک سازمان ویژه خانوادگی نیست" نه به خانواده لاریجانی بلکه به خانواده بزرگ آیت الله هابی اشاره دارد که رژیم جمهوری اسلامی را ابزار حاکمیت خود می دانند و خامنه ای را نیز شامل می شود. ضربه محمود احمدی نژاد، گماشته عاصی رهبر در روز یکشنبه تنها به خانواده لاریجانی وارد نشد، بلکه افراد مورد اعتماد رهبر و ابزار مهندسی یکدست سازی قدرت او را غرق در فساد و تباهی نشان داد. در صورت عدم کنترل احمدی نژاد این ضربات می روند تا از چهار چوب عبور کرد در اندرونی رهبر کسانی را شامل شود. وعده ای این کار را احمدی نژاد در فرودگاه داد "وقتی از سفر مصر بر گردم، حتماً این مسئله را دنبال می کنم."

با این حساب درگیری باندهای قدرت رژیم از تهدید، افشاگری و فحاشی گذشته و با دستگیری مرتضوی وارد فاز جدیدی شده است. این همان چیزی بود که خامنه ای تا کنون سعی داشت از آن پرهیز کند. روزهای آینده شاهد جدالی خواهیم بود که باند نظامی - امنیتی که خود را در آستانه حذف کامل می بیند، آنرا به مرحله همه یا هیچ کشانده است.

تهاجم موشکی به پناهندگان زندان لیبرتی جنایت علیه بشریت و محکوم است

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر یکشنبه ۲۲ بهمن

بامداد روز شنبه ۲۱ بهمن، مجاهدان بی دفاع و غیر مسلح در زندان موسوم به لیبرتی مورد تهاجم موشک و خمپاره قرار گرفتند. این یورش وحشیانه منجر به شهادت تعدادی از مجاهدان ساکن در لیبرتی و مجروح شدن بیش از صد تن از ساکنان شد. نوری المالکی برای خوش خدمتی به دربار ولایت فقیه، همه شرایط را برای یورش وحشیانه رژیم به ساکنان لیبرتی فراهم نموده و پس از این تهاجم ضد انسانی، مانع رساندن مجروحان به بیمارستانهای عراق شده است.

یورش جنایتکارانه روز شنبه در شرایطی صورت گرفت که ساکنان لیبرتی به شرایط غیر انسانی و فقدان بهداشت و امکانات اولیه زندگی اعتراض نموده و خواستار بازگشت به شهر اشرف شده بودند. در کمپ لیبرتی ۳۱۰۰ تن از زنان و مردان ایرانی به جرم مقاومت و عدم تسلیم به خواسته های خامنه ای در بنگالهایی مانند قوطی کبریت در شرایطی غیر انسانی و نبود بهداشت زندگی می کنند. این شرایط ضد انسانی تا کنون مورد اعتراض نهادهای بین المللی مدافع حقوق بشر و شمار عظیمی از روشنفکران، احزاب و سازمانهای ایرانی و جهانی به شمول عراقی قرار گرفته است.

این اولین بار نیست که رژیم جنایتکار ولایت فقیه برای نابودی رزمندگان دلیر مجاهدان دست به شلیک خمپاره و موشک به محل سکونت آنها زده است. در گذشته نیز جنایتکاران حاکم بر ایران چندین تهاجم موشکی به قرارگاه اشرف انجام داده اند. تهاجم وحشیانه روز شنبه ۲۱ بهمن در شرایط بحرانی حکومت، نشان وحشت مستبدان حاکم بر ایران برای نجات خود است. شلیک موشک و خمپاره به محل استقرار مجاهدان بی دفاع جنایت علیه بشرت است که رژیم ایران و دولت عراق دست به آن زده و محکوم است. سکوت در برابر این جنایت، کمک به کشتار بیشتر و همدستی با جنایتکاران است. همراه با همه نهادهای مدافع حقوق بشر و وجدانهای بیدار و آگاه از خواسته مجاهدان زندان لیبرتی حمایت می کنیم. دفاع از حقوق ساکنان لیبرتی دفاع از حقوق انسانها و بخشی از مبارزه علیه دیکتاتوری و استبداد ولایت فقیه و تلاش برای رسیدن به آزادی است.

مجازات تاریخی تقلب ۵۷

منصور امان

فراسوی خبر دوشنبه ۲۳ بهمن

نه کارناوال هوراکشهای حرفه ای و نه دایره و ترومپت تبلیغات رسمی که پیشاپیش آنها در حرکت بود، تصویری که رژیم جمهوری اسلامی در سالگرد به قدرت رسیدن اش از خود به نمایش گذاشت را تغییر می دهد. این تصویر حکومتی است که صلیب ایدیولوژی شکست خورده اش را سنگین به دوش می کشد و از میان خرابه های نظم اجتماعی که بر پا کرده، با آخرین رمق به سوی تپه جلجتا روان است.

از همان هنگام که یک ملای سالخورده و حيله گر به نام آیت الله خمینی اینگونه پنداشت که با سواری رایگان روی آرمانهای تاریخی جنبش ضد سلطنتی می تواند انگاشت استبدادی - مذهبی خود را بدون خسارت جایگزین آنها کند، پروسه زوال نظام کلاشی شده را نیز به جریان انداخت.

روی ویرانه های خواست و نیاز جامعه ایران به آزادی و عدالت، نظامی که آیت الله خمینی و جانشینهایش بنا کرده اند، تا آخرین بند اندام در باتلاق فساد مالی، تبهکاری سیاسی، انحطاط اخلاقی و بی کفایتی فرو رفته است. مولود تقلب ۵۷ اینک از ترس جامعه ای که خیزش عظیم میهنی علیه رژیم شاه را خلق کرد، به قلعه و باروها پناه برده است و زیر سایه قداره کشان، اوباشان و مداحان جان می آساید.

سرنوشت بنیان ایدیولوژیک این نظم، بسا بهتر از ساختار سیاسی آن نیست. امروز ۳۴ سال پس از به پا داشته شدن جمهوری اسلامی، همه آنچه که آقای خمینی و همدستانش در قالب یک نظم دینی با پوسته عرفی شعبده کردند، در برزخی بین این دو به زانو درآمده است. آیه های درخشان پیرامون امکان و امتیازات درآمیختگی دین و دولت، به هذیانهای بی اعتبار فرو کاسته و سند جمع این دو اضداد (قانون اساسی رژیم)، به یک منبع بی ارزش و عامل شر بدل گردیده است.

درهم آمیزی مزبور اگر چه نتوانست به ایجاد یک ساختار باثبات سیاسی راه ببرد، در عوض اما موفق شد همچون موربانه پایه های مشروعیت نظام دینی را از درون خورده و هضم کند. دستگاه سنتی روحانیت به شریک یا زایده حکومت بدل گردیده و در پیامد آن، به تدریج به شبکه های گوناگونی تقسیم شده که هریک گرد منافع ویژه خود در قدرت سیاسی و بهره اقتصادی آن، سامان تشکیلاتی و ایدیولوژیک گرفته اند.

نمایش حکومتی به مناسبت سالگرد چنگ انداختن مَلاها به قدرت، صحنه عبرت آموز یک شکست تاریخی است که تصویر ولی - دلکی تاج به سر، بر پیشانی اش داغ شده است.

ارزش استراتژیک بشار اسد برای خامنه ای

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر ۲۷ بهمن

به قتل رسیدن یکی از سرکردگان سپاه پاسداران در سوریه و سخن پراکنی رئیس قرارگاه عمار، اهمیت استراتژیک دیکتاتوری اسد برای خامنه ای را بیش از هر هنگام نشان می دهد. بر اساس بیانیه مشترک ستاد فرماندهی مشترک ارتش آزاد سوریه، «حاج حسن شاطری» در کاروان تسلیحاتی که از سوریه راهی لبنان بود، توسط حمله هوایی اسرائیل به قتل رسیده است.

رژیم با تایید خبر به قتل رسیدن این سرکرده سپاه تروریستی قدس، اعلام کرده است که وی رئیس هیات ایرانی ستاد بازسازی لبنان بوده است.

از سویی دیگر، روز پنجشنبه ۲۶ بهمن، آخوند مهدی طائب رئیس قرارگاه «عمار» سوریه را استان سی و پنجم و یک استان استراتژیک برای رژیم دانست. پاسدار مهدی طائب، با تاکید بر جایگاه سوریه در معادلات سیاسی و نقش بر اهمیت آن، به دخالتهای مستقیم رژیم ایران در حفظ بشار اسد اعتراف می کند. وی می گوید: «اگر دشمن به ما هجوم کند و بخواهد سوریه یا خوزستان را بگیرد، اولویت با این است که ما سوریه را نگه داریم چون اگر سوریه را نگه داریم می توانیم خوزستان را هم پس بگیریم اما اگر سوریه را از دست بدهیم تهران را هم نمی توانیم نگه داریم.»

حرف پاسدار طائب در اولویت دادن سوریه به خوزستان، بر راهکارهای رژیم برای مقابله با سرنگونی صحنه می گذارد. صدور بحران به خارج از مرزها، مداخله و ایجاد تنش در منطقه، همواره یکی از سیاستهای رژیم جهت حفظ خود است. از نظر طراحان امنیتی جمهوری اسلامی برای مهار بحران عدم مشروعیت و بحران حکومتی، باید سیاستهای مداخله گرانه در سوریه، لبنان، عراق و... را در شکلی عریان گسترش داد. کمک اقتصادی به سوریه به ارزش یک میلیارد و ۵۰ میلیون یورو در ماههای اخیر برای نجات دیکتاتوری بشار اسد، حرف طائب را تائید می کند. در حالی که در خوزستان مشکلات اولیه مردم افزایش یافته، درآمدهای کشور برای سرپا نگهداشتن بشار اسد هزینه می شود.

شهدای فدایی در اسفند ماه

رفقا: رحیم سماعی - مهدی اسحاقی - مسعود احمدزاده - عباس مفتاحی - مجید احمدزاده - مهدی سوالانی - حمید توکلی - غلامرضا گلوی - بهمن آژنگ - سعید آریان - عبدالکریم حاجیان سه پله - مناف فلکی - علی رضا نابدل - یحیی امین نیا - جعفر اردبیل چی - محمدعلی تقی زاده - اصغر عرب هریسی - اکبر مؤید - علی نقی آرش - حسن سرکاری - فریدون نجف زاده - علی اکبر صفایی فراهانی - جلیل انفرادی - اسکندر رحیمی - هادی فاضلی - اسماعیل معینی عراقی - شاع الدین مشیدی - هادی بنده خدا لنگرودی - عباس دانش بهزادی - محمدعلی محدث قندچی - غفور حسن پور - هوشنگ نیری - ناصر صیف دلیل صفایی - صبا بیژن زاده - بهنام امیری دوان - عبدالرضا کلانتر نیسانکی - احمد غلامیان لنگرودی (هادی) - محمدرضا بهکیش - نظام - حمید آزادی - عباس - جعفر پنجه شاهی - محمدعلی معتقد - جواد غفوریان - جلیل خواری - نسب - سعید عقیقی - علی خلیقی - عبدالرحیم صبوری - تیمور ستاری - منصور سعیدی - اقبال طاهرخو - بهاء الدین نگهداری - خسرو قره داغی - سیروس فردوس - ناصر نجم الدینی - مجتبی خرم آبادی - منصوره حبیبی زاده - طی سالهای ۴۹ تا کنون در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، در مبارزه علیه رژیمهای شاه و خمینی و برای تحقق دموکراسی و سوسیالیسم به شهادت رسیدند.

انتشارات تصویری



فیلم یادمان سی و نهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

درهمبستگی با قیام رنگین کمان بیشماران

سخنران: زینت میرهاشمی

رستاخیز سیاهکل، خیزش بیشماران و مواضع ما

گفتگو و تبادل نظر: جعفر پویه و منصور امان

برنامه هنری: ترانه سرودهای به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۱۰ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید



دو DVD در یک بسته

۱- فیلم کامل یادمان چهلمین سالگرد رستاخیز سیاهکل در کُنن - آلمان،
 ۲- چهلمین سالگرد حماسه سیاهکل در تلویزیونهای آسوسات، سیمای آزادی و تیشک

۹ ساعت در این مجموعه

قیمت: ۱۰ یورو یا ۱۵ دلار

برای دریافت این بسته با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com



چهل و یکمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

درهمبستگی با بهار عرب و جنبش اشغال وال استریت

سخنرانان: زینت میرهاشمی و مهرداد قادری

گفتگو و تبادل نظر با سخنرانان

برنامه هنری ترانه سروده‌های به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۱۰ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید

NABARD - E - KHALGH

No : 332 19 February. 2013 / Price: \$ 1 – 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas
 Executive Editor: Zinat Mirhashemi
 Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 /91350 Grigny / Cedex / FRANCE

NABARD /P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

[E.Mail: nabard@iran-nabard.com](mailto:nabard@iran-nabard.com)

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
 در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز،

دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org